



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

دوره کارشناسی ارشد

۲۲۱۸ مباحثی در علوم جنایی

مبحث اول- بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری

هدف از طرح این بحث تبیین محدوده حقوق کیفری اقتصادی و ارتباط آن با جرم شناسی است لیکن پیش از ورود به بحث لازم است برخی مفاهیم مقدماتی را مورد بررسی قرار دهیم.

گفتار اول - تفاوت جرم شناسی و حقوق کیفری

در مقام مقایسه جرم شناسی و حقوق کیفری می توان موارد زیر را یادآور شد.
الف- موضوع حقوق کیفری به طور کلی از یک سو جرایم و از سوی دیگر مجازات های مربوط به آنهاست. چه بسا در بعضی از نظامهای حقوقی مانند نظام ایران طبقه بندی جرایم و عناوین آنها بر اساس نوع مجازات تعیین و نام گذاری شود. در قانون مجازات اسلامی جرایم بر اساس نوع مجازات مربوط که جنبه فقهی دارد به جرایم حدی، جرایم مستوجب قصاص، مستوجب دیه، تعزیراتی و بازدارندگی تقسیم شده است، حال آنکه جرم شناسی صرفنظر از نوع جرم و مجازات آن درصدد علت شناسی آنها به منظور یافتن راه کارهای بازپروری مجرمین و پیشگیری از جرایم است. به دیگر سخن حقوق کیفری دارای کارکرد سرکوب گر و مکافاتی است حال آنکه جرم شناسی دارای کارکرد علت شناسی و مبارزه با علل جرم است.

ب- مستند حقوق کیفری، یا حقوق جنایی، قانون است. اعم از قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و از سویی دیگر، با آراء وحدت رویه و رویه قضایی سر و کار داریم. آراء وحدت رویه، ابهامات قانون را بر طرف نموده و در مواردی، نواقص تقنینی را جبران می نماید، و البته گاه به منظور تعیین مصادیق و تطبیق عمل خاص با مواد قانونی، به عرف، مراجعه می کنیم. در حالی که مستند ما در جرم شناسی، پرونده کیفری است.

تقریرات درس

جرم شناسی

(درآمدی بر جرم شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

مجتبی جعفری (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع))

انتصار ابریشمی (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی)

زهرا سلامی (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی)

بازیینی ماهوی و تدوین : خانم دکتر فاطمه قناد

نیم سال نخست ۸۵-۱۳۸۴

جرم‌شناسی ۲۲۱۹

ج- حقوق کیفری قاعده‌مند بوده و حدود و ثغور مشخصی دارد، از اینرو از اصولی بحث می‌کند که نشانگر قاعده‌مند بودن حقوق جزا است. ولیکن در جرم‌شناسی نمی‌توان، اولاً تعریف جامع و مانعی، ارایه داد. ثانیاً وضعیت را نمی‌توان تحت قاعده آورد. از جمله این اصول و قواعد، اصل تساوی افراد در برابر مجازات‌ها است که به موجب این اصل، برای فعل واحد، مجازات واحد و مشترک، تعیین شده است.

به عنوان مثال، در جرم ارتشا، مجازات یکسانی برای مرتکب اعم از این که کارمند شهرداری، یا کارمند ثبت و یا ... باشد، تعیین شده است. اصل دیگر، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. در حقوق کیفری، معیار ما، قانون است، و ما در چارچوب قانون، جرم را تعریف می‌کنیم. در حقوق جزا، ما نمی‌توانیم متعرض عملی شویم که در قانون، جرم تلقی نشده است. حال آنکه در جرم‌شناسی بحث کجروی در کنار جرم مطرح می‌گردد.

۶۲ ماده اول قانون مجازات اسلامی یا مواد اول قانون آیین دادرسی کیفری، اصول کلی حقوق جزایی را مشخص می‌کند. در ۶۲ ماده اول قانون مجازات اسلامی. از جرم، مسئولیت و مجازات که از مهم‌ترین مباحث حقوق جزا هستند بحث می‌شود.

د- حقوق کیفری، رشته‌ای غیر شخصی است. مقنن در قانون مجازات اسلامی از اصطلاح «هر کس» استفاده نموده است و این بدان معناست که قواعد حقوق کیفری، منصرف از جنسیت، سن، نژاد و موقعیت افراد است و مخاطب خاصی ندارد. به عنوان مثال در تعریف سرقت یک تعریف کلی ارایه می‌دهد و به جنسیت مرتکب اشاره‌ای ندارد، و به استثنای مواردی همچون اختلاس و ارتشا که کارمند بودن در تحقق آن، شرط است. حقوق کیفری به مقام و سن مرتکب، کاری ندارد. حال آنکه جرم‌شناسی، بر خلاف حقوق کیفری، رشته‌ای شخصی نبوده و از طریق شخص مرتکب به جرم و شرایط ارتکاب می‌رسیم. از طریق مطالعه بزهکار به علت و چرایی ارتکاب جرم پی می‌بریم.

۲۲۲۰ مباحثی در علوم جنایی

ه- حقوق کیفری ریشه در قانون داشته و هنجارمند است و با حاکمیت دولت‌ها، ارتباط تنگاتنگ دارد. چون تعریف جرم و تعیین مجازات، با جان و مال و آزادی و حیثیت انسان‌ها مرتبط است. لذا مباحث آن در صلاحیت بخش خصوصی جامعه نبوده و با نظم عمومی سر و کار دارد. ولی جرم‌شناسی بر خلاف حقوق کیفری، هنجارمند نیست. حقوق کیفری به موجب اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری، رشته‌ای ملی و داخلی است و این اصل، روی دیگر حکومتی بودن حقوق کیفری است. در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، چنین آمده است: قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد. مگر آن که به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد. حقوق کیفری، بر خلاف حقوق مدنی از اصل سرزمینی بودن تبعیت می‌کند و مصونیت سیاسی و مصونیت دیپلماتیک، استثنایی بر اصل سرزمینی بودن تلقی می‌شوند.

و- جرم‌شناسی دانش تجربی^۱ جرم و به عبارت دیگر دانش علل و چرایی ارتکاب جرم است. به این معنا که جرم‌شناسی به جای مطالعه جرم سرقت، سارق را مطالعه می‌کند. جرم‌شناس برای رسیدن به تعداد سرقت‌های ارتکابی، ناگزیر از مطالعه شخصیت، جنسیت، وضعیت خانوادگی و ... سارقین متعدد است. تعریف سرقت در قانون، برای همگان یکسان است. ولی مرتکبین سرقت از بسیاری جهات مشترک نیستند. عمده‌ترین تفاوت سارقین در انگیزه و داعی ارتکاب جرم است. در حقوق کیفری، انگیزه در احراز ارکان تشکیل دهنده جرم، نقشی ندارد. هر چند به موجب بند ۳ ماده ۲۲، می‌تواند در میزان مجازات مؤثر باشد، لیکن در عناصر تشکیل دهنده تأثیری ندارد. انگیزه، موتور و قوه مولد قصد مرتکب است. در جرم‌شناسی، به تعداد مرتکبین، انگیزه وجود دارد. به عنوان مثال در جرم سرقت، انگیزه مرتکب

¹ - Empirical approach.

جرم‌شناسی ۲۲۲۱

می‌تواند، لذت طلبی، تکاثر ثروت، رفع جوع و ... باشد. جرم‌شناسی در پی احراز این انگیزه است. از آنجایی که جرم‌شناسی، رشته‌ای تجربی و میدانی است، لذا از طریق مطالعه شخصیت مجرم و انجام آزمایش‌های روان‌شناسی و پزشکی و مصاحبه با اطرافیان، در صدد پاسخگویی به سئوالات مطروحه در این رشته بر می‌آییم.

ز- ویژگی دیگر جرم‌شناسی جهانی بودن است. جرم‌شناسی، بر خلاف قوانین کیفری، حد و مرز ندارد و از آن جا که به دنبال پی بردن به علل جرم، پیشگیری و اصلاح مجرمین است، روش‌های مطالعاتی آن همانند علم پزشکی، بسیار گسترده و فراملی است. زیرا اگر چه روش‌های درمان در علم پزشکی به میزان پیشرفت هر کشور بستگی دارد، ولی علم آن جهانی است. حال آنکه حقوق کیفری، داخلی و درون مرزی است. زیرا:

۱- با نظم عمومی مرتبط است. نظم عمومی ایران و افغانستان با این که هر دو مسلمانند، با هم فرق می‌کند.

۲- منابع حقوق کیفری عمدتاً داخلی و درون مرزی هستند. اگرچه در برخی موارد اسناد بین‌المللی که کشورها بدان ملحق شده و مفاد آنرا به تصویب مراجع قانونگذاری داخلی می‌رسانند، در حکم یک منبع حقوقی فراملی، لازم‌الاتباع تلقی می‌شود، ولی غالب منابع این رشته خصوصیت ملی و درون‌مرزی دارند.

۳- گوناگونی فرهنگ‌ها در شناسایی جرایم و مجازات‌ها و بعبارت دیگر جرم‌انگاری، مؤثر است. به عنوان مثال بد حجابی ممکن است در ایران جرم باشد، ولی در فرهنگ پاکستان با این که کشوری اسلامی است جرم تلقی نشود، و یا مصرف مشروبات الکلی، طبق قانون ایران جرم است، ولی در کشور ترکیه جرم نمی‌باشد. این ویژگی اخیر، با ماهیت سیاسی حکومت‌ها مرتبط است.

ح - در حقوق جزا، اعم از جزای عمومی، اختصاصی و آیین دادرسی کیفری، نگاه ما به جرم، یک رویکرد قانونی و قاعده‌مند است. اما در مباحث جرم‌شناسی،

۲۲۲۲ مباحثی در علوم جنایی

روان پزشکی جنایی، پزشکی قانونی، پلیس علمی و غیره، جرم را در قالب واقعه و رویداد علمی و بصورت تجربی بررسی می‌کنیم.

ط - هدف حقوق کیفری، احراز جرم و مجازات مجرم است. حال آنکه هدف در جرم‌شناسی، مطالعه علل جرم و بویژه بررسی انگیزه به منظور اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم است.

ی - جرم‌شناسی، به روش‌های قانونی، متوسل نمی‌شود. بلکه از روش‌های مطالعه کمی و کیفی بهره‌گیری می‌کند.

این دو روش از رشته‌های دیگر علوم و به ویژه علوم انسانی عاریه گرفته شده‌اند. به عنوان مثال تشکیل پرونده شخصیت در علم پزشکی متداول است و همین روش برای مطالعه جرم در جرم‌شناسی، به کار می‌رود.

جرم‌شناسی رشته‌ای چند بعدی است. یکی از ابعاد آن، بعد اجتماعی است. سابقه حرفه‌ای، جایگاه اجتماعی مجرم، سوابق بهداشتی مثل اعتیاد، در این رشته حائز اهمیت است، بعلاوه از بعد فرهنگی نیز به میزان تحصیلات و موفقیت در امر تحصیل توجه می‌شود.

در پرونده شخصیت، نوع جرم ارتكابی، سن مجرم، جنسیت و مسایلی از این قبیل، درج می‌شود، از اینرو می‌توان گفت که این رشته چند بعدی است. از یک طرف موضوع مطالعه خود را از حقوق کیفری و قانون می‌گیرد و از طرف دیگر روش مطالعاتی خود را از رشته‌های دیگر به عاریت می‌گیرد. به عنوان مثال، جرم‌شناسی در آمار با ریاضی بسیار سر و کار دارد، یا با رایانه و تحولات فناورانه ارتباط نزدیکی پیدا کرده است. جرم‌شناسی، رشته‌ای چند مبنایی و مرکب از علوم مختلف است و اگرچه از تلاقی روش‌های مختلف بوجود آمده ولی امروز خود به استقلال رسیده است. مثلاً اصطلاح پیشگیری در مباحث جرم‌شناسی کاربرد بسیار دارد، در حالی که

جرم‌شناسی ۲۲۲۳

واژه پیشگیری مربوط به علم پزشکی است و یا استفاده از شیوه‌های تست شخصیت، که بی‌ارتباط با علم روان‌شناسی نیست، در روان‌شناسی جنایی هم کاربرد دارد.

ک - موضوع مطالعات جرم‌شناسی در هر جامعه، تابعی از سیاهه جرایم در آن جوامع است. فهرست و سیاهه جرایم در جوامع مختلف، متفاوت است، لیکن روش مطالعاتی همواره یکسان است.

نگاه ما در جرم‌شناسی، یک نگاه پیرا حقوقی است و بر خلاف حقوق کیفری، ابزار کار ما قانون نبوده، بلکه پرونده کیفری است.

ل - در جرم‌شناسی، جرم را از طریق تحقیقات میدانی، آمارگیری و مصاحبه با اشخاص و به صورتی ملموس و عملی بررسی می‌کنیم. زبان، مفاهیم و اصطلاحات جرم‌شناسی متفاوت از حقوق کیفری است. ولی این به معنای جدایی جرم‌شناسی از حقوق کیفری نیست و علی‌رغم تمام وجوه افتراق یاد شده، ایندو مکمل یکدیگرند.

م - در جرم‌شناسی، اصطلاح بزهکاری به کار می‌رود. ولی در حقوق جزا هیچگاه اصطلاح بزه به کار نمی‌رود.^۱

بزهکاری و بزه دیدگی از مفاهیم جرم‌شناسی هستند، ولی وقتی از جرم بحث می‌کنیم، در حیطه حقوق کیفری قرار می‌گیریم. بزه و جرم چه تفاوتی دارند؟ منظور از بزهکاری، مجموعه جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین است. البته بزهکاری در دو معناست:

۱- به معنای مجرمیت؛ که در آراء دادگاه‌ها به این مفهوم به کار می‌رود.

۲- به معنای مجموعه جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین.

در مفهوم اخیر، بزهکاری یکی از اصطلاحات آمار جنایی است و از معنای مجرمیت، فاصله می‌گیرد.

۲۲۲۴ مباحثی در علوم جنایی

اما تعریف جرم یک مفهوم مجرد و انتزاعی و یک تعریف بی‌روح و کلی حقوقی است و شرایط آن در حقوق کیفری به موجب مواد قانون جزا احصا می‌شود و خصوصیات اعمال مجرمانه به منظور تفکیک آن اعمال از یکدیگر به منظور احراز وقوع یک جرم خاص، از طریق انطباق عمل ارتكابی با متن قانونی به صراحت تبیین می‌شود و مجازات هر عمل بطور مشخص اعلام می‌گردد و مخاطب آن، کلیه افراد جامعه هستند. بعبارت دیگر، قانونگذار از اصطلاح «هر کس» برای توصیف فاعل جرم استفاده می‌کند که عبارت عام، کلی و انتزاعی و فاقد ویژگی خاصی است. بر عکس، بزهکاری در جرم‌شناسی، به عنوان یک مفهوم اجتماعی و انسانی بررسی می‌شود. بعبارتی جرم‌شناسی از قانون فراتر رفته و بزه را در دنیای عمل، مورد مطالعه قرار می‌دهد. نظام طبقه‌بندی جرایم در جرم‌شناسی و حقوق کیفری، رسالت‌های جداگانه‌ای را دنبال می‌کند. بزهکاری در جرم‌شناسی، همان واقعیت مجرمانه در عمل است، نه اعمال مجرمانه‌ای که در قالب عناوین خشک قانونی در مجموعه‌های قانونگذاری مطرح شده‌اند.

از اینروست که در جرم‌شناسی، گروه‌های خاص تحت عنوان بزهکار مطرح، و مجموعه اعمال ارتكابی آنها در زمان و مکان معین، مورد بررسی قرار می‌گیرد و بجای استفاده از عنوان کلی «هر کس» از توصیفات خاصی که نشانگر تعلق بزهکار به طیف خاصی از جامعه بزهکاری است، بهره گرفته می‌شود. اصطلاحاتی نظیر بزهکاری یقه‌سفیدی، بزهکاری سازمان‌یافته و بزهکاران اقتصادی، اختصاص به دنیای جرم‌شناسی دارند و بعنوان یک واقعیت مجرمانه و یک مفهوم اجتماعی و انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. حال آنکه قانونگذار در جریان تدوین مقررات جزایی، با دسته‌بندی عنوانهایی نظیر حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، ... جرایم را از یکدیگر تفکیک می‌کند.

^۱ - قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ در این زمینه، یک استثنا تلقی می‌شود.

جرم‌شناسی ۲۲۲۵

گونه‌شناسی جرایم نشان می‌دهد که مقنن براساس مقتضیات فرهنگی، اقتصادی، پیشرفتهای فناوریانه و نیز تعهدات بین‌المللی، مبادرت به جرم‌انگاری می‌کند. تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳، یا قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ یا لایحه مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۴، همگی شواهدی بر این مدعا تلقی می‌شوند. بعنوان نمونه در قانون مبارزه با قاچاق انسان، باید به این نکته اشاره کرد که وفق ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی، جمع کردن میان دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط قوادی نام داشته و مجرمانه تلقی می‌شود. این جرم از ۱۴۰۰ سال پیش در جامعه اسلامی بعنوان جرم مطرح گردیده است. ولی بین‌المللی شدن موارد ارتکاب این جرم که امروزه بصورت سازمان‌یافته در ابعاد گسترده و در سطح بین‌المللی رواج یافته، موجب شده است که مقنن با الهام از کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فرامرزی و پروتکل‌های آن، در حقوق داخلی دست به جرم‌انگاری جدید زده و هر گونه بهره‌کشی جنسی از افراد را تحت عنوان قاچاق انسان تقبیح نماید و مرتکب را مشمول مجازات قرار دهد. به موجب ماده یک این قانون، قاچاق انسان عبارتست از:

الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه با تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اختفاء افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. ملاحظه می‌شود که این قانون، به اقتضای نیازهای جامعه امروز و به اقتضای شرایط پیرامون کشور ایران و به لحاظ ناکافی بودن جرم‌انگاری قوادی به وسیله مقنن تصویب شده است،

۲۲۲۶ مباحثی در علوم جنایی

زیرا در دنیای امروز ممکن است شهروندان ایرانی به بهانه کار، تحصیل، ازدواج و نظایر آن به صورت سازمان‌یافته به کشورهای دیگر هدایت شوند و متعاقباً مورد بهره‌کشی جنسی قرار گرفته و در روسپی‌خانه‌های مراکز خارج از ایران به کار گمارده شوند.

در عین حال باید توجه داشت که در کنار جرم‌انگاری افعال یا ترک افعال و حالاتی که مجرمانه تلقی می‌شوند، مقنن باید یک سلسله از عناوین مجرمانه را نیز حذف نموده و از آنها جرم‌زدایی کند. جرم‌زدایی مربوط به مواردی است که مقنن به اقتضای تحولات فکری جامعه، ممنوعیت‌ها را حذف می‌نماید. زیرا مجرمیت عمل، در شرایط مربوطه، قبح خود را از دست داده است. مثلاً بنظر می‌رسد که در خصوص ماهواره عملاً جرم‌زدایی صورت گرفته است.

گفتار دوم - گونه‌شناسی جرایم^۱ و اهداف آن

۱- مقنن، با دسته‌بندی جرایم، آنها را واجد عنوان مخصوص خود می‌کند. این عنوان سازی فایده حقوقی دارد و به منظور تفکیک میان افعال مجرمانه بکار گرفته می‌شود.

۲- مقنن با دسته‌بندی جرایم و تقدم و تأخر این دسته‌بندی در مقام بیان اهمیت آن جرایم است. به عنوان نمونه وقتی مقنن ابتدا حدود را بیان و سپس، به قصاص می‌پردازد، بیانگر این است که جرایم حدی را مهم‌تر از قصاص می‌داند و در مباحث مربوط به حدود، زنا را مهم‌تر از سرقت موجب حد تلقی می‌کند. این تفکیک بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارد و تا حد زیادی اعتباری و فرضی است، بویژه در مبحث تعزیرات این ویژگی بیشتر به چشم می‌خورد. بعنوان نمونه می‌توان به جرم ارتشاء

¹ Typology of crimes

اشاره کرد که گاه در دسته جرایم اقتصادی و گاه در زمره جرایم امنیتی طبقه‌بندی می‌شود.

در تعزیرات، مقنن ابتدا به جرایم علیه امنیت توجه می‌کند و بعد، به جرایم خانوادگی می‌پردازد. این بدان معنا است که از منظر قانون‌گذار ایران جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در اولویت قرار دارد. این دسته‌بندی، در هر نظام سیاسی و حکومتی، شکل خاصی به خود می‌گیرد و در نظام‌های مختلف، متفاوت است. در حقوق فرانسه، این الگوی دسته‌بندی، رعایت نمی‌شود و جرایم علیه بشریت اولین جایگاه را در طبقه‌بندی جرایم به خود اختصاص داده است. از جمله جرایمی که به لحاظ تعلقات دینی، جنسی و قومی و نژادی علیه یک عده رخ می‌دهد، و اصطلاحاً به آن ژنو ساید یا کشتار جمعی یا نسل‌کشی می‌گویند^۱، در این دسته‌بندی جای می‌گیرد.

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۱، اولین باب قانون جزا با جرایم علیه امنیت شروع می‌شد که امری مرتبط با بخش دولتی و عمومی بود. نتیجه اینکه، نظام دسته‌بندی جرایم در قانون جزا، تابعی از بافت و نوع حکومت است.

در جرم‌شناسی این طبقه‌بندی تحت عنوان جرم‌شناسی کلان^۲، مورد بررسی قرار می‌گیرد و معمولاً ملاحظات دیگری را همچون پیشگیری، اصلاح مجرمین و حمایت از بزه‌دیده دنبال می‌کند.

بعلاوه در جرم‌شناسی، جرایم علیه اموال، اشخاص، خانواده و محیط زیست از هم تفکیک و سیر صعودی و نزولی منحنی این جرایم در سال‌های مختلف بررسی می‌شود و جرم‌شناسی به دنبال پی‌بردن به چرایی این ارتکاب‌ها، در حیطه کلان

است.^۱ بررسی این طبقه‌بندی از بزهکاری، در جرم‌شناسی اصطلاحاً گونه‌شناسی یا تیپولوژی گفته می‌شود و جرایم با معیارهای خاص مورد بررسی قرار می‌گیرند.

طبقه‌بندی جرایم در جرم‌شناسی به نوبه خود در پی تحقق اهدافی خاص است و معیارهای خاص خود را دارد. به عنوان مثال ما بر اساس آلت مورد استفاده در ارتکاب جرم، جرایم را به جرایم خشونت‌آمیز و نیرنگ‌آمیز تقسیم می‌کنیم. تفاوت این دو جرم در این است که جرم نیرنگ‌آمیز و همراه با تقلب، در استفاده فرد از هوش و استعداد و درایت و تدبیرش خلاصه می‌شود که البته سبب تحول نظام پلیسی از جنبه‌های فنی و تخصصی خواهد بود. سوءاستفاده از هوش و استعداد در قانون تقلب نام می‌گیرد و طیف گسترده‌ای را تحت عنوان جرایم متقلبانه شامل می‌شود.

در مقابل، جرایم خشونت‌آمیز را داریم که مرتکب از زور بازوی خود و قدرت فیزیکی‌اش بهره می‌برد. این دسته‌بندی به ما اجازه می‌دهد که فراز و نشیب منحنی این قبیل جرایم را شناسایی و برای آن سیاست‌های مناسب اتخاذ کنیم. بنابراین به اقتضای منحنی هر یک از این جرایم دانش قضات و پلیس و مأمورین را تقویت می‌کنیم. بنابراین تفکیک جرایم بر اساس معیارهای مختلف کاربردهای پیشگیری و آموزشی دارد. بدین ترتیب می‌توانیم معیارهای دیگری را، نظیر معیار جنسی، معیار سنی، معیار ملیت و معیار بزه‌دیده و مجنی علیه، هم در نظر بگیریم.

بنابر معیار جنس، ما بزهکاری را به بزهکاری مردانه و بزهکاری زنانه و بر اساس معیار سن، به بزهکاری صغار و کبار و بر اساس معیار ملیت به بزهکاری بومی‌ها و مهاجرین تقسیم می‌کنیم.

^۱ وقتی بگوئیم جرایم علیه اطفال افزایش یافته، در حیطه جرم‌شناسی کلان قرار می‌گیریم، ولی اگر بگوئیم جرایم علیه اطفال یا علیه زنان بیشتر رخ داده، این جرم‌شناسی خرد است.

^۱ – Genocide.

^۲ – Macro Criminology.

البته تقسیم‌بندی‌های دیگری هم وجود دارد که به لحاظ خودداری از اطلاع کلام، بیان آنها را به بعد موکول می‌کنیم. بر اساس معیار بزه دیده که در ۳۰ سال اخیر وارد ادبیات جرم‌شناسی شده، جرایم به ۴ دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از:

۱- جرایم دارای بزه دیده واقعی؛ مثل قتل، تجاوز به عنف، ضرب و جرح، در این دسته از جرایم، در واقع آثار جرم وارده به دیگری، ملموس و مشخص است.

۲- جرایم دارای بزه دیده فرضی و اعتباری؛ در این جرایم بزه دیده، بهداشت عمومی، سلامت و اعتماد عمومی است. مثلاً در جرم احتکار یا ارتشاء، اقتصاد و اعتماد و سلامت عمومی جامعه خدشه‌دار می‌شود. جرایم علیه اقتصاد دولتی هر چند قابل تصور است ولی قابل لمس نیست و یا تقلب مالیاتی علیه خزانه و اقتصاد عمومی کشور رخ می‌دهد که در این جا هم مجنی علیه فرضی است. در این جرایم، بزه دیده فرضی است، از اینرو رقم سیاه بالا است. تمایل افراد به ارتکاب این جرایم زیاد است. مثلاً در تقلب مالیاتی رقم سیاه بالا است، به آن علت که افراد اهمیت پرداخت مالیات را لمس نمی‌کنند و برایشان قابل درک نیست.

۳- جرایم دارای بزه دیده بالقوه؛ یعنی افعالی که به طور بالقوه جرم‌زا و خطرناک است. رانندگی در حال مستی یا رانندگی با سرعت غیرمجاز در این زمره‌اند. این دو فعل یک تخلف اداری محسوب شده و معمولاً با جریمه و جزای نقدی مجازات می‌شوند. ولی در حقوق فرانسه این دو فعل، جرم تلقی و در خصوص آن جرم انگاری صورت گرفته است. شخص مست پشت فرمان علاوه بر تخلف، جرم پشت فرمان بودن در حال مستی را هم مرتکب شده است و به آن علت، قابل تعقیب کیفری است.

یا رانندگی با سرعت غیرمجاز، هم بالقوه تصادف‌زا و حادثه‌خیز است. مقنن این افعال را به صورت اعتباری جرم تلقی می‌کند. به این گونه جرایم، اصطلاحاً جرم مانع، بازدارنده یا پیشگیرانه گفته می‌شود. یعنی اگرچه قرار گرفتن در پشت فرمان

خودرو به خودی خود جرم نیست. ولی در حالت مستی، حتی اگر تصادفی رخ ندهد، عمل حادثه‌خیز بوده و برای جلوگیری از مضرات بعدی موضوع جرم‌انگاری قرار می‌گیرد.

۴- جرایم بدون بزه دیده^۱ از منظر حقوق کیفری، هر جرمی دارای یک بزه‌دیده بالقوه، فرضی یا واقعی است. ولی واقعیت این است که برخی جرایم بدون بزه دیده هستند. بدین معنا که در جریان ارتکاب جرم، هیچکس جز شخص مجرم ضرر نمی‌بیند. بنا به تعبیر دیگری گفته شده است که جرایم بدون بزه‌دیده، جرایمی هستند که در آن، خود بزه‌دیده مرتکب جرم باشد.^۲

این اعمال برای جامعه خطرناک محسوب می‌شوند و مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرند. مثلاً در روسپی‌گری (فحشاء)، شخصی که خود فروشی می‌کند، به خود ضرر می‌زند. اما قوادی جرم است. چون نوعی بهره‌کشی جنسی است. حتی اگر شخص راضی باشد، نوعی سوء استفاده جنسی از دیگری به شمار می‌رود. همچنین اعتیاد، به شخص خاصی ضرر نمی‌زند. بلکه معتاد بواسطه اعتیاد به خود ضرر می‌زند. هر چند معتاد به لحاظ اخلاقی، روحی، خانوادگی و ... به خانواده خود لطمه می‌زند، ولی این لطمه ملموس نیست.

¹ - Victimless Crimes.

² بزه دیده شناسی شامل دو قسمت است:

الف) بزه دیده شناسی علمی یا جرم‌شناسانه که سهم بزه دیده یا مجنی علیه را در وقوع جرم بررسی می‌کند. بزه دیده عامل جرم است نه یک فرد کاملاً بی‌گناه. در جرایم بدون بزه دیده یا در جرایم دارای بزه دیده فرضی مجنی علیه حقیقی وجود ندارد تا بتوانیم نقش او را در وقوع جرم بررسی کنیم.

ب) بزه دیده شناسی حمایتی: صرف نظر از این که جرم بزه دیده داشته یا نداشته باشد ما به دنبال جبران خسارت و ترمیم بزه دیده هستیم. در اینجا ما به بزه دیده به عنوان کنشگر جرم نگاه نمی‌کنیم.

جرم‌شناسی ۲۲۳۱

خودکشی جرم نیست و بزه دیده ندارد. ولی خود زنی برای فرار از سربازی، جرم است. این طبقه‌بندی، بر اساس جرم‌شناسی، در حقوق کیفری، معنا ندارد.

در حقوق کیفری، جرایم بر اساس موضوع یا بر اساس مرتکب جرم دسته‌بندی می‌شوند. البته در قانون آئین دادرسی کیفری جرایم را با توجه به شاک، به جرایم قابل گذشت و جرایم غیر قابل گذشت، دسته‌بندی می‌کنیم. این یک امر فنی و تخصصی و در عین حال فرضی و اعتباری است. چون اصول خاصی بر هر یک از جرایم، و دسته‌بندی آنها حاکم است. همه جرایم حتی جرایم قابل گذشت، حیثیت عمومی دارند. صرف این که مقنن فعل یا ترک فعلی را در قانون جرم‌انگاری می‌کند ما را به این نتیجه می‌رساند که آن عمل برای جامعه خطرناک است و بعد عمومی دارد. مقنن به اقتضای شرایط و اوضاع و احوال، برخی جرایم را قابل گذشت اعلام می‌کند. بدین لحاظ که حیثیت عمومی آن را کم‌رنگ می‌بیند و بر عکس برخی جرایم را غیر قابل گذشت اعلام می‌کند.

این یک ذهنیت قانون‌گذاری است، بعنوان نمونه در حقوق کیفری ایران، جرایم علیه میراث فرهنگی، قابل گذشت انگاشته شده و در این جا، سازمان میراث فرهنگی به عنوان شاک، مطرح است که البته بهتر است مقنن ما هر چه سریع‌تر در این مورد دست به اقداماتی بزند.

برعکس، در حقوق فرانسه، جرایم علیه میراث فرهنگی، یک جرم عمومی بوده و همه از جمله دادستان می‌توانند علیه مرتکب شکایت کنند.

قابل گذشت بودن این گونه جرایم (مواد ۵۵۸ تا ۵۶۶) در حقوق ایران، نشان می‌دهد که جرایم علیه میراث فرهنگی برای مقنن بی اهمیت است^۱، یا جرم ترک نفقه که در آن همسر و فرزندان، مجنی علیه هستند ذاتاً عمومی است ولی وجه خصوصی آن غلبه دارد. نظم عمومی و حمایت از بنیان خانواده، سلامت کیان خانواده اقتضا

^۱ این مسئله تأسف‌بار است زیرا میراث فرهنگی متعلق به همه مردم است.

۲۲۳۲ مباحثی در علوم جنایی

می‌کند که مقنن متعرض ترک نفقه شود. قبل از انقلاب، ترک نفقه یک جرم عمومی بوده است. ممکن است در ظرف چند سال آینده، بعد عمومی ترک نفقه بیشتر جلوه‌گر شود.

البته همه جرایم حتی جرایم قابل گذشت، بعد عمومی دارند چون حکومت از طریق نظام قانونگذاری، متعرض آن شده، ولی قابل گذشت و غیر قابل گذشت بودن جرایم، یک امر اعتباری است. چون مقنن بین اعمال قابل گذشت و اعمال مباح و غیر جرم فرقی قائل شده و از موضوعات خاص حمایت می‌کند نشان می‌دهد دغدغه آن را دارد. ولی در هر حال معیار ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، کاملاً فرضی و اعتباری و بسته به نظر قانونگذار است.

معیارهای دیگری هم برای دسته‌بندی جرایم وجود دارد، مثلاً بر اساس تعداد شرکت کنندگان و مباشران در جرم یا به عبارتی شیوه ارتکاب جرم می‌توانیم جرایم را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱- انفرادی: فاعل فعل یا ترک فعل، یک نفر است. این جرایم، مصادیق زیادی دارد و ممکن است در قالب سرقت ساده و یا قتل جلوه‌گر شود.

۲- مشارکتی: جرم ارتكابی با تحریک دیگری رخ می‌دهد. مثلاً جرایمی که علیه شوهر رخ می‌دهد. جایی که زن، معشوقی دارد و وی را تحریک می‌کند که شوهرش را به قتل برساند. همین طور جرایم مافیایی و جرایم نوجوانان.

۳- جرایم توده‌ای: جرایمی که جمعی از افراد چه به صورت خود جوش و چه در اجرای دستور یک رهبر، مرتکب این عمل می‌شوند. چه بسا این افراد به تنهایی، تمایلی به ارتکاب نداشته باشند، ولی وقتی در فضای گروه قرار می‌گیرند، این جمع و گروه، آنها را به ارتکاب جرم، هدایت می‌کنند.

در تحلیل این نوع بزهکاری گفته‌اند: آن گمنامی باعث می‌شود افراد جمع احساس کنند هیچ کنترل جمعی و محلی نسبت به آنها وجود ندارد بنابراین به راحتی

جرم‌شناسی ۲۲۳۳

مرتکب ضرب و شتم و تخریب اموال عمومی می‌شوند. به عبارتی پدیده توده‌ای یا جمعی بودن، فرصتی می‌شود تا فرد گرایش‌های درونی خود را در گروه تخلیه نماید، زیرا علت ارتکاب جرم، آنومی^۱ یا خلاء هنجاری است. یعنی فرد کسی را ناظر بر خود احساس نمی‌کند این آنومی اجازه می‌دهد تا فرد خود را در جامعه تخلیه نماید.

بعنوان نمونه یک روستایی به لحاظ فقر و خشکسالی، روستا را ترک می‌کند. در روستا، جایگاه اجتماعی و نام و نشان وی مشخص است که این شناسایی خود موجب کنترل اجتماعی، غیر رسمی، خانوادگی و فرهنگی است و مانع ارتکاب جرم در روستا می‌شود، زیرا روستایی، کنترل اجتماعی دیگران را بر خود احساس می‌کند. اما در شهر این کنترل را احساس نمی‌کند. دورکیم به این امر تضعیف کنترل اجتماعی جرم می‌گوید. در این جا کنترل جرم از راه دور و از طریق پلیس است، ولی در روستا کنترل نزدیک و مجاور است و هر لحظه این کنترل در نظر فرد، حی و حاضر است. حال آنکه در شهر کنترل پلیس ملموس نیست و در نظر فرد پلیس ناظر اعمال تلقی نمی‌شود، به این امر فقدان کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی می‌گویند. در جرایم دارای محرک یا جرایم موتوری، حالت آنومی پیش می‌آید.

در تظاهرات مردمی و خودجوش، گروهی و صنفی و نه تظاهراتی که تحمیل از سوی دولت و ظاهراً از سوی مردم صورت می‌گیرد برای اجتناب از ارتکاب جرایم موتوری، خود برگزار کنندگان اقدام به گماردن مأموران انتظامات می‌کنند که تظاهرات را هدایت نمایند، تا تظاهرات به نیروهای مغرض دیگر آلوده نشود. خود این تظاهرات نوعی کنترل درونی برای پیشگیری از جرایم دارای محرک است.

۲۲۳۴ مباحثی در علوم جنایی

حکمت این طبقه‌بندی در جرم‌شناسی این است که جرم‌شناس به دنبال شناسایی علت ارتکاب، پیشگیری و اصلاح مجرمین است ولی در حقوق کیفری مجازات مجرم در درجه اول اهمیت قرار دارد.

طبقه‌بندی دیگری که در جرم‌شناسی در خصوص بزهکاری صورت می‌گیرد، بر اساس انگیزه است. در حقوق کیفری، انگیزه نقشی ندارد. به استثنای مواردی مثل بند ۳ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی برای تخفیف یا تبدیل مجازات.

قصد مجرمانه و سوء نیت مجرمانه به عنوان یک معیار فنی برای احراز عنصر روانی جرم ملاک استفاده قرار می‌گیرد. ولی قاضی کیفری به انگیزه جرم یا موتور قصد و آنچه که منجر به تصمیم به ارتکاب جرم شده توجهی ندارد. قاضی در عناصر جرم به انگیزه عنایتی ندارد. آنچه مهم است مثلاً سرقت است و دیگر فرقی نمی‌کند که این سرقت به انگیزه سد جوع بوده یا انگیزه‌های دیگر. در عین حال در برخی از جرایم، انگیزه مهم است. جرایم سیاسی از این نوعند. مثلاً سرقتی که با انگیزه مبارزه سیاسی با رژیم صورت می‌گیرد با سرقت ساده و مبتنی بر انگیزه‌های شخصی متفاوت است. اما در یک نگاه کلی، در حقوق جزا انگیزه موضوعیتی ندارد مگر در موارد پیش‌بینی شده در قانون مثل بند ۳ ماده ۲۲ که سرانجام در میزان مجازات مرتکب مؤثر خواهد بود. لیکن، در جرم‌شناسی، انگیزه بسیار مورد توجه است. چون محرک اصلی ارتکاب جرم است. پی بردن به انگیزه برای ما در جرم‌شناسی حائز اهمیت بوده و بسیار راهگشا است. برای شناخت انگیزه، به تشکیل پرونده شخصیت و مطالعه مجرم می‌پردازیم تا علت آن را کشف نماییم.

در جرم‌شناسی بر اساس عنصر انگیزه، معمولاً جرایم بر چند دسته‌اند:

۱- بزهکاری بدوی یا اولیه یا ناگهانی: یعنی جرایمی که ناگهانی رخ می‌دهند و مسبوق به برنامه‌ریزی نیستند. این جرایم مسبوق به رابطه یا بحرانی نیستند. در این جرایم به طور ناگهانی فعالیت و جوشش مجرمانه فرد رها و در قالب جرم نمود پیدا

¹ Anomie

جرم‌شناسی ۲۲۳۵

می‌کند و مرتکب، قدرت کنترل خود را ندارد و فعالیت مجرمانه از کنترل فرد خارج است. قتل‌های ارتكابی پس از وقوع تصادف‌های جاده‌ای را می‌توان به عنوان مثال ذکر نمود این جرایم ناشی از قدرت و تجاوز و زور هستند.^۱

همچنین است قتل‌هایی که در اثر عصبانیت و هیجانات شدید، پس از ضرب و جرح رخ می‌دهد. در جرایم ناگهانی بزه کار و بزه دیده، همدیگر را به ناگاه شناخته‌اند.

۲- بزهکاری سودمند یا فایده‌دار:^۲ مثلاً قتل شوهر توسط همسر، به این دلیل که شوهر، همسر خود را آزار می‌دهد. یا سرقت صندوق‌دار از صندوق شرکت به لحاظ نیازهای وی (صندوق‌دار جزء طبقه بالای جامعه نیست)، یا مثلاً جرم موضوع ماده ۶۶۵ ق.م.ا (سرقت تمتع).^۳ در جرایم سودمند، ارتکاب جرم تنها راهکار برای خروج از بحرانی است که فرد دچار آن شده است، هر جرم سودمند، جرم یقه سفید نیست. جرم یقه سفید، جرم سازمان یافته است. مرتکب این جرم به طبقه بالای جامعه تعلق دارد.

۳- جرایم عدالت جویانه یا دادگرایانه: فعل کسانی است که به قیمت ارتکاب جرم به تصور خود در مقام اصلاح خطاها و گسترش عدالت هستند.

۳-۱- در این جرایم یک نوع ملاحظات ایدئولوژیکی، نوع دوستی، تنبیه و به راه راست کشاندن وجود دارد. فرد مرتکب در مقام تنبیه فرد خطاکار، اقدام به عملی می‌کند که در قانون، جرم است. بعنوان نمونه در سوء قصدهای سیاسی و تروریسم. انگیزه مرتکب این است که امپریالیسم را تنبیه نماید یا در موارد قتل از روی ترحم^۴ انگیزه مرتکب، نوع دوستی است.

۲۲۳۶ مباحثی در علوم جنایی

۲-۳- جرایم نمادین، که این جرایم ارتكابی، نسبت به یک شخص، نماد انگیزه فرد یا نظر مرتکب نسبت به شخص ثالث است که به آن جرم سمبولیک هم می‌گویند. مثل مادری که به قصد انتقام‌گیری از همسری که به وی خیانت کرده، فرزندی را که مورد علاقه شوهر است، به قتل می‌رساند، و یا دانش‌آموزی که به علت نارضایتی از پدر، معلم خود را که یادآور پدرش تلقی می‌شود، اذیت می‌کند، معلم مجنی علیه است و شاگرد به شکل نمادین در ذهن خود، پدر را تنبیه می‌نماید.

۳-۳- جرایم رهایی ساز، اعمالی که به فرد اجازه می‌دهد تا از تنش و اضطراب زندگی رها شود. مثل سرقت خودرو به طور موقت.

۴- جرایم سازمان یافته:^۱

جرم سازمان یافته اصطلاحی است که برای نخستین بار در جرم‌شناسی مطرح گردید و با گذشت زمان وارد حقوق کیفری شد. جرم سازمان یافته جرمی است که از یک وضعیت غیر خاص و عمومی برای فراهم کردن زمینه ارتکاب جرم استفاده می‌کند. این جرایم دارای یک سری خصوصیات هستند که عبارتند از:

۱- برنامه‌ریزی

۲- شناسایی مکان‌ها و امکانات وضعی

۳- آماده سازی

۴- تقسیم وظایف

واژه اوتانازیا در زبان یونانی ریشه دارد [EU] به معنی خوب و [Thanatos] به معنای مرگ است. اوتانازیا یعنی خاتمه دادن به زندگی توسط دیگری به درخواست صریح شخصی که مرگش حتمی است. این اصطلاح در فارسی به عباراتی نظیر «قتل از روی ترحم» و «بیمار کشی با ترحم» تعبیر می‌گردد، و شاید عبارت «بیمارکشی طبی» و یا «تسریع در مرگ محتضر» معنای گویاتری برای آن باشد.

¹ - Organized crime

¹ - Predatory offences.

² - Utilitaire.

³ - Joy riding.

⁴ - Euthanasia

۶- ارتکاب جرم برای یک مدت نسبتاً طولانی

۷- ارتکاب جرم با اهداف انتفاعی، مالی و اقتصادی.

بدین ترتیب، جرایم سازمان یافته از منظر جرم‌شناسی شامل جرایمی می‌شود که هدف و غایت آن، کسب قدرت مادی - که منجر به کسب پول می‌شود - خدمات نامشروع و در نهایت کسب منفعت مادی است. بنابراین جرم تروریسم تنها در صورتی که با جرایم مالی و اقتصادی مرتبط باشد زیر عنوان جرایم سازمان یافته مطالعه می‌شود. بدین ترتیب جرم سازمان یافته دارای یک هدف و قصد انشاء شده و مسبوق به مطالعه و تقسیم کار و سلسله مراتب است. لذا اگر سه نفر دور هم جمع شوند تا برای سرقت از یک منزل برنامه‌ریزی کنند و قرار باشد بعد از ارتکاب جرم جمع آنها از هم بپاشد، کار آنها یک جرم سازمان یافته نخواهد بود. این جرایم، براساس نبوغ، تفکر، قلم و موقعیت اجتماعی مرتکب به وقوع می‌پیوندد و نیاز به برنامه‌ریزی دارند. به مرتکبین این جرایم اصطلاحاً یقه‌سفید، طلایی، قابل اعتماد و رانت‌خوار اطلاق می‌شود. این قبیل مجرمین که دارای پایگاه‌های قانونی در جامعه هستند و از موقعیت ممتاز اجتماعی برخوردار می‌باشند، به لحاظ نبوغ، تجربه و آشنایی به زیر و بم فعالیت خود، همان سازمان یافتگی و برنامه‌ریزی را که در فعالیت‌های مشروع و قانونی کاربرد دارد کپی برداری کرده و برای سوء استفاده از موقعیت به کار می‌برند. به عبارت دیگر سازمان یافتگی را برای فعالیت‌های نامشروع خود یاد می‌گیرند. پس سازمان یافتگی با ماهیت همه جرایم ملازمه ندارد بلکه لازمه برخی از جرایم است.

جرایم سازمان یافته تحت این عنوان در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی نشده‌اند. لیکن این قانون، امکان شبکه‌ای و بانندی بودن ارتکاب جرایم را در نظر گرفته است، بعنوان نمونه در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و ... (مصوب

(۱۳۶۷) این شبکه‌ای بودن به جای آن که باعث تشدید شود، موجب تغییر عنوان جرم می‌شود. مقنن در ماده ۴ این قانون اصطلاح مفسد را به کار برده، ولی باند را تعریف نکرده و اساساً قانونگذار ما معیاری برا تشخیص باند، شبکه و تشکیلات ارائه نکرده و قاضی ناگزیر از مراجعه به عرف می‌باشد. بعلاوه با توجه به تغییر عنوان جرم در موارد فوق، صلاحیت مرجع رسیدگی نیز تغییر می‌یابد. در قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، یک سلسله جرایم مثل اختلاس، ارتشاء و حیف و میل اموال عمومی و سوء استفاده از مجوزهای دولت و وام‌های دولتی جرم انگاری شده و تأکید شده است که چنانچه این جرایم که اقتصادی و مالی و انتفاعی‌اند به صورت شبکه‌ای یا بانندی ارتکاب یابند یا هدف از ارتکاب آنها مقابله با نظام جمهوری اسلامی باشد از مصادیق افساد فی الارض بوده و عنوان جرم از ارتشاء و اختلاس به «افساد فی الارض» تغییر می‌یابد. در قانون مارالذکر، یکی از مصادیق مجرمانه «اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اختلال در نظام اقتصادی کشور» دانسته شده (ماده ۱، بند ۲) و بعد در ماده ۲ گفته هر یک از اعمال مذکور در ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم مؤثر بودن اقدام در این جهت صورت بگیرد. در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب مرداد ماه ۸۳، قانونگذار با الهام از ماده ۳ پروتکل الحاقی به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (پارمو)، نیز اصطلاح «به طور سازمان یافته» را برای تبیین و توصیف نحوه ارتکاب فعل مجرمانه به کار برده است و برای اولین بار قاچاق انسان بویژه زنان و کودکان را با ضمانت اجرای کیفری پاسخ داده است.

البته مقنن، جرم سازمان یافته را تعریف نکرده و فقط به نحوه ارتکاب جرم اشاره کرده است. با مراجعه به کنوانسیون پارمو که در آن ویژگی‌های جرم سازمان یافته، معرفی شده است، می‌توان به تعریف این جرم و مفهوم فراملی بودن آن دست یافت.^۱

^۱ - برای مطالعه بیشتر و شناخت جرم سازمان یافته و مفاهیم مطروحه در کنوانسیون پارمو، ر.ک.:

جرم‌شناسی ۲۲۳۹

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که جرم سازمان یافته، یک اصطلاح جرم شناسانه است و در حقوق داخلی، برای اولین بار در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳/۴/۲۸ به عنوان قید به کار رفته است.

این نوع جرم، بر اساس معیارهای جرم شناسانه، دارای ویژگی‌هایی است: از اراده و قصد مطالعه شده و آگاهانه به منظور ارتکاب یک جرم خاص ناشی می‌شود؛ هدف از آن کسب منفعت مالی و اقتصادی است؛ در یک شرایط غیر خاص و غیر طبیعی ارتکاب می‌یابد؛ مرتکبین به دنبال فرصت مناسب برای ارتکاب جرم هستند و توأم با برنامه‌ریزی و امکان‌سنجی در زمینه شناخت مکان، تجهیز و آماده سازی ادوات و نیز افراد درگیر در جرم، انتخاب شرکاء و معاونین، فعالیت می‌کنند و به سبکی خشونت‌آمیز مرتکب جرم می‌شوند.

در جرم شناسی، سه نوع جرم سازمان یافته قابل تفکیک و بررسی است: نخست: بزهکاری سازمان یافته پرخاشگرانه (بازویی) به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان از سرقت مسلحانه از بانک، یاد کرد.

دوم: بزهکاری سازمان یافته در قالب: دایر کردن مؤسسات غیر قانونی غیر حرفه‌ای به منظور ارائه خدمات و تحصیل سود به طرق غیر قانونی نظیر دایر کردن عسرتکده و مراکز فساد و فحشا برای مصرف مواد مخدر، قوادی و ...

۲۲۴۰ مباحثی در علوم جنایی

سوم: بزهکاری سازمان یافته نیرنگ آمیز که در مقابل بزهکاری سازمان یافته خشونت‌آمیز بکار می‌رود و به بزهکاری یقه سفیدها شهرت دارد. این بزهکاری، رفتار مجرمانه شخص یا اشخاصی است که به قشر بالای جامعه تعلق داشته و با استفاده از حيله و نیرنگ در ارتباط با فعالیت‌های قانونی و حرفه‌ای خود، مرتکب جرم می‌شوند. با این تقسیم‌بندی می‌توان گفت که دو طیف از جرایم سازمان‌یافته وجود دارد. اول، کسانی که با زور بازو (کلسیم) و خشونت مرتکب جرم می‌شوند. دوم کسانی که با حيله، تفکر و نیرنگ (فسفر مغز)، عمل مجرمانه خود را انجام می‌دهند.

حالت خطرناکی این گروه اخیر که به یقه سفیدها شهرت دارند، بسیار بالاست. درجه انطباق آنها با جامعه، بالا بوده و به عنوان افراد محترم در جامعه پذیرفته شده‌اند. توانایی^۱ سازگاری‌شان و انطباق با جامعه^۲ در این افراد بالا، و تمایلات مجرمانه‌شان زیاد است. در نتیجه بنحوی خوب مرتکب جرم می‌شوند و رقم سیاه بزهکاری این دسته از افراد، بسیار زیاد است. چون خوب اجتماعی شده‌اند، بخوبی می‌توانند خلاءهای قانونی و پلیسی را شناسایی و آنها را دور بزنند و مرتکب جرم شوند و به اهداف اقتصادی و حتی سیاسی خود برسند. کسب قدرت سیاسی برای این افراد وسیله‌ای برای دستیابی به منافع مالی و اقتصادی است. در ایتالیا می‌بینیم که گروه‌های سازمان یافته مشهور به مافیا به هنگام انتخابات مجلس، شهرداری‌ها و انجمن‌های شهر و ریاست جمهوری به نفع یک یا چند نامزد پول خرج می‌کنند و ستاد تبلیغاتی درست می‌کنند و انتظار دارند که آن شخص یا جریان مورد حمایت در صورت رسیدن به قدرت، فرصت پیشرفت را به اینها بدهد و طرحها و لوایحی را به مجلس ارائه دهد که در بردارنده منافع این گروهها باشد.

۱. سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا؛

۲. بوریکان، ژاک، «بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه»، مترجم نجفی‌ابرنآبادی، دکتر علی‌حسین، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱-۲۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۸، ص. ۳۱۳

۳. شمسی اژیبه علیرضا، «جرم سازمان یافته و بررسی مصادیق آن در حقوق موضوع ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷۸

1 Capacity

2 Adaptability

جرم‌شناسی ۲۲۴۱

اصطلاح جرایم یقه سفیدها، برای اولین بار در سال ۱۹۳۹ میلادی، توسط ادوین ساترلند، جامعه‌شناس آمریکایی، به کار رفت. در سال ۱۹۴۹ وی کتاب مستقلی را با همین عنوان منتشر کرد.^۱

نکته‌ای که در عنوان یقه سفیدی مطرح است، این که مقام مرتکب وجه تسمیه آن قرار گرفته است و اگر ملاک عنوان سازی، عمل ارتكابی بود، اصطلاح جرم اقتصادی مناسب‌تر بنظر می‌رسید. ساترلند در عصر خود متعرض طبقاتی شده که هرگز در عرف جامعه مورد ظن نبودند. اطلاق جرم یقه سفید، خود گویای اهمیت بحث است. ساترلند در واقع در یک مطالعه میدانی در مورد ۷۰ شرکت مشهور و معتبر معدنی، صنعتی و تجاری در آمریکا و در مورد این که آیا شرکت‌ها مرتکب جرم شده‌اند یا خیر؟ آیا تعقیب و شناسایی شدند یا نه، یک تعداد عناوین مجرمانه را بررسی کرد. مثلاً:

۱- آگهی‌های تبلیغاتی سودجویانه و فریبکارانه؛

۲- جعل و سوءاستفاده از علامت تجاری یا صنعتی یک شرکت؛

۳- تقلب مالیاتی؛

۴- جرایم علیه قوانین و مقررات کار؛

۵- نقض قوانین دوره جنگ توسط این شرکت‌ها.

وی ۷۰ شرکت مهم آمریکایی را بررسی و در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که این شرکت‌ها، چندین بار قوانین مربوطه را نقض و مرتکب جرایمی چون تبلیغات فریبکارانه و سوءاستفاده از علائم تجاری شده^۲ و حتی در مواردی، برخی مرتکب

۲۲۴۲ مباحثی در علوم جنایی

تکرار جرم شده‌اند. به طوری که در مقام مقایسه با اشخاص حقیقی، می‌توانیم اصطلاح بزهکار به عادت را در موردشان به کار ببریم هر چند شخصیت حقوقی هستند. ولی به بزهکاری خو گرفته‌اند.

جرایم این شرکت‌ها لطمه شدیدی به نظام اقتصادی جامعه آمریکا وارد کرد. لیکن کسی به طور مستقیم علیه این شرکت‌ها، اعلام شکایت نمی‌کرد و به طور اتفاقی، توسط ضابطین کشف می‌شد.

طرح این بحث که افراد متعلق به طبقه بالای جامعه می‌توانند مرتکب جرم شوند در آن زمان انقلابی را در آمریکای سرمایه‌داری بوجود آورد. عده‌ای، عنوان جرم یقه سفیدها را یک اصطلاح انقلابی در عرصه حقوق کیفری و در عرصه جرم‌شناسی تلقی کردند. قبل از او مارکسیست‌ها بر اساس یک رویکرد ایدئولوژیک اعتقاد داشتند که اصولاً جرم مظهر جامعه سرمایه‌داری و همراه آن است، زیرا سرمایه و ابزار تولید بصورت انحصاری در اختیار عده‌ای اندک است.

در مقابل، کارگران در خدمت این سرمایه‌داران قرار دارند. از آنجا که شکوفایی سرمایه مفرط است و مزد و هزینه و امکانات، کم، لذا در کشورهای سرمایه‌داری نوعی استثمار وجود دارد که سبب می‌شود عده زیادی از مردم به حقوق خود دست پیدا نکنند و مرتکب جرم شوند. مارکسیست‌ها به این نتیجه رسیدند که در صورت فروپاشی جامعه سرمایه‌داری و استقرار یک کشور کمونیستی که در آن سرمایه‌ها بین همه تقسیم شود، دیگر دلیلی برای ارتکاب جرم وجود نخواهد داشت. تفاوت عقیده ساترلند با مارکسیست‌ها این بود که جامعه آمریکا را زیر سؤال نبرد بلکه عملکرد مجرمانه اشخاص حقیقی و حقوقی متنفذ و ظاهراً معتبر وی را به سوی ابراز این عقیده سوق داد که این اشخاص علاوه بر جرایم معمولی مثل قتل، جرایمی را هم مرتکب می‌شوند که بی سر و صدا است و بزه دیده حقیقی ندارد. بزه دیده آنها ملت و خزانه عمومی است. در فرهنگ عامه مردم و حتی در سنت قضایی سوء ظنی نسبت

¹ - Criminalité en col blanc.

برای مطالعه تفصیلی بزهکاری یقه سفیدی ر.ک: نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین و همکاران، «دانشنامه جرم‌شناسی»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، صص ۳۵۶-۳۵۳.

² برای اطلاعات بیشتر در خصوص ماهیت این جرایم، ر.ک: قناد، فاطمه، منبع پیشین

جرم‌شناسی ۲۲۴۳

به این طیف از افراد وجود ندارد و وقتی از بزه‌کار صحبت می‌شود افراد یقه آبی به ذهن متبادر می‌شوند. به همین جهت دیدگاه ساترلند در جامعه آمریکا مورد توجه قرار گرفت و چند سال بعد به نظریه جرایم یقه سفیدها تبدیل شد.

در جامعه ایران نیز در دو دهه گذشته وقتی از فساد و مجرمیت صحبت می‌شد مواد مخدر، فحشاء، بی بند و باری و نظایر آن به ذهن خطور می‌کرد. اما امروزه فساد اقتصادی هم گفتمانی را به خود اختصاص داده است.

اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۸۵^۱ و دستورالعمل رئیس قوه قضاییه مبنی بر تشکیل مجتمع قضایی ویژه مبارزه با جرایم اقتصادی در تاریخ

^۱ بر اساس تبصره ۳ الحاقی قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن که در جلسه علنی ۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی تصویب شد، در موارد محکومیت قطعی به ارتکاب جرم اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

همچنین مرجع تجدید نظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.

بر اساس تبصره ۵ الحاقی نیز هر یک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

۲۲۴۴ مباحثی در علوم جنایی

۱۳۸۵/۵/۲۱-----^۱ و تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲^۲ و ارائه لایحه مبارزه با پولشویی در سال ۱۳۸۴^۳، همگی نشانگر تغییر رویکرد و طرز تلقی زمامداران و بویژه قانونگذار در خصوص جرایم اقتصادی است.

خلاصه آنکه معیار ساترلند برای جرایم یقه سفیدی «موقعیت اجتماعی»، «قابلیت احترام» و «انجام جرم در جریان فعالیت شغلی و حرفه‌ای» بود. بررسی این مفاهیم برای درک بهتر جرایم اقتصادی و افعال مجرمانه‌ای که موضوع آنرا تشکیل می‌دهند حائز اهمیت است.

نخست- موقعیت اجتماعی: جرایم یقه سفیدها، نوعاً به مدیران و مسئولین مربوط می‌شوند. عبارت دیگر یقه سفیدها کسانی هستند که کار فکری می‌کنند و فعالیتشان یدی نیست. کارمند تأسیسات و حراست می‌تواند اسناد مجرمانه سازمان متبوع خود را در مقابل دریافت وجه یا امتیازی، مورد معامله قرار دهد، ولی عمل مجرمانه وی

۱- دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی که در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۰ به تایید و تصویب رییس قوه قضائیه رسید در روزنامه رسمی شنبه بیست و یکم مردادماه ۱۳۸۵ منتشر گردید. این دستورالعمل به منظور حمایت از سرمایه گذاری سالم و پیشگیری از مفاسد اقتصادی،دفتري را در مجتمع امور اقتصادی تحت عنوان دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری و پیشگیری از مفاسد اقتصادی پیش‌بینی نموده است.

^۲ برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین

^۳ برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.:

۱. همان منبع؛

۲. جلالی فراهانی، امیرحسین، «پولشویی الکترونیکی» مجله فقه و حقوق، سال اول، بهار ۱۳۸۴

۳. باقرزاده، احد، «جرم تطهیر درآمدها و سرمایه‌های حاصل از قاچاق بین‌المللی مواد مخدر در حقوق ایران، انگلستان، و در حقوق بین‌الملل»، رساله دکتری رشته حقوق بین‌الملل، واحد علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، سال تحصیلی ۴-۱۳۸۳

4. Shelly, L., 2003, "Organized Crime, Terrorism and Cybercrime", available at http://www.crime-research.org/library/Terrorism_Cybercrime.pdf

جرم‌شناسی ۲۲۴۵

طبق نظریه ساترلند جرم یقه سفیدی محسوب نمی‌شود. چون کار وی یدی است و تصمیم‌گیرنده و مدیر تلقی نمی‌شود.

دوم- قابلیت احترام: آنچه در تعریف ساترلند بعنوان معیار مطرح شده، تعلق به جایگاه اجتماعی بالا و قابل احترام بودن مرتکب است. مدیران، سرمایه‌داران، وزیران و ... معمولاً در مقایسه با مجرمین عادی، از احترام بیشتری برخوردارند و مشمول یک رفتار خاص می‌شوند. یعنی رفتار پلیس نسبت به آنها متفاوت است زیرا در ذهن پلیس چنین تلقی شکل گرفته که ارتکاب جرم، توسط افراد یقه سفید، غیر ممکن است و مرتکب جرم، همواره یقه آبی و خیابانی است. این ذهنیت باعث می‌شود که در فرآیند کیفری در خصوص این افراد اماره برائت با قوت بیشتری اعمال شود.

سوم- انجام جرم در جریان فعالیت شغلی و حرفه‌ای: منظور ساترلند از «فعالیت شغلی و حرفه‌ای» فعالیتی است که جنبه اقتصادی و مالی دارد. لذا اگر یک مدیر و رئیس شرکت و رئیس حسابداری شرکت مرتکب قتل یا رابطه نامشروع با منشی شد در تعریف ساترلند نمی‌گنجد. منظور ساترلند این است که فرد در جریان فعالیت شغلی خود مرتکب جرم و سوء استفاده شود. مثلاً گرفتن وام با علم به این که نمی‌تواند پس دهد یا پر کردن اظهار نامه مالیاتی غیر واقع یا خرید و فروش سهام با استفاده از اطلاعات بورس. از این منظر می‌توان به جای اصطلاح جرم یقه سفیدی، از اصطلاح جرم شغلی^۱ استفاده کرد، بدین معنا که فرد از اعتماد حاکم در شغل و اعتبار خود سوء استفاده می‌کند و مرتکب جرم می‌شود. البته اگر ماهیت شغلی معیار تلقی شود، علاوه بر مدیران، طیف وسیعی از کارمندان نیز تحت شمول عنوان مجرمانه قرار می‌گیرند و اختلاس و ارتشاء حتی توسط افرادی که کار یدی می‌کنند هم جرم یقه‌سفیدی تلقی می‌شود.

۲۲۴۶ مباحثی در علوم جنایی

بنابراین با توجه به معیار فعالیت شغلی می‌توانیم بگوییم که آن دسته از مجرمینی که فعالیت شغلی و حرفه‌ای‌شان ذاتاً مجرمانه است از شمول این تعریف خارج هستند. جوهره فعالیت باید قانونی باشد در غیر اینصورت دیگر فرد محترم تلقی نمی‌شود.

این معیارها که در عصر ساترلند یک نوآوری و انقلاب محسوب می‌شدند امروزه به چند دلیل عاری از ایراد نیستند. نخست آنکه گردش سرمایه نسبت به ۶۰ سال پیش دموکراتیزه شده و بین اشخاص و طبقات مختلف به طور نسبی توزیع شده است و در انحصار عده‌ای محدود نیست. به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد سبب شده که بخشی از پول از طبقه بالا به طبقه متوسط منتقل شود. اگر چه مدیریت سرمایه‌ها در دهه چهل میلادی بدست سرمایه‌دارها صورت می‌پذیرفت و مسوولیت هدایت فعالیتهای حرفه‌ای مستقیماً برعهده ایشان بود، لیکن امروزه سرمایه‌داران عده‌ای کارگزار و مدیر را در اختیار خود دارند که به عنوان مدیر عامل و با نام او دست به فعالیت اقتصادی می‌زنند. امروزه با نسل جدیدی از اشخاص به نام تکنوکرات‌ها و فن سالاران و مدیران مالی و اقتصادی روبرو هستیم که طبق معیارهای ساترلند، بزهداران اقتصادی تلقی نمی‌شوند زیرا متعلق به طبقه بالای جامعه نیستند اما اگر آن معیارها را کنار بگذاریم و از معیارهای جدید استفاده کنیم، می‌توانیم بگوییم این مدیر مرتکب جرم یقه سفیدی شده است

دوم اینکه، بزه دیده در جرم یقه سفیدی واقعی نیست، اعتباری است و با گروهی از بزه‌دیدگان نامعین یا اقتصاد، جامعه، سلامت و امنیت اجتماعی بعنوان بزه‌دیده مواجهیم.

سوم آنکه، این که تأکید فراوان ساترلند بر یک چارچوب فرد گرایانه (عوامل اجتماعی - روان‌شناسی) و غفلت وی از عوامل مربوط به ساختار اجتماعی مثل

¹ - Occupational crime.

جرم‌شناسی ۲۲۴۷

نظام‌های سرمایه‌داری، نرخ‌های بهره و ... موجب یک بعدی شدن نظریه وی شده و تعریف وی از جرائم اقتصادی جامع و مانع نیست.

چهارم اینکه، تعریف وی مرز مشخصی بوجود نیاورد و ابهام در مصداق و مفهوم را باقی گذاشت. پس اگر یک مدیر محترم، مرتکب قتل یا آزار و اذیت جنسی کارمندان خود شود، یقه سفید تلقی نمی‌شود. چون جرم ارتكابی با فعالیت اقتصادی او مرتبط نیست و صرفاً جرائمی نظیر دست کاری در حساب شرکت، سوء استفاده از صادرات و واردات، تبلیغات غیر واقع و آگهی‌های غیر واقع را می‌توان جرم اقتصادی تلقی کرد.

به طور کلی گفته شده است که جرائم یقه سفیدی به رغم تشتتی که در تعاریف دیده می‌شود ارکانی دارد که عبارتند از:

- ۱- جرمی است که در بستر اقتصادی و مالی اتفاق می‌افتد؛
- ۲- انگیزه مرتکبان آن کسب پول و کسب قدرت (به منظور کسب پول بیشتر) و کسب موقعیت اجتماعی است؛
- ۳- این جرایم مستلزم داشتن یک تخصص هستند. مثلاً در جرایم علیه سازمان بورس اوراق بهادار یا جرایم قابل ارتكاب در حوزه تجارت الکترونیکی، مرتکب باید با ریزه کاری‌های فنی و تخصصی بورس یا تجارت الکترونیکی آشنا باشد به یک نوع دانش تخصصی^۱ نیاز دارد؛

۴- این جرایم نوعاً دارای بزه دیدگان غیر واقعی هستند و چنانچه بزه دیده واقعی داشته باشند این بزه دیدگان یا کل مردم هستند (مثل جرایم علیه حقوق مصرف کننده) یا ممکن است خود فعالان و کنشگران دنیای اقتصاد و تجارت و بازرگانی یا

۲۲۴۸ مباحثی در علوم جنایی

خود کارگران یا شرکت‌های رقیب بزه‌دیده تلقی می‌شوند. جرایم مرتبط با اسرار و علائم تجاری عمدتاً چنین ویژگی‌ای دارند؛

۵- سطح رویت پذیری و بالتبع گزارش دهی راجع این جرایم اندک است لذا رقم سیاه این جرایم بالا است؛

۶- وسیله ارتكاب جرم غیر مادی و غیر ملموس است. یعنی در ارتكاب آنها از زور، خشونت و قوه قهریه استفاده نمی‌شود بلکه بر عکس ممکن است مرتکب با احترام و لبخند، بزه دیده خود را به دام اندازد، یا از طریق سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به اسرار و علائم تجاری فرد یا سوءاستفاده از اطلاعات شخصی افراد که جنبه ملموس و مادی ندارند مرتکب جرم شود؛^۱

۷- این جرایم موجب واکنش اجتماعی شدید جامعه نبوده و موج ایجاد نمی‌کنند؛

۸- جرایم یقه سفیدها ناشی از سوء استفاده از اعتماد است که در دنیای اقتصاد و در محیط‌های اقتصادی اصل محوری تلقی می‌شود. در شرکت‌های بازرگانی اعتماد حرف اول را می‌زند لذا ارتكاب جرم یقه سفیدی مستلزم سوء استفاده از اعتماد و فریب دادن طرف مقابل است. همچون کلاهبرداری در بستر معاملات الکترونیکی یا جعل امضای الکترونیکی اشخاص در جریان انجام معامله تجاری الکترونیکی که به نوعی با سوءاستفاده از اعتماد افراد همراه است.^۲

بدین ترتیب در این ارکان ۸ گانه می‌بینیم که تکیه گاه ما از مرتکب تا اندازه‌ای به واکنش کیفی و بزه دیدگان تغییر جهت داده است. لذا در دسته‌بندی جدیدتری دو معیار به منظور تفکیک جرایم یقه سفیدها و بزهکاری اقتصادی از بقیه جرایم معرفی شده است که عبارتند از:

الف) معیارهای جرم شناختی مستقیم و غیرمستقیم (مربوط به عمل مجرمانه)؛

^۱ همان منبع

^۲ همان منبع

^۱ - Savoir faire.

ب) معیارهای حقوقی (مربوط به بزهکاران اقتصادی) که در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار سوم - سازمان یافتگی جرائم اقتصادی

اصطلاح جرایم سازمان‌یافته، برای اولین بار در کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی در سال ۲۰۰۰، مطرح و تعریف شده است. قرائت سازمان ملل متحد از سازمان یافتگی و جرم سازمان یافته یک قرائت اقتصادی و مالی است. به عبارت دیگر جرایم سازمان‌یافته جرایمی هستند که اهداف مالی و اقتصادی را دنبال می‌کنند. از این منظر تروریسم جرم سازمان یافته تلقی نمی‌شود. ممکن است یک گروهی تروریست یا مبارز برای ادامه فعالیت‌های خود نیاز به پول داشته و برای تأمین هزینه‌های خود دست به سرقت از بانک بزند ولی در نهایت آن عمل تروریستی و مبارزاتی‌اش جرم سازمان یافته نیست.^۱ در بند الف ماده ۲ کنوانسیون پالرمو، آمده است: «گروه سازمان یافته یک گروه ساختارمند متشکل از سه نفر یا بیشتر است که طی مدتی از زمان، با یکدیگر همکاری و با مشورت و تبادل نظر با هم مرتکب جرایم پیش‌بینی شده در این کنوانسیون یا جرایم مهم^۲ و شدید دیگری گردند. این جرایم باید بطور مستقیم یا غیر مستقیم با منافع مالی یا مادی مرتبط باشد. پس اگر هدف، فقط مبارزه سیاسی علیه حکومت باشد جرم سازمان یافته تلقی نمی‌شود. همچنانکه از تعریف پیداست، جرایم سازمان یافته باید واجد پنج خصوصیت فوق باشند.

^۱ - مثلاً در افغانستان قبل از استقرار دولت جدید، گفته می‌شد طالبان برای تأمین منابع مالی خود به کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر امید بسته بودند. در واقع آنها خودشان تولید کننده و قاچاقچی نبودند بلکه فقط پورسانت می‌گرفتند. این جرم به هیچ وجه سازمان یافته نبود لیکن نوعی مشارکت جنایی تلقی می‌شد.

^۲ - Les Délits graves.

جرایم احصا شده در این کنوانسیون عبارتند از:

الف) مشارکت در یک گروه سازمان یافته مجرمانه (ماده ۵)؛ صرف عضویت یا شرکت در چنین گروهی یک جرم سازمان یافته تلقی می‌شود.

ب) تطهیر یا پاک سازی یا پاک نمایی درآمدهای ناشی از جرم^۱ (ماده ۶)؛

ج) ارتشاء^۲ (ماده ۸)؛

د) جرایم مرتبط با فرآیند دادرسی این گونه جرایم (ماده ۲۳)؛ این جرم که در واقع شامل عدم شهادت، تهدید شاهد به عدم شهادت، تهدید شاکی به عدم اقامه دعوا، محو و اخفاء دلایل کیفری و قانونی، فراری دادن متهم و شهود و ... می‌باشد، از این جهت جرم سازمان یافته تلقی شده‌اند که مرتکبین آنها به لحاظ نفوذ و قدرتی که دارند به راحتی می‌توانند قاضی، اعضای دادگاه یا وکیل را تهدید و به این ترتیب در فرآیند دادرسی ایجاد اختلال کنند. حتی در حقوق جزای بین‌الملل می‌بینیم که در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری موقت و نیز در اساسنامه دیوان کیفری دایمی بین‌المللی (رم - ۱۹۹۸)، برای این که دادرسی کیفری جنایتکاران جنگی و محاکمه مرتکبان جنایات علیه بشریت در فضایی آرام جریان پیدا کند و اعضای دادگاه و شهود از ترس عقبه‌های متهمین این پرونده‌ها از همکاری خود با دادگاه اجتناب نورزند، یک سری امتیازات برای آنها در نظر گرفته شده است مثل: تغییر تابعیت، تغییر هویت، انجام عمل جراحی و تغییر قیافه و شکل شهود یا قاضی، مهاجرت دادن قاضی یا شهود، انجام محاکمه از طریق ویدئو، انجام نامتقارن محاکمه و استماع

^۱ - Money laundering

^۲ - Corruption.

جرم‌شناسی ۲۲۵۱

اظهارات شهود، امکان عدم افشاء هویت شاهد و قاضی^۱ و ... که همگی به منظور عادی شدن روند دادرسی پیش‌بینی است.

بنابراین جرم موضوع ماده ۲۳ کنوانسیون، یک جرم سازمان یافته به معنای حقیقی کلمه تلقی نمی‌شود بلکه یک جرم در حکم سازمان یافته است. این گونه جرایم را برخی اساتید حقوق جزا، جرایم علیه عدالت قضایی^۲ دانسته‌اند.^۳

بند ب ماده ۲ کنوانسیون به جرایم مهم یا جرایم شدیدی که می‌توانند جرم سازمان یافته تلقی شوند اختصاص دارد. این کنوانسیون، مصادیق جرایم مهم را احصاء نکرده ولی معیاری به دست داده است که بر اساس آن قانون‌گذاران می‌توانند با لحاظ مفاد بند الف ماده ۲ کنوانسیون، برخی جرایم را در نظام داخلی خود سازمان یافته تلقی کنند. به موجب بند ب این ماده، جرایم مهم به جرایمی گفته می‌شود که حداقل مجازات آن چهار سال حبس باشد. یعنی معیاری که برای جرم سازمان یافته مهم به دست داده است میزان مجازات حبس است.

در بند ج این ماده، گروه ساختارمند^۴ یا تشکل دارای ساختار به گروهی اطلاق شده است که به طور اتفاقی و برای ارتکاب یک جرم تشکیل نشده باشد و در آن نقش‌ها و وظایف بین اعضا تقسیم شده باشد و هر کس کاری را انجام دهد. در این گروه عضویت اعضا، مستمر و توسعه گروه جزء اهداف آن است. همان طور که یک شرکت اقتصادی ممکن است شعبات مختلفی داشته باشد، یک گروه ساختارمند هم ممکن است توسعه یابد. به عبارت دیگر، در چنین گروههایی فرد موضوعیت ندارد

۲۲۵۲ مباحثی در علوم جنایی

بلکه عضویت او موضوعیت پیدا می‌کند. در این گروه نظام سلسله مراتبی و یک مدیریت هرمی وجود دارد. بنابراین یک اساسنامه و مرامنامه نانوشته و ضمنی نیز وجود دارد. لذا گروه ساختارمند با نوعی استمرار همراه بوده و یک مرام نانوشته بر آن حکومت می‌کند. در این گروه یک نظم داخلی و نوعی انحراف از نظم عمومی - که از منظر اعضای آن عین نظم است - وجود دارد.

در این گونه جرایم یک جرم سابق و یک جرم لاحق وجود دارد. یعنی جرمی که گروه، امروز انجام داده (مثل تطهیر) مسبوق به جرم دیگری است که قبلاً انجام داده است (مثل ارتشاء یا قاچاق مواد مخدر) و همین طور موکول به جرم بعدی است که در آینده‌ای نزدیک انجام خواهد شد (یعنی فساد اقتصادی و اخلال در نظام اقتصادی و عدم پرداخت مالیات و ارایه اظهار نامه‌های تقلبی و مالیاتی). بنابراین سازمان یافتگی ضمن این که ناظر به شیوه ارتکاب جرم است ناظر به جرایم دیگر هم هست. نتیجه این که، جرایم یقه سفیدها که در قالب بزهداری سازمان یافته قرار می‌گیرد هم از نظر شیوه ارتکاب جرم و هم از لحاظ نوع جرایم ارتكابی، منطبق با جرایم احصاء شده در ماده ۲ کنوانسیون پالرمو مصوب ۲۰۰۰ هستند.

با این مقدمه، می‌توانیم درباره این که جرم یقه سفیدی با مبانی مکتب جبریت جرم (مکتب ایتالیایی - اثباتی) سازگار نیست و نیز تفاوت‌های میان جرایم یقه‌سفیدی و یقه آبی‌ها توضیحات مختصری ارائه دهیم.

^۱ - برای مطالعه تفصیلی در این زمینه رک: حبیب‌زاده، دکتر توکل و همکاران، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۳۴، بهار - تابستان ۱۳۸۵، صص ۵۶-۳۳.

^۲ - Offences against the administration of justice.

^۳ - کوشا، دکتر جعفر، «جرایم علیه عدالت قضایی»، چاپ اول، ۱۳۸۱، نشر میزان

^۴ - Le Groupe Structuré.

مبحث دوم - بزهکاری یقه سفیدی و حقوق کیفری اقتصادی

جرم‌شناسی، علمی است که حدود سال ۱۸۸۰ در ایتالیا متولد شد. موضوع آن عبارت بود از مطالعه افراد متعلق به طبقه پایین جامعه یعنی افراد یقه‌آبی و دون‌پایه که از نظر اجتماعی دچار مشکل بودند. بنیانگذاران مکتب تحقیقی از پایه‌گذاران اولیه این علم تلقی می‌شوند. این گروه طرفدار جبریت کیفری در تحلیل وقایع مجرمانه بودند. به نظر ایشان سه نوع جبریت در جرم وجود داشت:

- ۱- جبریت زیستی (زیست‌شناختی): افراد مجرم به لحاظ خصایص ژنتیکی و ارثی مرتکب جرم می‌شوند و این سرنوشتی است که از والدین‌شان به آنها منتقل شده است.
- ۲- جبریت اجتماعی، یعنی افراد مجرم، لاجرم از طبقات پایین و دارای مشکلات اقتصادی هستند. چون این افراد قدرت فعالیت و کار ندارند و از بهره‌هوشی برخوردار نیستند و جامعه آنها را جذب نمی‌کند و برای ورود به جامعه مشکل دارند.
- ۳- جبریت روانی: مجرمین مختل‌المشاعر، مجرمینی که از نظر مکتب تحقیقی، اقدامات تأمینی باید در موردشان صورت بگیرد و باید از اقدامات دفاع اجتماعی برخوردار شوند.

بزهکاران در مکتب تحقیقی به ۵ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- بزهکار احساسی - هیجانی
- ۲- بزهکار مختل‌المشاعر
- ۳- بزهکار به عادت
- ۴- بزهکار اتفاقی
- ۵- بزهکار مادرزاد

انریکو فری، که از پایه‌گذاران این مکتب تلقی می‌شود، در فرضیه خود مجرمین مرفه را که از طبقات بالای جامعه محسوب می‌شوند، مدنظر نداشته است. از اینرو

۲۲۵۴ مباحثی در علوم جنایی

این ایراد به مکتب تحقیقی وارد است که تنها به بخشی از بزهکاری پرداخته است. ۵۰ سال بعد در آمریکا ساترلند بزهکاری را در طبقه توانمند مورد توجه قرار داد. به همین دلیل است که عده‌ای مطالعه بزهکاری اقتصادی را جرم‌شناسی معکوس می‌دانند زیرا درست آنچه را که در فرضیه‌های جرم‌شناسی سنتی جایگاهی نداشت، مورد توجه قرار داده است.

جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی که ساترلند معرف آن است، گروهی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که نقطه مقابل دسته‌بندی‌های مکتب تحقیقی هستند. نتایج مطالعات لمبروزو^۱ و فری قابل تسری به همه مجرمین نیست، چون برخی از مجرمین به اقتضای شخصیت و موقعیت خود، توانسته‌اند، از چنگال قانون فرار کنند. از اینرو تحقیقات در جرم‌شناسی مکتب تحقیقی، نسبی است.

ملاحظه می‌شود که جرم‌شناسی سنتی (کلاسیک) در بستر اعتقاد به جبر اندیشی بوجود آمد و بزهکاری یقه سفیدها (جرم‌شناسی جدید در مورد یقه سفیدها) متعرض طبقه‌ای شده است که خود متولی جامعه بوده و نسبت به آنها هرگز سوء ظنی وجود نداشته است.

اگر چه بین جرایم یقه سفیدی و یقه آبی، وجوه اشتراکی وجود دارد، از جمله این که هر دو طبق قانون وصف مجرمانه گرفته‌اند، لیکن هدف از جرایم یقه‌سفیدی و اقتصادی^۲، عمدتاً کسب سود و مادیات یا خدمات و امتیازات مالی است. حال آنکه

^۱ - لمبروزو از نظریه داروین در خصوص تکامل، تبعیت می‌کرد. بعقیده وی انسان ریشه در حیوان دارد و حیوان ناطق است. انسان‌هایی که دوران تکامل آنها از حیوان به انسان، متوقف همچنان به منشأ حیوانی خود نزدیکند و چون ژن مجرمیت دارند، در زاد و ولد خود، فرزندان مجرم به دنیا می‌آورند و بهتر است از جامعه طرد شوند. از اینرو چنین افرادی را مقطوع‌النسل می‌کردند، چون می‌پنداشتند که این افراد، در صورت ازدواج، فرزندان مجرم به دنیا می‌آورند و هدف، مبارزه با حالت خطرناک بود.

^۲ - نیکاکولوز در سال ۱۹۹۹، ۶ رکن برای جرم اقتصادی قائل شده است:

جرم‌شناسی ۲۲۵۵

هدف از جرایم عمومی، عمدتاً دستیابی به لذت روحی، جنسی و ... بوده و مرتکب در بعضی موارد در پی کسب منفعت است. میان این جرایم تفاوت‌های فراوانی وجود دارد که از جمله عبارتند از:

۱- در جرایم عمومی، نیازی به تخصص و تکنیک وجود ندارد، بر خلاف جرایم اقتصادی که در سایه تخصص مرتکب انجام می‌پذیرد. کلاهبرداری رایانه‌ای و پولشویی الکترونیکی یا سوءاستفاده از علامت تجاری اشخاص در قالب نام دامنه یا سوءاستفاده از اسرار تجاری یا داده‌پیام‌های شخصی افراد در جریان معاملات الکترونیکی جرایمی هستند که در سایه تخصص مرتکبین و استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات قابل تحقق می‌باشند. از اینرو، در گزارش یازدهمین کنگره پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵، افزایش جرایم اقتصادی و مالی، ناشی از پدیده جهانی شدن و پیشرفتهای فناوری

۱- جرم اقتصادی در بستر و متن حیات اقتصادی رخ می‌دهد.

۲- این جرم بدون توسل به زور و قدرت، با بهره‌گیری از روشهای متقلبانه و سوءاستفاده از فناوری‌های نوین صورت می‌پذیرد.

۳- در ارتکاب این جرم از شناخت، تجربه، صلاحیت و اطلاعات خاصی استفاده می‌شود، از اینرو هر کسی نمی‌تواند مرتکب این جرم شود.

۴- هدف نهایی جرم اقتصادی، کسب ثروت، و منفعت و سود و یا کسب موقعیت ممتاز است.

۵- جرم اقتصادی بر سوء استفاده از اعتماد مبتنی است، زیرا امنیت و اعتماد متقابل رکن اصلی فعالیت اقتصادی است که با ارتکاب این جرم مخدوش می‌شود.

۶- جرم اقتصادی، خسارات فراوانی را به وجود می‌آورد که آثار آن مدت‌ها بعد، لمس می‌شود.

ایرادی که بر این نظریه وارد است این که بسیاری از خسارات زیست محیطی و بهداشتی ناشی از جرایم اقتصادی منتج به آلودگی‌های زیست محیطی و نظایر آن را که سلامت اجتماع و محیط زیست بشری را به مخاطره می‌اندازد، تحت پوشش قرار نمی‌دهد. بعلاوه مرتکبین جرایم اقتصادی، همواره متخصص نیستند و تنها هنر و تخصص آنها، انتخاب بزه‌دیدگان خاصی است که براحتی قابل سوءاستفاده‌اند.

۲۲۵۶ مباحثی در علوم جنایی

اطلاعات دانسته شده که نه تنها بر اوضاع اقتصادی تأثیر منفی گذاشته و منجر به بی‌اعتمادی در دنیای تجارت می‌شوند، بلکه آثار منفی درازمدتی بر دموکراسی و حکمرانی مطلوب خواهند گذاشت. این جرایم موجب اختلال در نظام توزیع درآمد، خارج شدن فعالیت‌های اقتصادی از چرخه نظام مالی رسمی و شکل‌گیری پرداخت‌های خارج از سیستم اقتصادی شده و این کشورها را به مهد جرایم مالی و اقتصادی بویژه کلاهبرداری تبدیل می‌کنند.^۱ ضرورت توجه به این مهم باعث شده است که بندهای ۱۷۳ تا ۱۸۹ و ۳۰۰ تا ۳۲۲ این گزارش به جرایم اقتصادی و مالی اختصاص یابند.

در جرایم یقه سفیدی فعالیت‌های حرفه‌ای فرد، بستر ارتکاب جرم تلقی می‌شود و در واقع موقعیت اجتماعی و شغلی فرد مهم است. در حالی که در جرایم عمومی، موقعیت شغلی موضوعیت ندارد و جرم ممکن است توسط یک فرد بیکار، رخ دهد.

۲- جرایم اقتصادی با موقعیت شغلی ارتباط تنگاتنگ دارند و در اماکن خصوصی جریان پیدا می‌کنند. لذا نامرئی هستند و بدون این که ضابطین و اذهان عمومی را تحریک نمایند، مخفی نگاه داشته می‌شوند. لذا در مواردی که کارمندی اسرار شغلی^۲ خود را که واجد ارزش اقتصادی هستند، می‌فروشد^۳، مرتکب جرم اقتصادی شده است، اگرچه به طبقه مرفه جامعه تعلق ندارد. حال آنکه طبق تعریف ساترلند بزهکاری که حسب موقعیت شغلی رخ می‌دهد، الزاماً جنبه اقتصادی و مالی دارد و این جرم در محدوده تعریف ساترلند قرار نمی‌گیرد.

¹ Report of the Eleventh United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, 18-25 April 2005, Recital 178

² - Insider dealing

³ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

جرم‌شناسی ۲۲۵۷

این جرایم، عمدتاً آپارتمانی هستند^۱، ولی جرایم عمومی چون ماهیت شغلی ندارند، معمولاً خیابانی هستند. جرایم اقتصادی با سوء استفاده از اعتبار و اعتمادی که شغل آنها ایجاد کرده ملازمه دارند و به همین علت است که بزهکاران یقه سفید را بزهکاران اعتماد شده^۲ می‌نامند، زیرا ظاهر شغلی‌شان به آنها نقاب زده و اعتماد افراد را جلب می‌نمایند.

۳- بزهکاران یقه سفیدی با اشراف به اطلاعات، به عنوان یک کارشناس مرتکب جرم می‌شوند و چون آشنایی و آگاهی بیشتری دارند، بهتر می‌توانند جرم‌شان را مخفی نمایند و این به جرم، نوعی پیچیدگی می‌بخشد که حل آن برای پلیس بسیار دشوار است.^۳ و برای همین است که ضابطین این جرایم خاصند و ما ناچاریم که برای این گونه بزهکاران، ضابطین دوره دیده و آموزش دیده و مجرب در نظر بگیریم.

۴- مرتکبین این جرایم، زنجیره انسانی از بزهکاران متخصص و سازمان‌یافته را تشکیل می‌دهند و مسئولیت کیفری میان آنها توزیع می‌شود.

^۱ - جرایم زنان نیز عمدتاً آپارتمانی است و در محیط بسته رخ می‌دهد. از اینرو بخشی از این بزهکاری در آمار منعکس نشده و تصویر بزهکاری واقعی نیست. ضمن اینکه در بسیاری موارد با بزه‌دیده قدرت اعلام جرم ندارد، مثل کودک‌آزاری، یا با اکراه و به ندرت اعلام جرم می‌کند، مثل شوهر آزاری. البته رویخ جوانمردانه و توأم با عطف و تساهل ضابطین قضایی و نیز اطرافیان بزهکار را نیز باید به موارد فوق افزود.

^۲ - Abuse of trust.

^۳ - این جرایم اولاً پیچیده و گسترده هستند، ثانیاً در طی زمان و بصورت مستمر رخ می‌دهند، به این معنی که آتی نبوده و نیازمند زمان هستند. بعنوان نمونه می‌توان به ارسال داده‌پیام‌های تجاری ناخواسته یا هرزنامه که به افراد متعدد و در طول زمان صورت می‌پذیرد یا فریب‌کنندگان از طریق مخفی نمودن هویت یا اقامتگاه تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی یا تبلیغات تجاری فریبکارانه در خصوص ماهیت کالا و خدمات اشاره کرد. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

۲۲۵۸ مباحثی در علوم جنایی

۵- جرایم عمومی، بزه دیدگان شخصی دارند و جامعه آثار جرم را به وضوح احساس می‌کند و آگاهانه، تصمیم به تعقیب مجرم می‌گیرد. در واقع بزه دیدگی ناشی از جرایم یقه آبی احساس می‌شود. ولی در جرم یقه سفیدی، بزه دیده واقعی وجود ندارد. مفهوم بزه‌دیدگی در این جرایم غیرملموس و اعتباری است. اقتصاد عمومی، بهداشت و اعتماد عمومی بزه دیده واقعی این جرایم تلقی می‌شوند.

۶- آثار این جرایم آنی نیست و در طول زمان جلوه گر می‌شود. مثلاً در خصوص جرایم نقض حقوق مصرف‌کنندگان و جرایمی نظیر کم فروشی، تقلب و فریب مصرف‌کننده در کیفیت کالا و خدمات، تبلیغات خلاف واقع، بزه‌دیده آنی وجود ندارد و مصرف‌کننده و متعاقباً اقتصاد کشور در طول زمان از بزه‌دیدگی خود آگاه می‌شوند. آثار این جرایم، هنگامی که بزه دیده واقعی ندارد، دیده نمی‌شود. بعلاوه این آثار ممکن است ارتباط مستقیمی به جرم ارتكابی نداشته باشد. مثلاً کشور ثروتمندی که دچار فساد اقتصادی و اداری است، دچار بحران می‌شود و فقر، سوء تغذیه عمومی و فساد و فحشاء و قتل و تجاوز و حتی جرایم علیه محیط زیست و بهداشت مواد غذایی، دارویی رواج می‌یابد.

در چنین مواردی نمی‌توانیم به روش علمی ثابت کنیم که این نتایج در اثر ارتكاب فساد مالی، ارتشاء، رانت‌خواری و نظایر آن بوجود آمده و تالی فاسد آن تلقی می‌شود، و یا لاقلاً بخشی از این آثار با فساد مالی رده‌های بالا و تصمیم‌گیرنده مرتبط بوده است.

نمونه عملی آن در کشور ایران، خرید خون آلوده از کشور فرانسه بود که پس از مدت‌ها مکشوف شد و بزه‌دیدگان گروهی داشت، که در اثر تصمیمات غیرمسئولانه در رده‌های بالای جامعه، آسیب دیدند، ولی از آنجا که آثار تأخیری داشت، امکان برقراری رابطه علیت میان مرگ و میرها و خرید خونهای آلوده، دشوار بود. اگر چه

بالاخره منجر به صدور حکم پرداخت خسارت به بزه‌دیدگان گردید. به علاوه، مسئولیت بزه‌کار مشخص نیست. چون بین افراد توزیع می‌شود و نمی‌دانیم چه کسی را مسئول بدانیم.

یا خرید داروها و نخهای جراحی تاریخ مصرف گذشته که یک جرم اقتصادی و مربوط به حقوق مصرف‌کننده و بهداشت است.

۷- نرخ بزه‌کاری جرایم اقتصادی، به استناد آمار، پایین‌تر از جرایم خیابانی است ولی به استناد این آمار نمی‌توانیم بگوییم که میزان ارتکاب این جرایم، از جرایم عمومی و خیابانی کمتر است، چرا که در عوض رقم سیاه جرایم یقه سفیدی، بسیار زیاد است و آمار قابل اعتماد نیستند.

۸- جرم یقه سفیدی شاکی مشخصی ندارد و افکار عمومی علیه آن بسیج نشده، زیرا بسیاری از افراد، ارتکاب چنین جرائمی را ناشی از زرنگی و هوشیاری میدانند و آنرا تقبیح نمی‌کنند. نفوذ و ورود به سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و سوءاستفاده‌های اقتصادی و مالی ناشی از تحصیل غیرمجاز اطلاعات یا عبور غیرمجاز از تدابیر پیشگیرانه‌ای که دسترسی به نرم‌افزارها و سیستم‌های رایانه‌ای را محدود می‌کند، و متعاقباً سوءاستفاده از نرم‌افزارها و سیستم‌ها به منظور ارتکاب کلاهبرداری یا نقض حقوق مالکیت فکری جرائمی هستند که به توانایی هوشی و عملی مرتکب ارتباط دارند و افکار عمومی ارتکاب آنرا ناشی از مهارت و هوشمندی مرتکب می‌داند و چندان تقبیح نمی‌کند.^۱ ذهنیت قضایی نیز نسبت به این جرایم منفی نیست و این پیش‌داوری قضایی، سبب می‌شود که در مورد مرتکبین چنین جرایمی احکام خفیف‌تری صادر شود و سیاست قضایی و پلیسی متفاوتی نسبت به آنها اعمال شود.^۲

گفتار اول - ضرورت مطالعه بزه‌کاری اقتصادی و یقه سفیدی

مطالعه بزه‌کاری اقتصادی و جرایم یقه سفیدان به جهات ذیل حائز اهمیت است:

الف - آگاهی از قوانین متفرقه حوزه جرایم اقتصادی؛

جرایم علیه اموال عمومی و دولتی نظیر ارتشاء، اختلاس و ... نیز اموال خصوصی، همچون کلاهبرداری، ورشکستگی، چک پرداخت نشدنی، سرقت و نظایر آنرا در دوره کارشناسی مطالعه می‌شود. لیکن بسیاری از جرایم تروریستی و مخمل نظم عمومی نظیر اخلال در نظام اقتصادی و محاربه و افساد فی الارض را اگر چه در زمره جرایم اقتصادی شدید قرار دارند، مطالعه نمی‌شود. عبارت دیگر در حقوق کیفری اقتصادی، جرایم اقتصادی و مالی وجود دارند که در حقوق جزای اختصاصی کمتر به آنها پرداخته می‌شود. جرایمی مثل جرایم بورس، جرایم گمرکی، جرایم مربوط به حمل و نقل، جرایم هرمی، جرایم مربوط به قاچاق انسان و جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم مربوط به چک و کارتهای اعتباری، تبلیغات خلاف واقع، جرایم رایانه‌ای نقض حقوق مصرف‌کنندگان، جرایم مربوط به رقابت و جرایم قابل ارتکاب در حوزه تجارت الکترونیکی و نیز پولشویی الکترونیکی، از این قبیل هستند. این جرایم با نظم اقتصادی و نظم مالی جامعه در ارتباط هستند و هسته اصلی جرایم حقوق کیفری اقتصادی را تشکیل می‌دهند. اما در دانشکده‌های حقوق کمتر به آنها توجه می‌شود لذا در کتاب‌های حقوق جزای اختصاصی مطالب بسیار کمی راجع به این مباحث می‌توان یافت حال آن که جرایم مهمی هستند. مشکلات و گرفتاری‌های جامعه کنونی ما همین جرایم است. جرایم مربوط به بورس (رانت خواری) که اجازه می‌دهد یک نفر ناگهان به اطلاعات پنهان دست یافته و با فروش آنها میلیاردها تومان نصیبش شود، در زمره جرایم مهم قابل طبقه‌بندی است.

قانون‌گذار بعد از انقلاب ده‌ها قانون را تصویب کرده است که لازم است مورد

بررسی قرار گیرد. از جمله آنها می‌توان به جرایم تعزیرات حکومتی اشاره کرد. این

^۱ - ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

^۲ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: Croall, H., 2001, "Understanding White Collar Crime", Open

جرم‌شناسی ۲۲۶۱

جرایم عبارتند از: کم فروشی، عدم ارایه کالا، گران فروشی، قاچاق ارز، قاچاق کالا و دستگاه قضایی و دادگاه‌ها به جرایم متعارف و مأنوس رسیدگی می‌کنند اما میلیون‌ها پرونده دیگر در چارچوب جرایم اقتصادی مفتوح است که فرآیند دادرسی در آنها شبه قضایی است و قوه قضاییه هیچ اشرافی بر آنها ندارد.

بنابراین اولین دلیل طرح این بحث، شناخت بیشتر جرایم اقتصادی و آگاهی از قوانین ویژه آنها است.

ب - اولویت سیاست جنایی ایران؛

بنظر می‌رسد که اولویت قوه مجریه و نظام قضایی و عبارتی کل نظام اسلامی، مبارزه با جرایم اقتصادی است. ستاد سران سه قوه برای مبارزه با مفاسد اقتصادی تدارک دیده شده است. به عبارت دیگر دامنه این جرایم تا آنجا است که شخص رهبر و رئیس جمهور و رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه گروهی را تشکیل داده‌اند که به نوعی بر مبارزه با این جرایم نظارت می‌کنند این امر اهمیت مبارزه با این جرایم را گوشزد می‌کند.

ج - تحولات اقتصادی و سیاسی کشور و به موازات آن نیاز به قوانین جدید و روز آمد کردن حقوق کیفری ایران

کشور ما در سال‌های اخیر درهای اقتصادی خود را بیش و کم بر روی دنیا باز کرده است. شرکت‌های چندی در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. دولت ایران در خارج از کشور در زمینه‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده است. به عبارت دیگر ایران در محدوده روابط اقتصادی دنیا قرار دارد. این باز کردن درهای اقتصادی کشور و شدت گرفتن صادرات و واردات و ... سبب شد که قانون‌گذار به ناچار و برای جذب سرمایه‌های خارجی و پر کردن خلاءها دست به قانون‌گذاری بزند. مثل قانونی که در سال‌های اخیر مجلس تصویب و به قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور الحاق کرد یعنی قانون مجازات فعالیت شرکت‌های هرمی (گلدکوئیست) یا قانون

۲۲۶۲ مباحثی در علوم جنایی

سازمان بورس و بازار اوراق بهادار (مصوب آذر ۱۳۸۴) یا قانون تجارت الکترونیکی (مصوب ۱۳۸۲)، علت تصویب این قوانین در سال‌های اخیر این است که ایران قصد عضویت در سازمان تجارت جهانی را دارد.

د- نیاز قضات و مسئولین امر به آگاهی از این قوانین برای اجرای بهتر عدالت

ضابطین قضایی، قضات، زندانبانان و عموم مردم آمادگی ذهنی، فنی و تخصصی خیلی کمی برای تعقیب و مجازات مجرمین اقتصادی و یقه سفیدها دارند. در بین ضابطین، به ندرت افسرانی یافت می‌شود که متخصص جرایم رایانه‌ای و جرایم تجارت الکترونیکی یا جرایم بورس، حمل و نقل و جرایم بانکی باشند. همچنین قضات به اعتبار آن که دانش آموخته حوزه و دانشگاه هستند و به اقتضای مواد درسی و عدم آشنایی با مفاهیم فوق‌الذکر بیشتر با جرایم سستی آشنایی داشته و آشنایی و تجربه بسیار اندکی در رسیدگی به جرایم مالی و اقتصادی جدید مثل جرم بورس اوراق بهادار، جرایم رایانه‌ای و تجارت الکترونیکی دارند. چندی قبل در چند ایالت سوئیس تحقیقی از قضات کیفری به عمل آمد مبنی بر این که بیشتر به چه قوانینی استناد می‌کنند؟ ممکن است تصور شود که به اقتضای پرونده مطروحه قوانین استنادی فرق می‌کنند اما نتیجه این تحقیق این بود که قضات سوئسی این ایالت بیشتر به قوانینی استناد می‌کردند و در قوانینی راه حل اتهام مطروحه را جستجو می‌کردند که در دوره دانشکده آموخته بودند. اگرچه بعد از دانش آموختگی آنها قوانین جدیدی به تصویب رسیده بود، آنها همچنان به قوانین زمان دانشجویی مراجعه می‌کردند. به این دلیل که اگر وارد این قوانین جدید شوند چه بسا در تعریف و تشخیص ارکان آن دچار مشکل شوند.

ه - آمار بالای ارتکاب جرایم اقتصادی

نگاهی به آمار جنایی نشانگر این است که نرخ سرقت، قتل و جرایم یقه آبی بسیار بیشتر از نرخ ارتشاء و اختلاس است. یعنی اگر، چوب خط یا معیار بزهکاری را در

جرم‌شناسی ۲۲۶۳

ایران آمار بگیریم می‌توانیم ادعا کنیم که در ایران نرخ ارتشاء و اختلاس پایین است اما واقعیت غیر از این است. اگر ماورای آمار جنایی را بررسی کنیم می‌بینیم که میزان جرایم اقتصادی و مالی دست کمی از جرایم عمومی ندارد. النهایه چون این جرایم نوعاً بزه دیده حقیقی ندارند بزه دیده آنها شخص حقوقی است و نوعاً هر دو مقصر هستند لذا این جرایم شاکی نداشته و موارد اعلام آن به دادگاه اندک است. اما این کم بودن در آمار، امر ظاهری است. به عبارت دیگر نرخ بزهکاری اقتصادی بسیار بالا است و دلایل آن عبارت است از؛ عدم وجود بزه دیده حقیقی، و اینکه هر دو طرف معادله کیفری مجرم هستند و سعی می‌کنند آن را مخفی کنند. ضمن اینکه امکان درک آثار این جرایم از جانب شخص ثالث وجود ندارد و در نتیجه اعلام نمی‌شود. در ضرب و جرح، قتل و ایجاد حریق عمدی و نظایر آن، رهگذران و همسایگان مورد را گزارش می‌دهند اما در جرم ارتشاء و اختلاس کسی آثار آن را نمی‌بیند مگر این که بازرس آگاه آن را کشف کند.

و- آثار مخرب و جهانی این جرایم

آثار مخرب جرایم اقتصادی جنبه فراملی دارد و در عین حال به راحتی قابل کشف نیست به این معنی که مثلاً ارتکاب جرم تطهیر ممکن است عده‌ای را پولدار کند اما در نظام ایران اختلال ایجاد می‌کند. چون این جرم نتیجه صادرات و واردات مشروب، مواد مخدر، صور قبیحه و نظایر آن است و این پول‌ها ناشی از جرم و کثیفند و بعلاوه بابت آنها مالیات داده نشده است. این جرایم در بستری ارتکاب یافته‌اند که مرتکبین آنها از سوبسیدهای مختلف آن کشور استفاده کرده‌اند لذا در جرم تطهیر چه قاچاقچیان و چه تطهیر کنندگان همگی از انواع تأمین‌ها و امتیازات بهره برده و اعمالی انجام داده‌اند که علیه سلامت، بهداشت و امنیت و اقتصاد جامعه بوده و مالیات و هزینه‌ای هم پراخت نکرده‌اند.

۲۲۶۴ مباحثی در علوم جنایی

ز- پیچیدگی این جرایم

این جرایم سازمان یافته هستند و نیاز به همکاری و مشارکت عده‌ای دارند و در این تردیدی نیست. امروزه صحبت از ارتشای بین‌المللی می‌شود. بحث جرم انگاری ارتشای بین‌المللی مطرح است. یعنی کارمندان خارجی که به هنگام خرید از یک کشور فروشنده مرتشی می‌شوند قابل تعقیب هستند. کارمندان سازمان‌های بین‌المللی مثل یونیسف و سازمان مهاجرین و پناهندگان و ... نیز چنانچه راشی یا مرتشی شوند در نظام حقوقی جدید قابل تعقیب می‌باشند. بدین ترتیب جرایم مالی و اقتصادی نوعاً جنبه سازمان یافته و فراملی دارند. به موازات این تحولات در اسناد بین‌المللی و در قوانین داخلی کشورها جرم ارتشای بین‌المللی در کنار ارتشای کارمندان داخلی پیش‌بینی شده است. به همین دلیل است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون، در سطح سازمان ملل متحد دو سند به تصویب رسیده که موضوع آن جرایم اقتصادی و مالی است و عناوین گویایی دارد. کنوانسیون اول، کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ (مبارزه با جرایم سازمان یافته) و کنوانسیون دوم، کنوانسیون مریدا ۲۰۰۳ (مبارزه با فساد اداری) است. بررسی این دو کنوانسیون نشان می‌دهد که در هر دو عناوین مجرمانه‌ای وجود دارند که کاملاً اقتصادی و مالی هستند. مثلاً ارتشاء، اختلاس، تطهیر درآمدهای نامشروع، اختفای اموال و درآمدهای ناشی از ارتشاء، حیف و میل اموال عمومی و ... از این نمونه می‌باشند.

کنوانسیون مریدا به دولت‌های عضو تکلیف کرده است که ارتشاء را در بخش خصوصی هم جرم انگاری کنند. کارمند شرکت خصوصی به اتهام ارتشاء یا اختلاس تحت تعقیب باشد. بنابراین کنوانسیون یاد شده القاگر این مفهوم است که امروزه اقتصاد دیگر صرفاً دولتی نیست و دولت‌ها در امر داد و ستد و اقتصاد تنها نظارت کلی دارند و شرکت‌های خصوصی هستند که دو سوم پول کشور را جابجا می‌کنند و بابت عملیات اقتصادی خود به دولت مالیات و عوارض می‌دهند.

بنابراین در کشورهایی که نبض اقتصاد آنها در دست بخش خصوصی است لازم است که این بخش نیز مانند دولت مشمول مقرراتی باشد که نقض آنها با ضمانت اجرا همراه شود، زیرا امروزه سلامت اقتصادی کشورها در گرو رفتار بخش خصوصی است. اهمیت این بحث به حدی است که سازمان ملل نیز برای مبارزه مؤثر و جهانی با پدیده فساد^۱، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های چندی را تصویب کرده و به دولت‌های عضو تکلیف و توصیه می‌کند. بدین ترتیب، مبارزه با جرایم اقتصادی به یک جنبش جهانی تبدیل شده است. از آنجا که این جرایم جنبه بین‌المللی دارند لذا یک سیاست حمایتی بین‌المللی را می‌طلبد. مثلاً جرم تطهیر با اقدامات پلیسی یک کشور قابل مهار نیست چون نفس جرم تطهیر به چندین کشور و چند نظام بانکی نیاز دارد. این جرم در یک کشور انجام نمی‌گیرد و تطهیر کنندگان و متخصصان پولشویی از خلاءهای قانونی، قضایی و پلیسی یک کشور یا چند کشور برای تطهیر و سرمایه‌گذاری پول‌های کثیف استفاده می‌کنند. در مبارزه با جرم تطهیر باید با جهانی کردن حقوق کیفری اقتصادی و هماهنگ کردن قانون و مقررات کشورها در این زمینه از شکل‌گیری و بوجود آمدن بهشت‌های کیفری جلوگیری کرد. بهشت‌های کیفری کشورهایی هستند که در برخی جرایم قانون ندارند یا مجازات آن را ناچیز یا مدت مرور زمان آن را کم قرار داده‌اند و همچنین قضات و ضابطین آن کشور قابل تطمیع هستند. بدیهی است، سیاست جهانی مبارزه با فساد نیاز به جهانی شدن روش‌ها و قوانین و مقررات دارد.

ح - مطالعه تحولات مبارزه با جرایم اقتصادی

در سال‌های اخیر جامعه مدنی^۱ برای مبارزه با جرایم اقتصادی تجهیز شده است، چه امر مبارزه با این جرایم از عهده دولت به تنهایی بر نمی‌آید. به عنوان مثال تعدادی سازمان‌های غیردولتی^۲ بین‌المللی تأسیس شده است که هدف و وظیفه خود را سالم سازی اقتصاد جهانی از طریق مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی و مالی تعیین کرده‌اند. اکنون دو مورد از این سازمانها را به طور مختصر معرفی می‌کنیم:

نخست: سازمان شفافیت بین‌المللی (TI):^۳ این سازمان در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده و مرکز آن در برلین آلمان است. مؤسسين این سازمان غیر دولتی مدیران سابق بانک جهانی هستند که در زمان مدیریت خود شاهد آثار مخرب فساد مالی و اقتصادی بوده‌اند و این سازمان را به ویژه برای مبارزه با فساد در کشورهای جهان سوم تأسیس کرده‌اند. چرا که زمامداران کشورها، با غارت سرمایه‌های عمومی و سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی موجبات فقر و بدبختی و بیماری و عسرت ملت خود را فراهم کرده‌اند. بنابراین TI متشکل از اشخاص حقیقی و حقوقی است که مایلند با آثار زیان بار فساد در سطح جهانی مبارزه و موارد آنرا افشاگری نمایند. این سازمان در کشورهای مختلف از جمله در بروکسل بلژیک شعبه دارد و یکی از

¹ - Société Civile.

² - Non-governmental organizations (NGO)

³ - Internationale Transparency/Transparency International

این سازمان براساس گزارشهای بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی میزان فساد در هر کشور را براساس شاخصهای فساد/Corruption Perception Index اندازه‌گیری و رتبه هر کشور را تعیین می‌کند. با مراجعه به پایگاه الکترونیکی این سازمان به نشانی <http://www.transparency.org> رتبه هر کشور قابل بررسی است. لازم به ذکر است که ایران در آخرین رتبه‌بندی این سازمان، رتبه ۱۰۵ را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است.

جرم‌شناسی ۲۲۶۷

وظایف مهم آن، حساس کردن افکار عمومی^۱ نسبت به این جرایم و تشویق آنها به افشای این جرایم است. این سازمان کشورها را بر اساس معیار «فساد» رتبه‌بندی می‌کند.

دوم: گروه ضربت اقدام مالی در خصوص تطهیر سرمایه‌ها:^۲ این نهاد یک سال پس از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۸ در خصوص مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر و مواد روان گردان تأسیس شد. در واقع رؤسای دولت‌های موسوم به گروه هفت (گروه کشورهای صنعتی دنیا) و روسیه تصمیم گرفتند این نهاد (GAFI) را ایجاد کنند. این گروه یک سال بعد از تأسیس، یعنی در فوریه ۱۹۹۰، چهار توصیه نامه در زمینه مبارزه با پولشویی به تصویب رساند.

آخرین بازبینی این چهار توصیه نامه در سال ۲۰۰۳ انجام گرفت. بنابراین سه بار این توصیه نامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفته‌اند و این نشان می‌دهد که جرم تطهیر اشکال مختلف به خود گرفته است. این گروه به بانکها توصیه کرده است که کلیه اسناد مشکوک را افشاء کنند. بی تردید توصیه GAFI تأثیر یک کنوانسیون را ندارد ولی به عنوان یک سازمان غیر دولتی جهانی، دولت‌ها را حساس و نیز تشویق می‌کند که در نظام‌های داخلی خود مبادرت به تأسیس سرویسهای اطلاعاتی نامحسوس نمایند تا همه نقل و انتقالات مالی را زیر نظر داشته و حساب‌های مشکوک را بررسی کنند. هدف GAFI در نهایت این است که با هماهنگی سیاست‌های کشورهای مختلف هیچگونه منفذ و خلایی برای نفوذ قاچاقچی‌ها و تطهیر کنندگان باقی نگذارد. به عبارت دیگر هدف غایی این است که بر تطهیر کنندگان پیروز شوند. امروزه میان دولت‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر جنگی خاموش و بی‌صدا در جریان است.

۲۲۶۸ مباحثی در علوم جنایی

نتیجه اینکه بواسطه ابعاد فراملی مفاسد و جرایم اقتصادی، جامعه مدنی نیز برای مبارزه بسیج شده است. در اسناد بین‌المللی مثل مریدا به کرات خطاب به دولت‌های عضو تأکید شده است که از ظرفیت جامعه مدنی و مردم برای مبارزه سرکوبگرانه و پیشگیرانه با جرایم اقتصادی و مالی بهره ببرند و به اقدامات دستگاه‌های قضایی و اطلاعاتی و پلیسی اکتفا نکنند.

ط. اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

دلیل دیگری که برای اهمیت مطالعه بزهکاری اقتصادی می‌توان مطرح کرد، بحث اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی شرکت های دولتی است. فرایند خصوصی سازی باعث گردش میلیاردها تومان و اسناد میشود. بی تردید این فرایند مصون از گزندهای مجرمانه و سوء استفاده نمی تواند باشد. بنابراین آگاهی از جنبه های جرم شناختی و جرم یابی جرایم اقتصادی و بزهکاران اقتصادی کمک خواهد کرد تا زمینه و بستر مناسب و سالمی برای این اصل فراهم گردد و راههای مختلف سوء استفاده و فساد ممکن در این فرایند از هم اکنون مطالعه و شناسایی شود تا بتوان اقدام های پیشگیرانه از آنها را اتخاذ و اعمال کرد».

گفتار دوم- از حقوق کیفری تجاری تا حقوق کیفری اقتصادی

الف- مفهوم حقوق کیفری اقتصادی

جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، مؤسسه یا شرکت رخ می‌دهد. به عنوان مثال، عدم ثبت شرکت در مراجع ذیربط، نداشتن دفتر حسابداری یا نامنظم بودن دفتر یا سوء استفاده از اموال شرکت، که حسب مورد ممکن است، تصرف غیر قانونی یا اختلاس باشد و یا در شرکت‌های خصوصی با احراز شرایط آن، خیانت در امانت تلقی شود.

¹ – Sensibilisation de l'opinion publique.

² – Le Groupe d'Action Financière Sur le blanchiment des capitaux/GAFI

این جرم بیشتر در جریان تبادلات اقتصادی میان شرکتها و از طریق تبانی در بعضی از معاملات یا سوء استفاده از موقعیت غالب در معاملات رخ می‌دهد. البته در مواردی ممکن است این جرایم بین شرکتها و مؤسسات از یک سو و مصرف کنندگان از سوی دیگر رخ دهد مانند جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان و قواعد تبلیغ، تقلب در فروش، تبلیغات کاذب و متقلبانه و یا تبلیغ داروی رژیمی لاغر کننده در سطح گسترده و نظایر آن که هر یک جرمی اقتصادی تلقی می‌شوند.

حقوق کیفری اقتصادی بازرگانی، رسالتش مضاعف است، از یک سو در مقام پاسداری از منافع خصوصی و در پی اخلاقی سازی روابط بازرگانی است، یعنی قصد دارد روابط بازرگانی را از طریق وضع ضمانت اجراها سالم کند.

از سوی دیگر می‌خواهد منافع عمومی و جمعی دولت را حمایت نماید. دولت در خصوص اقتصاد کشور، برنامه‌ریزی می‌کند. بی تردید این شرکت‌های خصوصی هم به نوعی تحت نظارت دولت هستند و دولت از طریق ثبت شرکتها بر آنها نظارت می‌کند (تضمین منافع جمعی دولت، از طریق اداره و مدیریت اقتصاد کشور).

پس حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده دارد:

۱- حمایت از منافع خصوصی افراد

۲- مدیریت و اداره اقتصاد کشور (تضمین منافع جمعی و منافع دولت)

منظور از حقوق اقتصادی یا حقوق امور تجاری،^۱ قوانینی است که دولت در جهت نظارت و تنظیم ضوابط و شرایط اقتصادی کشور مقرر می‌دارد و جنبه حمایتی دارد.^۲

حقوق تجارت یا حقوق بازرگانی، ناظر به روابط بازرگانی بین اشخاص حقیقی یا حقوقی است، و همچون حقوق کیفری عمومی و حقوق کیفری اقتصادی و آئین دادرسی کیفری، قواعد خاص خود را دارد و بهتر است آن را یک رشته مستقل بدانیم.^۱

به عنوان مثال، حقوق کیفری اطفال به عنوان یک رشته مستقل بررسی می‌شود. بحث مسئولیت کیفری اطفال و مراجع صالح به رسیدگی، محل‌های اجرای احکام دادگاه اطفال، اطفال را از کبار جدا می‌نماید. پس حقوق کیفری اطفال، ویژگی‌های خاص خود را دارد. حقوق کیفری اقتصادی نیز این گونه بوده و دارای استقلال است. حقوق کیفری اقتصادی، رشته‌ای است که از تلفیق حقوق کیفری و حقوق اقتصادی، یا حقوق امور تجاری^۲ بوجود آمده است.

حقوق اقتصادی یا حقوق امور تجاری، علاوه بر پرداختن به عملیات تجاری سنتی مثل عملیات شرکتها، و نیز اسنادی نظیر سفته، چک، اسناد اعتباری و غیره به فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی و تولیدی نیز می‌پردازد که هر یک از اینها، مباحث فرعی دیگری، نظیر حقوق رقابت، حقوق حمل و نقل و حقوق مربوط به تبلیغات خلاف واقع را به وجود می‌آورد. این امور مربوط به حقوق تجارت است.

در تبصره ۲- ماده ۱۷ قانون نظام صنفی آمده است: افراد صنفی، مجاز نیستند برای جلب مشتری درباره محصولات، کالاها یا خدمات، بر خلاف واقع تبلیغ کنند. در غیر این صورت، طبق ماده ۶۸ این قانون با آنها رفتار خواهد شد.

تبلیغ کذب ذیل حقوق کیفری اقتصادی مطرح می‌شود. بعلاوه به دنبال تأسیس یک شرکت تجاری برای بازدهی بالا و صرفه جویی در هزینه نیروی انسانی و بالا

^۱ - Commercial Law.

^۲ - حقوق امور تجاری را برخی مساوی حقوق تجارت می‌دانند.

^۱ - برای دیدن تفاوت‌های حقوق اقتصادی و حقوق بازرگانی به کتاب‌های حقوق تجارت مدون در این زمینه مراجعه شود.

^۲ - Business Law/droit des affaires

جرم‌شناسی ۲۲۷۱

بردن سرعت فعالیتهای خدمات رایانه‌ای استفاده می‌شود و چنانچه از این رهگذر جرایمی رخ دهد، در محدوده حقوق کیفری امور تجاری بررسی می‌گردد.

در کنار کسب سود، تجار، از طریق گرفتن وام، به بانکها و مؤسسات اعتباری متوسل می‌شوند لذا ممکن است تخلفاتی نیز در این حیطه رخ دهد.

ضمن اینکه در کنار یک شخص حقیقی یا حقوقی تجاری، یک مخاطب نهایی به نام مصرف کننده وجود دارد و حقوق وی باید مورد توجه قرار گیرد زیرا میان حقوق مصرف کننده و حقوق تولید کننده عمدتاً تعارض وجود دارد و این ممکن است منجر به سوء استفاده شود. مصرف کننده بهترین کالا را با کمترین قیمت می‌خواهد و تولید کننده در صدد کسب سود بیشتر است.

ما در حقوق بازرگانی، بخشی داریم به نام حقوق مصرف کننده که چیزی شبیه قواعد حقوق کار است. قواعد حقوق کار، آمره است و مقنن در مقام حمایت از کارگر بر می‌آید چون نسبت به کارفرما ضعیف‌تر است. همین طور، مقنن با وضع قوانین که عمدتاً به پیشنهاد وزارت بازرگانی صورت می‌پذیرد حداقل حقوقی را برای مصرف کننده قائل می‌شود.

در لابلای قوانین، موارد متعدد دیگری را می‌بینیم که در مقام حمایت از مصرف کننده وضع شده‌اند و نقض آن، مجرمانه تلقی می‌شود و عبارتند از قانون سازمان تعزیرات حکومتی، قانون سازمان استاندارد که بموجب آن تولیدکنندگان باید برای عرضه محصولات خود ابتدا نشان استاندارد بگیرند و قانون تجارت الکترونیکی که نقض حقوق مصرف‌کنندگان را با جزای نقدی پاسخ داده است.

با این مقدمه، می‌توان گفت؛ حقوق اقتصادی یا حقوق امور تجاری، رشته‌ای است که جرایم مربوط به دنیای اقتصادی را مطالعه می‌نمایند. دنیای اقتصاد، دنیای تولید، مصرف و جریان سرمایه است و حقوق کیفری اقتصادی، منافع عمومی دولت و نظم

۲۲۷۲ مباحثی در علوم جنایی

اقتصاد عمومی و به عبارتی مدیریت اقتصاد یک کشور را تضمین می‌نماید. یعنی نظم اقتصادی کلان را مدیریت می‌کند.

حال آنکه، حقوق تجارت کیفری، منافع خصوصی تجار و شرکت‌ها را تضمین می‌نماید. پس حقوق کیفری تجارت، دنیای اشخاص حقیقی و حقوقی تجاری است و به تعبیری دنیای کوچک‌تری را شامل می‌شود.

در حقوق کیفری اقتصادی، جرایم متنوعند و علاوه بر جرایم متعارف، مربوط به دنیای مالی (سرقت کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، حیف و میل اموال، جعل در مسایل تجاری و ...) از یک سو جرایم دیگری مثل، جرایم مربوط به تأسیس و ثبت شرکت‌ها و جرایم ناشی از مرحله کار و فعالیت شرکت‌ها، یعنی مدیریت شرکت، مدیریت سرمایه و اعتبار و از سوی دیگر جرایم مربوط به انواع ورشکستگی و انحلال و تصفیه شرکت‌ها و نیز جرایم مربوط به اوراق بهادار، حمل و نقل، بورس، جرایم مربوط به اعتبارات بانکی، و جرایم مربوط به حقوق مصرف کننده را شامل می‌شود.

گستره این جرایم، فراتر از جرایم سنتی است، که در حقوق کیفری تجارت مطالعه می‌شود. زیرا امروزه جرایم جدیدی وجود دارند که تحت عنوان حقوق کیفری تجارت نمی‌گنجد و لذا رشته حقوق کیفری اقتصادی جامع جرایم خاص حقوق کیفری اقتصادی و جرایم متعارف و سنتی است.

مثلاً؛ تطهیر در حقوق تجارت نمی‌گنجد و بحث آن در حقوق کیفری اقتصادی مطرح می‌شود. بسیاری از جرایم مرتبط با رایانه نظیر نقض اسرار و علائم تجاری یا

جرم‌شناسی ۲۲۷۳

سوءاستفاده از داده‌پیام‌های شخصی تجار^۱، و حتی پولشویی الکترونیکی، جرایمی هستند که در این حیطه بحث می‌شوند.

حقوق کیفری اقتصادی، کلان و فراتر از منافع یک عده خاص است. عبارتی دولت با وضع مقرراتی، در جهت حمایت و تضمین منافع گروه‌های خاص نظیر مصرف‌کنندگان اقدام می‌کند، حال آنکه حقوق تجارت در مسائل جزئی و خرد است و به موضوعات فردی‌ای می‌پردازد در دل حقوق کیفری اقتصادی جای می‌گیرند و در آن منافع خصوصی افراد موضوعیت دارد.

احتکار یک جرم اقتصادی است. چون در این جرم منافع دولت موضوعیت دارد و نظارت دولت بر این امور اقتصادی شرط استمرار حیات و حاکمیت دولت تلقی می‌شود.

ب- ویژگی‌های خاص حقوق کیفری اقتصادی

۱- از بعد ماهوی و عناصر تشکیل دهنده جرایم اقتصادی

۱-۱- عنصر قانونی

حقوق کیفری اقتصادی، منابع ملی و فراملی متنوعی دارد. این امر از مهمترین ویژگی‌های این حقوق تلقی می‌شود. در کشور ما علاوه بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت دولت و بویژه وزارت بازرگانی نیز با تصویب آئین‌نامه در حیطه حقوق کیفری اقتصادی وارد شده و به قانونگذاری می‌پردازد. بعلاوه در سطح فراملی نیز منابع تقنینی متعددی در قالب کنوانسیون به تصویب مراجع جهانی و منطقه‌ای رسیده است و دولتها با الحاق به این اسناد بین المللی، مکلف می‌شوند که جرایم موضوع این اسناد را در سطح داخلی با ضمانت

۲۲۷۴ مباحثی در علوم جنایی

اجرا همراه سازند. کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ معروف به کنوانسیون پالمو، کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳ معروف به کنوانسیون مریدا، و توصیه‌های گروه ضربت اقدام مالی ۲۰۰۴ به عنوان اسناد بین المللی در این زمینه قابل ذکرند، و بویژه دو کنوانسیون فوق از مهمترین منابع فراملی حقوق کیفری اقتصادی محسوب می‌شوند.

ویژگی دیگر حقوق کیفری اقتصادی این است که قوانین مربوط به این رشته، در قوانین مختلف پراکنده هستند و اگر هنوز مجموعه‌ای به نام قانون جزای اقتصادی یا قانون کیفری اقتصادی نداریم، به این علت است که این رشته جدید التأسیس است و منابع داخلی آن، پراکنده است. برخی از این جرایم در قوانین متفرقه آمده، که به تناسب در مجمع تشخیص مصلحت نظام یا مجلس به تصویب رسیده است. برخی از این جرایم در قانون مجازات اسلامی درج شده و برخی نیز بدون طرح در مجموعه قوانین، بعنوان یک قانون مستقل قابل اشاره‌اند، به عبارت دیگر در قوانین جذب نشده‌اند.

ضمن اینکه، پاره‌ای از این قوانین در مقررات غیر کیفری پیش‌بینی شده‌اند. از اینرو محقق ناچار است همه قوانین و مقررات را بررسی نماید.

قوانینی همچون قانون بورس، قانون کار، قانون تجارت و ... کیفری نیستند ولی در بطن خود اعمالی را جرم‌انگاری کرده‌اند که در حیطه حقوق کیفری اقتصادی جای می‌گیرد. از طرف دیگر پراکندگی قوانین و مقررات مرتبط با حقوق کیفری اقتصادی، سبب می‌شود که اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تا حدی مخدوش شود. این پراکندگی، قابلیت دسترسی متمرکز به متون کیفری را مخدوش و اصل جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست را متزلزل می‌کند و به همین علت بهتر است این قوانین به صورت منسجم، گردآوری شوند.

^۱ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، رک: قناد، فاطمه، «ابعاد کیفری حقوق تجارت الکترونیکی»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۵، به راهنمایی نجفی ابرنآبادی، دکتر علی حسین.

جرم‌شناسی ۲۲۷۵

در خصوص متون مربوط به جرایم اقتصادی و تعیین مجازات، نوعاً از فن ارجاع استفاده می‌شود. این روش دو شکل دارد:

۱- در متن قانون، مقنن یک قاعده را وضع می‌کند، اما بر خلاف رویه معمول، مجازات آن جرم و قاعده را در همان ماده، بلافاصله پیش‌بینی نمی‌کند، بلکه بعد از احصاء جرایم دیگر در پایان متن، ماده مستقلاً را به مجازات اختصاص می‌دهد. این یک قاعده خاص است و بدان معناست که اهمیت قواعد کیفری و جرایم پیش‌بینی شده قبلی از نظر مقنن یکسان است و این محل ایراد است. بنابر اصل قانونی بودن، مجازات در کنار جرم باید مطرح شود و این گونه طرح کردن جرم و مجازات یک روش احاله‌ای برای تعیین مجازات بوده و محل ایراد است. این روش در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ به چشم می‌خورد.

۲- روش دوم، روش پیچیده‌تری است. که در حقوق ما وجود دارد به این معنا که در یک متن قانون، مقنن جرم را تعریف و پیش‌بینی کرده، ولی مجازات را در همان ماده تعریف نمی‌کند، بلکه در ذیل آن مواد، به ذکر جمله‌ای مثل این که «این عمل در حکم محاربه است» یا «مجازات این جرایم، مجازات کلاهبرداری است» و نظایر آن بسنده می‌کند و قاضی برای مطالعه مجازات، ناچار از مراجعه و مطالعه جرم محاربه، کلاهبرداری یا خیانت در امانت است. ایراد در جایی شدیدتر است که این دو جرم، ماهیتاً هیچ ارتباط قابل توجیهی به هم نداشته باشند.

بعنوان نمونه می‌توان به تعیین مجازات خیانت در امانت برای ورشکستگی اشاره کرد.

در واقع، مقنن چنین القا می‌کند که از نظر معیار و تعرفه و چوب خط کیفری، خیانت در امانت و ورشکستگی در یک ردیفند و هر دو مستحق حمایت کیفری

۲۲۷۶ مباحثی در علوم جنایی

یکسان می‌باشند و این جای بسی تأسف است^۱ و ایراد و اشکال آن جا پر رنگ‌تر می‌شود که هیچ ارتباط ماهوی بین دو جرم وجود نداشته باشد. کیفرهای احاله‌ای، ارزش‌ها را برابر می‌داند. ایراد دیگر در مورد ارکان جرم است. آیا عناصر اثبات جرم یکی است و آیا ارکان جرم جدید با ارکان جرم قبلی یکسان است؟

روش دوم احاله در قانون مجازات اسلامی و همچنین در قوانینی که در آن عنوان اقدامات بانندی، تشکیل شبکه، تشکیل و رهبری شبکه چند نفری به کار رفته است به وفور یافت می‌شود.

مثلاً در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی، مقنن به تعریف محاربه می‌پردازد. محاربه و افساد فی الارض دارای تعریف خاص است و این که محارب در جهت ارباب دیگران آلت مجرمانه به کار می‌برد. در جایی دیگر مقنن احتکار و گران‌فروشی را در حکم محاربه می‌داند و مسلماً این نقض غرض است. یا در قانون مبارزه با قاچاق انسان، این جرم را از مصادیق محاربه معرفی می‌کند و این هم محل ایراد است.^۲

اگر مقنن می‌خواست اوصاف و نیز مجازات جرم را تشدید نماید چه لزومی داشت به این که تغییر عنوان دهد. این رویکرد، برای جامعه و نیز برای متهم، خطرناک است و یک سیستم تقنینی غلط تلقی می‌گردد. تشبیه مجازات احتکار به افساد فی الارض، یک تشویش ذهنی به وجود می‌آورد و به ضرر متهم است، بعلاوه تالی‌های فاسد فراوان دارد. این اجمال‌گویی و عدم تبیین مفهوم و بسنده کرده به مصداق، دست قاضی را باز می‌گذارد. امکان تفسیر به ضرر متهم را افزایش می‌دهد و

^۱ - در مقررات هم گهگاه شکل این مجازات احاله‌ای مشاهده می‌گردد. مثلاً در یک جا قاعده کیفری،

مثل دروغ‌نگفتن وضع می‌شود و در جایی دیگر، مجازات آن مطرح می‌شود.

^۲ - برای آگاهی از فهرست کامل قوانین احاله‌ای به انتهای جزوه مراجعه فرمایید.

امکان سوء استفاده را بالا می‌برد. قانون باید به نحوی نوشته شود که فقط یک برداشت از آن استنباط شود.

این عملکرد مقنن و تغییر عنوان مجازات از تعزیری به حدی (محرابه)، صلاحیت دادگاه را نیز تغییر می‌دهد. مثلاً از دادگاه عمومی به دادگاه انقلاب، تغییر صلاحیت می‌دهد. دادگاه انقلاب، دادگاه اختصاصی، محسوب می‌شود. و عملکرد دادگاه‌های اختصاصی، مبتنی بر سخت‌گیری و شدت عمل است. جرایم افساد فی الارض تا حدی رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد، آثار آن بلافاصله رویت می‌شود و توأم با خشونت است.

گفته شده این احاله به نوعی شاید بیانگر این باشد که مقنن بخواهد اهمیت جرم را در حد افساد فی الارض قرار دهد و ارباب و باز دارندگی آن را افزایش دهد. ولی در قبال مضرات آن، این توجیه قابل قبول نیست. سؤال دیگر این که آیا این نحوه مجازات‌های احاله‌ای محدود به یک محدوده زمانی خاص است؟

دلایل آن چند مورد است. اول این که از نظر سیاسی حفظ امنیت مهم است. ذهنیت مقنن، مبنی بر مبارزه با هر نوع توطئه بوده تا هیچ گونه راه مفری برای مجرمین (که جرم آنها اندکی صبغه سیاسی و امنیتی دارد)، باقی نگذارد. تراکم کار و عدم تخصص در شورای نگهبان ممکن است دلیل دیگری برای این نحوه تقنین باشد. دلیل دیگر هم، اصل چهار قانون اساسی است که دغدغه شورای نگهبان و مجلس است.

۲-۱- عنصر مادی

عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر به صورت ترک فعل^۱ رخ می‌دهد و گرایش قانون‌گذار داخلی و اسناد بین‌المللی نیز در جهت جرم انگاری ترک فعل در این

جرایم می‌باشد. مثل عدم ثبت شرکت‌ها، عدم ذکر برخی موارد در قرارداد فروش، عدم وجود نظم در دفاتر حسابداری، عدم به روز کردن اسناد حسابداری و ...

این جرایم دارای بعد فنی بوده و در قلمروهای بسیار پیچیده رخ می‌دهند. مثل نقض قواعد مربوط به رقابت، لذا عنصر مادی آن دارای ارکان متنوع است و این مستلزم یک نوع کارآموزی قضایی خاص و ضابطین و قضات خاص خواهد بود. زیرا رسیدگی به این جرایم یک امر فنی و تخصصی است به ویژه در جمع‌آوری دلایل و اثبات این جرایم نیازمند تخصص هستیم. مثل جرم تطهیر یا جرم حسابداری نامنظم و عدم روز آمد کردن اسناد حسابداری و قراردادهای مربوط به عدم انتقال فناوری. مثلاً نقض قواعد مربوط به رقابت، سبب می‌شود که عنصر مادی، جنبه‌های مختلف به خود بگیرد و مؤلفه‌های خاص داشته باشد و مستلزم قضاتی است که علاوه بر حقوق، مسایل اقتصادی، حسابداری، مالیه عمومی، علایم تجاری، و حقوق مرتبط با آثار ادبی، هنری را فرا بگیرند.

گفتیم که عنصر مادی جرایم اقتصادی بیشتر جنبه ترک فعل دارند و فنی هستند، از اینرو رعایت یک سری دستورات در آنها لازم است. مثلاً در کارخانجات تولیدی، عدم انجام برخی اعمال، رابطه مستقیم با کیفیات کالا و سلامت و بهداشت مصرف کننده دارد.

همچنین ضروری است که قضات و ضابطانی که به این جرایم رسیدگی می‌کنند، دوره‌های تخصصی بگذرانند.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت، اینکه حقوق کیفری با لوازم مربوط به کرامت انسانی همراه و عجین شده است. امروزه بحث کرامت انسان و هر آنچه که مرتبط با انسان و حقوق اوست، و حتی محیط زیست وی، در حقوق کیفری مطرح می‌شود. یکی از این مباحث همبستگی است که می‌گوید افراد بشر، سرنوشتشان به هم گره خورده و نباید به هم بی تفاوت باشند همان طور که یک انسان با زیستن در

¹ Omission

جامعه از یک حقوق و مزایا برخوردار است و لذا در وهله اول از دولت و در وهله دوم از هم‌نوعان، توقع همدردی، همیاری، تعاون و همبستگی دارد. خود نیز باید به هم‌نوعان (انسان‌های دیگر) حساس باشد. لذا حقوق شهروندی و بهره‌مندی موجب تکالیفی هم می‌شود. مثل شرکت در انتخابات، نامزد شدن در انتخابات و قبول مسئولیت اجتماعی.^۱

با باز شدن چتر حقوق کیفری ممکن است همین تکالیف شهروندی، جنبه کیفری پیدا کند. مثلاً عدم انجام وظایف شهروندی به عنوان ترک فعل در قانون جزا، جرم انگاری شده است. امروزه خودداری از کمک به دیگری، عدم کمک رسانی به فرد سانحه دیده در تصادفات رانندگی، و عدم رعایت حقوق مصرف‌کنندگان جرم است. چون نועدوستی را خدشه‌دار می‌کند. یا جرم کودک آزاری در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۱، قانون‌گذار به کلیه مؤسساتی که به نوعی وظیفه نگهداری اطفال را دارند، تکلیف کرده، به محض احراز مصادیق کودک آزاری، مورد را به مراجع، اعلام کنند. و عدم گزارش، جرم ترک فعل است. نمونه دیگر ترک فعل بحث استتکاف قاضی از احقاق حق، مطروحه در ماده ۲۱۴ ق.آ.د.ک و اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌باشد. پس نتیجه این که چنانچه تابعان حقوق کیفری یک سلسله تکالیف را نسبت به هم‌نوع، همسر، رهگذر و فرزندان خود انجام ندهند، با ضمانت اجرای کیفری مواجه می‌شوند.

انسان‌ها به نام زندگی جمعی و رعایت مسایل همبستگی، وظایفی را دارند که در صورت عدم انجام وظایف شهروندی، با حقوق کیفری روبرو می‌شوند. لذا می‌بینیم در مسایل حقوق بشری نیز، حقوق کیفری وارد شده [عدم اعلام جرم، شهادت ندادن، عدم ثبت نام در مدرسه، عدم واکسیناسیون فرزندان و ...].

جرایم حقوق کیفری به سمت ترک فعل می‌روند و این به لحاظ فنی شدن زندگی بشر و رعایت حقوق بشر است.

۳-۱- عنصر معنوی

جرایم اقتصادی، جرایمی نوعاً تخصصی و فنی هستند، تولیدات، صنعت صادرات و غیره ... این اعمال و فعالیت‌ها نوعی تخصص و حرفه‌ای بودن می‌طلبند. لذا فرض بر این است که ما با انسان‌های حرفه‌ای روبرو هستیم. از سوی دیگر، جرایم اقتصادی نوعاً به گونه‌ای است که خسارات غیر قابل جبرانی را به سلامت افراد وارد می‌کند ولی در عین حال بزه‌دیده معینی ندارد یا گروهی از افراد را بزه‌دیده خود می‌کند. مثلاً آلودگی زیست محیطی ناشی از نشت گاز یا پساب کارخانه‌ها، عیب فنی خودرو، داروهای پزشکی غیر استاندارد که استفاده از آنها، منجر به اختلالات جسمانی - روانی و برخی بیماری‌ها می‌شود را می‌توان از مصادیق جرم یقه سفیدی دانست، که به نوعی جنبه اقتصادی دارد. موش آزمایشگاهی کردن بیمار یا برداشتن عضو بطور مخفیانه و بدون رضایت توسط پزشک به نوعی جرم یقه سفیدی و اقتصادی است که خلاف اخلاق پزشکی حرفه‌ای است.^۱

لذا فرض بر این است که صاحبان شرکتها، صنایع، کارخانه‌ها و حرف گوناگون، افرادی حرفه‌ای و متخصص بوده و نسبت به آثار اعمالی که در اثر غفلت، بی احتیاطی و بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات مرتبط با رشته فعالیت خود مرتکب می‌شوند، آگاهی دارند.

به همین علت در جرایم اقتصادی نوعاً عنصر معنوی مفروض است و این جرایم بیشتر جنبه مادی صرف دارند زیرا حرفه‌ای و متخصص بودن صاحبان مشاغل با آگاه بودن آنها از آثار اعمالشان ملازمه دارد.

¹ - Medical ethics.

¹ - Solidarity.

جرم‌شناسی ۲۲۸۱

نکته دیگر در بحث ماهوی، بحث مجازات‌ها است. در جرایم اقتصادی، مجازات‌ها، بیشتر بصورت جریمه نقدی و مجازات مالی، ضبط و مصادره اموال پیش‌بینی می‌شوند و کیفر نقدی عموماً تابعی از شدت جرم و میزان خسارتی است که ممکن است در نتیجه عمل مرتکب وارد شود، یا میزان سود نامشروعی که تحصیل کرده است.

به همین جهت، میزان مجازات در موارد تکرار جرم از اصول خاصی تبعیت می‌کند و به اصول عمومی حاکم بر قانون مجازات اسلامی توجهی ندارد. مثلاً در مورد قاچاق مواد مخدر، میزان مجازات تابع میزان مواد مخدوری است که قاچاق شده است. لذا مجازات‌ها از جهت تکرار جرم، تابعی از دفعات ارتکاب جرم و سود و درآمد نامشروع است.

علت مالی بودن مجازات‌ها این است که معمولاً مرتکبان این جرایم به دنبال سود و درآمد اقتصادی و امتیازات اجتماعی و اقتصادی‌اند لذا قانون‌گذار پاشنه آشیل آنها را نشان گرفته تا بهتر بتواند آنها را ارعاب نماید. مثلاً در جرایم تعزیرات حکومتی، ارقام جریمه به ۲۰ میلیارد تومان هم می‌رسد و این بالا بودن مبلغ در جهت ارعاب مجرمین بالقوه و بالفعل است. طبیعتاً در جرایم اقتصادی محرومیت از حقوق اجتماعی هم داریم.

محرومیت از حقوق اجتماعی مثل تعطیلی موقت، ممنوعیت از داشتن حساب جاری، محرومیت از شرکت در مناقصه، عدم پرداخت وام درخواستی و در شدیدترین حالت، انحلال شخص حقوقی است که همه مصادیقی از محرومیت از حقوق اجتماعی تلقی می‌شوند.

البته در این جرایم، در کنار ضمانت اجرای کیفری شاهد پیش‌بینی ضمانت اجرای غیر کیفری همچون ضمانت اجرای صنفی، انتظامی، اداری و اجتماعی، نیز هستیم.

۲۲۸۲ مباحثی در علوم جنایی

مثلاً در قانون نظام صنفی، ضمانت اجرای صنفی و انتظامی وجود دارد که توسط مرجع صنفی، تعیین می‌شود البته ممکن است در دادگاه عمومی هم، مجازاتی برای آن عمل تعیین شود. یعنی همزمان جرم صنفی و انتظامی و جرم کیفری دو جرم محسوب شود و مجازات‌های تعیین شده با هم جمع شوند.

از اینرو می‌توان گفت که مسئولیت کیفری و صنفی با هم همزیستی دارند.

در بحث مجازات‌ها باید توجه داشت که بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز در جرایم اقتصادی قابل طرح است و با اینکه در نظام حقوقی ایران، اصل بر عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است، ولی در قانون نظام صنفی، مسئولیت صنفی و انتظامی برای این اشخاص در نظر گرفته شده که گاهی جنبه کیفری به خود می‌گیرد. ضمناً مسئولیت کیفری شخص حقیقی مانع مسئولیت شخص حقوقی نمی‌شود. ممکن است بابت یک جرم هم شخص حقوقی و هم شخص حقیقی مجازات شوند. پس پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع از اعمال مجازات بر شخص حقیقی نیست و ممکن است بابت یک جرم، هر دو با هم مجازات شوند.

۲- از بعد شکلی

۲-۱ ضابطان خاص

ویژگی مهم حقوق کیفری اقتصادی در رابطه با کشف و اثبات جرم این است که در مورد جرایم اقتصادی ضابطین خاص و آموزش دیده در کنار ضابطین عام وجود دارند. مثلاً در امر حسابداری، رایانه، شرکت‌ها و غیره، ضابطین خاص داریم. علاوه بر ضابطین عمومی که در زمینه جرایم اقتصادی تجربه دارند، بعضی از کارمندان و عوامل دولتی هم به نوعی نقش ضابط را ایفا می‌کنند. مثلاً مأمورین گمرک، مأمورین مالیاتی، مأمورین بورس و ...

در برخی موارد، حراست اداره‌ها از این قبیل ضابطین خاص به شمار می‌روند که در کنار امور اداری خود، به ضابطین خاص تبدیل شده‌اند. در مورد جرایم اقتصادی،

در بعضی از شرکت‌ها، ضابطین خاص بوجود آمده‌اند که پیش از این وجود نداشته‌اند.

مثلاً در معیت بانک‌های فرانسه، نهاد Tracfin ایجاد شده که در کنار بانک‌ها فعالیت میکند و هر گاه به عملیاتی مشکوک شدند، آن را بررسی نموده و در صورت لزوم به وزارت دارایی و بعد به دادسرا اطلاع می‌دهند. مثلاً عملیات بانکی بسیار بالا در یک حساب تازه تأسیس، ورود و خروج مبالغ بالا به یک حساب که میانگین آن مبلغ ثابتی بوده است مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا می‌تواند منشأ نامشروع داشته باشد. این نهاد به عبارتی در مقام شناسایی جرم تطهیر و بررسی این نکته است که منشأ این پول چیست و این کار را به نوعی حراست بانک و مسئولان شعب بانک انجام می‌دهند. در پاره‌ای موارد، ضابطین خاص نهاد Tracfin و مأموران وزارت بازرگانی، موظفند که موارد مشکوک را بررسی و اعلام نمایند و حتی در مواردی حق بررسی حساب‌ها و حق ورود به محل کسب و تجارت و اماکن محرمانه را دارند. نتیجه آنکه اولاً در میان ضابطین عمومی، افراد خاصی (افراد خبره و آموزش دیده) برای جرایم اقتصادی، تربیت می‌شوند که با افسران جرایم عمومی مثل قتل، منازعه، ضرب و جرح و ... متفاوتند و از طرفی در این موارد، ضابطین خاص داریم، مثل مأمورین گمرک و ... که در معیت برخی ادارات اقدام به شناسایی این جرایم می‌کنند.

۲-۲- مراجع قضایی مربوط به جرایم اقتصادی

اگر چه دادگاه خاص رسیدگی به جرایم اقتصادی در قانون پیش‌بینی نشده است، ولی قوه قضاییه در عمل یک مجتمع قضایی را به این قبیل جرایم اختصاص داده است و فرض بر این است که کادر این مجتمع آموزش دیده و از اطلاعات کافی برخوردارند. از اینرو یک تخصص‌گرایی عملی و نه قانونی را در رسیدگی به این جرایم مشاهده می‌کنیم.

گفتار سوم- تمایز میان بزهکاری اقتصادی و جرایم عمومی: رهیافت نوین

الف- معیارهای جرم‌شناختی مرتبط با عمل مجرمانه

این معیارها که به عمل مجرمانه مرتبطند، در دو دسته بندی مستقیم و غیرمستقیم مطرح گردیده‌اند.

۱- معیارهای غیرمستقیم

۱-۱- معیار جغرافیایی

در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی تأثیر انواع محیط بر بزهکاری مطالعه می‌شود. محیط، فضای پیرامونی و بستری است که در آن زندگی می‌کنیم. محیط فیزیکی همان محیط خدا دادی، شرایط آب و هوایی، اقلیمی و جوی است، که بر رفتار انسان اثر گذارند. و منظور از محیط اجتماعی، خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط کار، رژیم سیاسی حاکم بر کشور و نظایر آن می‌باشد.

این معیار، ریشه در مکتب جغرافیای جنایی و قانون حرارتی جرم دارد که «کتله» بنیانگذار و نظریه پرداز آن تلقی می‌شود. بعلاوه قانون اشباع جنایی و فوق اشباع جنایی نیز بر این معیار تأثیر گذاشته است. در نظریه کتله در رابطه با قانون حرارتی جرم آمده است که فصول، موقعیت جغرافیایی و آب و هوای هر منطقه در رفتار مجرمانه ساکنان آن تأثیر دارد. بدین نحو که جرایم علیه اشخاص شامل ضرب و جرح و منازعات مختلف در جنوب کشور (مناطق حاره‌ای و گرم) و در فصول گرم سال رخ می‌دهد و در مناطق شمالی و در فصول سرد، جرایم علیه اموال بیشتر صورت می‌پذیرد. زیرا در فصل گرما، ساعات حضور افراد در اجتماع و اصطکاک میان آنها بیشتر و فرصت‌های جرایم علیه اشخاص زیادتر است. حال آنکه در فصول سرد، آمار جرایم علیه اموال که در محیط‌های بسته رخ می‌دهد، بیشتر است. پس بر اساس شرایط جغرافیایی نرخ و ماهیت جرایم متفاوت است. قانون اشباع و فوق اشباع جنایی نیز بی ارتباط با وضعیت جغرافیایی نیست. در این قانون، نرخ بزهکاری

جرم‌شناسی ۲۲۸۵

روستایی با شهری مقایسه شده است. مطالعات انجام شده در فرانسه، بر اساس آمار بزهکاری ظاهری و پلیسی از یک سو و آمار قضایی و قانونی از سوی دیگر صورت گرفته و مشاهده شده است که بزهکاری اقتصادی و مالی یک پدیده شهری است.

جرم اقتصادی با ظرافت فکری و شهرنشینی ارتباط دارد زیرا فعالیت اقتصادی در شهرها پر رونق و تنوع آن بیشتر است و از این جهت بستر مناسبی برای ارتکاب جرایم اقتصادی، تلقی می‌شود. بعبارتی، در اماکن شهری به اقتضای ساز و کارهای اجتماعی (آرایش اجتماعی) فرصت مجرمانه بیشتری در اختیار افراد قرار می‌گیرد و از آنجا که تمرکز سرمایه و فکر و تجارت در شهرها متفاوت است، جرایم اقتصادی نیز بر حسب درجه اقتصادی شهرها و درگیر بودن آن در فعالیت اقتصادی، اجتماعی و توزیعی متفاوت می‌باشد.

بعنوان نمونه، سازمان بورس در تهران متمرکز است و جرایم مرتبط با بورس بیشتر در تهران رخ می‌دهد. پس جرایم اقتصادی در شهرها، بر اساس معیار توسعه یافتگی متفاوت خواهد بود.

از اینرو سیاست جنایی مقابله با جرایم اقتصادی، باید شهر محور باشد و چاره اندیشی برای کنترل آن باید در بستر شهر و با لحاظ مقتضیات شهرها، تعریف شود. حال آن که چاره اندیشی برای اعتیاد و قاچاق، ملی است و زمان و مکان نمی‌شناسد. پس در معیار جغرافیایی از یک سو، روستا را از شهر و از سوی دیگر هر یک از شهرها را از یکدیگر تفکیک می‌کنند و سیاست ما در قبال این جرایم، باید تابعی از این تفکیک باشد.

۱-۲- معیار حرفه‌ای

جرم اقتصادی در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای، قانونی و مشروع فرد رخ می‌دهد. لذا در مواردی که فرد از موقعیت فرادستی خود در محیط شغلی سوءاستفاده کرده و با زن زیر دست خود رابطه نامشروع برقرار می‌کند، جرم عمومی مرتکب شده است. البته

۲۲۸۶ مباحثی در علوم جنایی

در حقوق ایران جرمی به نام آزار و اذیت جنسی از ناحیه فرادست به فرودست نداریم، اما در ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، آمده است که چنانچه دختری به لحاظ زیر دست بودن ناگزیر از همخوابگی با مدیر خود شود می‌تواند تقاضای خسارت معنوی کند. در مقابل، صدور چک بلامحل، نقض قرارداد کار و استخدام کارگران جوان زیر ۱۵ سال و نظایر آن جرم علیه حقوق کار و بزهکاری اقتصادی تلقی می‌شود.

۳-۱- معیار ارزیابی مجرم از عمل مجرمانه

منظور از این معیار، برداشتی است که مرتکب از عمل خود دارد. بدین معنا که آیا خود را مجرم می‌پندارد یا خیر؟ و نیز اینکه طرز تلقی سایر افراد جامعه از عمل ارتكابی چیست؟

در جرایم اقتصادی، مالی، یک ارزش قابل حمایت کیفری نقض شده است. اما مرتکبین، احساس مجرمیت ندارند و عمل ارتكابی را حاکی از زرنگی و مهارت خود می‌دانند. عدم پرداخت مالیات، ارایه اظهار نامه خلاف واقع، نقض حقوق مالکیت فکری، سوءاستفاده از اسرار و علائم تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی و جعل و کلاهبرداری رایانه‌ای که نیازمند تخصص و دانش فنی و مهارت عملی بالاست در این گروه جای می‌گیرد.^۲ مرتکب این جرایم، به نوعی ارتكاب این اعمال را نوعی توفیق تلقی می‌کنند و عمل ایشان به لحاظ فنی بودن و عدم آگاهی عموم از دانش فنی مربوط به ارتكاب جرم، تقبیح اجتماعی چندانی را برنمی‌انگیزد. بسیاری از افراد مذهبی در ایران، خمس و زکات می‌پردازند و به آن پای بندند ولی مالیات نمی‌پردازند و اظهارنامه‌های خلاف واقع ارائه می‌دهند. شاید این امر به دلیل بی اعتمادی به دولتها باشد، ولی به هر حال عملی مجرمانه است. مجرمین اقتصادی خود را مجرم

¹ - Perception of Criminal act/ perception de soi- même/self perception

² برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین

نمی‌پندارند و به تبع آن جامعه نیز آنها را مجرم تلقی نمی‌کند. از اینرو، محکوم کردن مجرمین اقتصادی، چندان کارساز نیست، زیرا آنها از آثار سوء محکومیت خود رنج نخواهند برد. در حالی که مجرمین متعارف به محض ارتکاب جرایم عمومی، بر چسب مجرمانه می‌خورند که خود یک تالی فاسد دارد و از آنها یک مجرم حرفه‌ای می‌سازد. چون جامعه‌پذیری و بازگشت آنها را به جامعه دشوار می‌سازد.

در جرایم عمومی، ظاهر و نوع اتهام مطرح شده و عمل مرتکب به گونه‌ای واضح و شفاف است که فرد احساس مجرم بودن می‌کند. ولی در جرایم اقتصادی، اصل بر عدم شفافیت آنها است. جرایم اقتصادی از جمله به دلیل نداشتن فایده ملموس و رؤیت‌ناپذیری، قابل استتارند و در جامعه موج ایجاد نمی‌کنند. از اینرو مورد تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرند و شک جامعه را نیز بر نمی‌انگیزند.

ضمن اینکه تیره بودن تصویر جرایم اقتصادی، سبب می‌شود که شخص مجرم نیز نه تنها خود را مجرم تلقی نکند بلکه احساس زرنگی داشته باشد. مثلاً در شرکت سهامی، تنظیم یک تراز مالی متقلبانه توسط مدیر عامل شرکت سهامی منجر به ضرر مالی و بزه‌دیدگی سهامداران غیر مطلع می‌شود ولی در مجرم و سهامداران مطلعی که از رهگذر چنین اغفالی سود می‌برند، احساس توانمندی، آگاهی و مهارت ایجاد نماید. معیار احساس یا عدم احساس مجرمیت، بسیار گسترده است و به تنهایی کارساز نیست زیرا این حس حتی در جرایم عمومی نیز متصور است مثلاً برخی از مجرمین جنسی هم ممکن است چنین احساسی از عمل خود داشته باشند.

۴-۱- معیار وسایل و آلات ارتکاب جرم اقتصادی

در جرم‌شناسی، جرایم از حیث وسیله ارتکاب^۱ به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- جرایم حيله آمیز و متقلبانه؛

۲- جرایم توأم با خشونت.

جرایم خشونت‌آمیز بیشتر مبتنی بر سوء استفاده از قدرت^۱ و زور هستند. این زور ممکن است، زور بازو یا چاقو یا اسلحه باشد. پس جرایم خشونت‌آمیز مبتنی بر کلسیم، و سوء استفاده از قدرت هستند. وسایل ارتكابی این جرائم آشکار و ملموس است. وسایلی همچون چاقو، اسلحه و نظایر آن در ارتكاب این جرایم نقش دارند. این جرایم به زور کشف می‌شوند و رقم سیاه آنها پایین است.

جرایم حيله آمیز بیشتر مبتنی بر سوء استفاده از نبوغ، توانایی فکری و استعداد هستند و وسیله ارتكابی جرم، غالباً مبهم و نامحسوس است یا میزان تأثیر وسیله در ارتكاب جرم مشخص نیست. مثلاً جرایمی همچون تقلب مالیاتی، خیانت در امانت، تجاوز به حقوق مصرف‌کننده، کم گذاشتن در پول، پولشویی بویژه به شیوه الکترونیکی، کلاهبرداری رایانه‌ای از طریق سوءاستفاده از داده‌پیام‌های مالی افراد، سرقت اطلاعات مالی و سوءاستفاده از آن^۲، همه و همه مبتنی بر اشراف و درایت مرتکب است و وسایل ارتكاب این جرایم رؤیت‌پذیر نیستند یا میزان تأثیر آن در ارتكاب جرم دقیقاً قابل تشخیص و ارزیابی نیست.

در این دسته اخیر وسایل ارتكاب جرم، همچون خود جرم جنبه تخصصی و فنی دارند و با میزان حرفه‌ای و کارشناس بودن مرتکب، ملازمه دارند. عبارت دیگر، در جرایم اقتصادی، مرتکب باید کارشناس حرفه خود باشد. کارشناس حمل و نقل، کارشناس بورس و

^۱ - Abuse of force.

^۲ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین

^۱ - وسیله ارتكاب جرم در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است.

این ویژگیها موجب دشواری کشف این جرایم برای ضابطین می‌گردد. بعلاوه در بسیاری موارد با یک اقدام تجاری یا اقتصادی مدیر، چندین جرم رخ می‌دهد (تعدد معنوی) یعنی فعل واحد، چندین عنوان مجرمانه پیدا می‌کند.^۱

از اینرو از نظر علوم جرم‌یابی، شناسایی جرایم یقه سفیدی برای قاضی بسیار دشوار خواهد بود. کافی است اشاره کنیم که، بعد از فروپاشی دیوار برلین، دولت آلمان تصمیم گرفت که با سرمایه‌گذاری در آلمان شرقی این قسمت سابقاً کمونیستی آلمان را در حد بخش غربی این کشور آباد نماید. لذا طرح‌ها و پروژه‌های ساختمانی با بودجه کلانی در قسمت شرقی آغاز شد اما بلافاصله و همزمان نمودهای فساد و تبانی در معاملات دولتی، ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی وجوه عمومی و تحصیل اموال نامشروع و سایر جرایم اقتصادی ظاهر شد. پس از تعقیب متهمین، دادرها دریافتند که متهمین چنین جرایمی سابقه نداشته‌اند و شناسایی این جرایم و متهمان آن دهها سال بطول می‌انجامد. لذا سیاست عمومی دادسرای آلمان این شد که در بعد قضایی و عملی دست به سیاست «مصالحه بر سر اتهام یا معامله اتهام»^۲ بزند، یعنی میان دادیار، دادستان و متهم معامله‌ای صورت پذیرد. در این معامله دادستان از مجرم، درخواست همکاری می‌کند و در ازای اقرار وی به یک جرم ارتكابی، از تعقیب سایر اتهامات او صرف‌نظر می‌نماید و کیفر خواستی صادر نمی‌کند. این با معاذیر قانونی موجود در قانون ما، فرق می‌کند. این امکان در مرحله دادسرا پیش‌بینی

^۱ - بعنوان نمونه در کلاهبرداری رایانه‌ای از طریق سوءاستفاده از داده‌پیام‌های شخصی یا سوءاستفاده از علائم تجاری از طریق جعل علائم متعلق به غیر، عمل واحد مرتکب مشمول چند عنوان مجرمانه می‌گردد و مجازات اشد در مورد مرتکب قابل اعمال است. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین، بخش دوم.

^۲ - Give and take انگلیسی

Plea bargaining آمریکایی

Donnant Donnant فرانسسه

شده در قانون مجازات اسلامی نیز اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار وی در مرحله تحقیق بگونه‌ای که مؤثر در کشف جرم باشد، می‌تواند حسب مورد از موجبات تخفیف یا معافیت از مجازات تلقی شود.^۱

غیر ملموس بودن وسایل، موجب بالا رفتن رقم سیاه جرایم اقتصادی می‌شود. در عین حال باید توجه داشت که در جرایم یقه سفیدها به جای خشونت و زور از زرنگی و استعداد و نبوغ، استفاده می‌شود. آثار این نوع جرایم، بسیار دیر خود را نشان می‌دهد و شاید اصلاً خود را نشان نمی‌دهد.

ادل هرتس، جامعه شناس آمریکایی، گونه شناسی جدیدی در ارتباط با جرایم اقتصادی یا جرایم مرتبط با امور تجاری به دست داده و جرایم اقتصادی را به چند دسته تقسیم می‌کند:

۱- جرایمی که فرد به تنهایی، آن را مرتکب می‌شود و با فعالیت شغلی وی مرتبط نیست. از جمله جرم صدور چک پرداخت نشدنی و تقلب مالیاتی و جرایم مربوط به کارت‌های اعتباری نظیر کلاهبرداری^۲ یا سرقت، که به آن جرایم منفرد می‌گویند و هر فردی، صرف‌نظر از شغل، می‌تواند مرتکب آن شود.

۲- جرایمی که با شغل مرتکب مرتبطند و میان کارفرمایان و ارباب رجوع اعم از اینکه بزهدار یا بزهدیده باشند، یک رابطه شغلی وجود دارد نظیر ارتشاء، اختلاس، سوء استفاده و تصرف غیرقانونی اموال عمومی. در این صورت، مرتکب ممکن است تحت پوشش کارفرما یا ارباب رجوع مرتکب بزه اقتصادی شود.

۳- جرایمی که شخص به مناسبت فعالیت شغلی مشروع و به منظور کسب سود بیشتر یا فراهم کردن زمینه یک اقدام سودجویانه مرتکب می‌شود.

^۱ - بموجب مواد ۲۲، ۵۰۷، ۵۲۱ و ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی، اعلام متهم قبل از تعقیب، یا اقرار وی

در مرحله تحقیق حسب مورد موجب تخفیف یا معافیت از مجازات خواهد شد.

^۲ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

جرائم علیه مصرف کننده و قواعد تبلیغ که توسط تأمین‌کنندگان کالا و خدمات رخ می‌دهد در این گروه جای می‌گیرند.^۱

۴- جرایمی که به منظور کسب سود نامشروع صورت می‌پذیرد و فی‌نفسه جرم تلقی می‌شوند. باندها و شبکه‌های مجرمانه، سازمان‌های جنایی که غالباً ظاهری قانونی و مشروع دارند ولی به کار قاچاق مواد مخدر و انسان و به عبارتی بهره‌کشی جنسی و پولشویی و نظایر آن که ذاتاً نامشروع تلقی می‌شوند، اشتغال دارند و هدف از تأسیس این سازمانها، ارتکاب جرم به منظور کسب سود نامشروع است. لازم به ذکر است که تفاوت در وسایل ارتکاب جرم موجب تنوع در شیوه‌های ارتکاب آن می‌شود.

این شیوه‌ها همواره پیچیده هستند و همزمان با تحولات فناوری روزآمد و پیچیده‌تر می‌شوند. بعنوان نمونه فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تبادل اطلاعات از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای نظیر اینترنت زمینه سوءاستفاده‌های فراوانی را فراهم و نسل جدیدی از جرائم تجاری را با اشکال و شیوه‌های ارتكابی جدید، پدید آورده است که نظام سنتی کشف جرم و جمع‌آوری ادله توان رویارویی با آن را ندارد. کلاهبرداری و جعل رایانه‌ای و پولشویی الکترونیکی و سوءاستفاده از داده‌پیامهای شخصی و علایم و اسرار تجاری شاهی بر این مدعا تلقی می‌شوند.^۲

۵-۱- معیار نُرْم ۳ یا قاعده نقض شده

این واژه معانی مختلفی دارد. معنای اول نرم، عادی و طبیعی بودن است که معمولاً در زیست‌شناسی و پزشکی از آن استفاده می‌شود. معنای دوم این واژه استاندارد بودن است ولی این دو معنا مد نظر ما نیستند. معنای سومی که برای این واژه می‌توان ارائه

کرد، قاعده یا هنجار حقوقی است که بیانگر مصلحت، یا ارزش الزام‌آوری است که با محتوا و پیام هنجار مرتبط است. به عنوان نمونه مالکیت و احترام به مال دیگری یک قاعده و هنجار حقوقی است که بیانگر ارزش الزام آور مالکیت خصوصی است و آثار اجتماعی و حقوقی به دنبال دارد. و هر گونه دست بردن به اموال دیگری بدون رضایت او ضد هنجار و ضد نظام مالکیت خصوصی تلقی می‌شود. پس هنجار یا قاعده حقوقی معرف یک ارزش و مصلحت الزام‌آور است و به همین دلیل واجد ضمانت اجرا است، زیرا قاعده حقوقی بدون ضمانت اجرا بی‌معنی است. بعنوان نمونه وقتی می‌گوییم آثار حقوقی هنجاری تحت عنوان کرامت و شأن و منزلت انسانی، عبارتست از:

۱- تمامیت مادی و معنوی افراد که حریم خصوصی آنها را نیز شامل می‌شود؛

۲- عدم تعرض به تمامیت مادی و معنوی افراد؛

ولی این هنجار، بدون ضمانت اجرا کارایی ندارد. از اینرو در مجموعه‌های قوانین غالب کشورها، حمایت از این هنجارها از طریق نظام ضمانت اجراها امکان‌پذیر شده است و امروزه قانونگذاران، حق خلوت و حریم خصوصی افراد را نیز مورد حمایت قرار می‌دهند و با ضمانت اجراهای کیفری یا مدنی همراه می‌سازند.^۱ ماهیت ضمانت‌اجراها، امکان تمایز میان هنجارها را ایجاد می‌کند و حسب آنکه ضمانت اجرا بار کیفری یا مدنی داشته باشد با هنجارهای کیفری یا مدنی مواجه خواهیم شد. بدین ترتیب فرق بین هنجار کیفری یا مدنی با هنجار اجتماعی در این است که هنجار اجتماعی هنوز به مرحله تبلور حقوقی نرسیده و ضمانت اجرای آن اخلاقی است. دروغ گفتن، غیبت کردن و نظایر آن هر چند یک گناه شرعی است، ولی تا زمانی که آثار مادی و ضمانت اجرا بر آن مترتب نشده یک هنجار حقوقی تلقی نمی‌شود. لکن

^۱- برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: همان منبع.

^۲- ر.ک.: همان منبع.

^۱- برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

^۳ - Norme.

آنگاه که واجد آثار حقوقی شود به یک قاعده کیفری تبدیل می‌شود. همچون شهادت کذب که یک نوع هنجار اجتماعی را به یک هنجار کیفری تبدیل می‌کند.

با توجه به معنای اخیر، در مقابل بهنجار یا هنجارمند، با اصطلاح منحرف و مجرم و متخلف^۱ روبرو خواهیم بود و اصطلاح نابهنجار^۲ دیگر جایگاهی نخواهد داشت. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا لزوماً کسانی که از هنجارهای اجتماعی سرپیچی می‌کنند و نابهنجار تلقی می‌شوند، منحرف یا مجرمند؟ پاسخ منفی است زیرا در جامعه شناسی جنایی دو نوع منحرف وجود دارد: یک نوع، ناظر به رفتار ضد اجتماعی و ضد قانونی افراد عادی است و نوع دیگر ناظر به رفتار نوابغی است که رفتار آنها با رفتار میانگین جامعه متناسب نیست. انحراف رفتاری این گروه، غیراجتماعی تلقی می‌شود، نه ضد اجتماعی یک نابغه، دانشمند، فیلسوف یا عالم بزرگ از جامعه خود جلوتر فکر می‌کند و گویا از نظر رفتار و حرکات، غیر عادی است، دورکیم، جامعه شناس فرانسوی نیز به مفهوم نُرمال اشاره کرده است. از نظر او جرم پدیده‌ای نُرمال و بهنجار است، اگر چه عملی بر خلاف هنجار تلقی می‌شود، ولی میزان معین آن در جامعه، بهنجار و مطابق نُرْم است. چون هیچ جامعه انسانی بدون جرم وجود ندارد. حتی اگر جامعه مذهبی یا بدون اختلاف طبقاتی باشد حتی در شوروی سابق که دولتمردان مدعی بودند، استثمار وجود ندارد جرم وجود داشت. وجود جرم در هیچ زمان و مکانی قابل انکار نیست.

بی تردید، دورکیم نسبت به آثار منفی جرم آگاهی داشته است. اما عمومیت جرم این اندیشه را در وی ایجاد کرد که جرم و انحراف اعم از گفتاری و رفتاری رسالتی دارند و نباید همواره برداشت منفی از آنها ارائه کرد. بعنوان نمونه سقراط نسبت به

^۱ - در ادبیات شرعی، اصطلاح گناهکار به جای مجرم و منحرف و متخلف مورد استفاده قرار می‌گیرد و معادل‌های انگلیسی این اصطلاحات عبارتند از: deviant/criminal/offender

^۲ - Abnormal

افراد هم عصر خود جلوتر فکر می‌کرد، اما با گذشت زمان رفتار و کردار وی به یک نُرْم تبدیل شد. مفهوم انحراف یا «دور شدن از نُرْم» همین است.^۱ در عین حال باید به این نکته توجه داشت که هر گروه و تشکل و هر اجتماع و کشوری هنجارهای خاص خود را دارد و در این چارچوب باید معنای انحراف و غیر انحراف تفسیر شود. طور مصادیق انحراف در دانشکده حقوق با دانشکده هنر یکسان نیست. در دانشکده هنر، وقتی استاد با موی بلند حاضر شود مطابق نُرْم آن دانشکده عمل کرده است اما در دانشکده حقوق این دقیقاً مصداق یک انحراف تلقی می‌شود.

از اینرو اولاً همه هنجارهای اقتصادی و مالی که جنبه حقوقی دارند و دارای ضمانت اجرا هستند هنجارهای کیفری تلقی نمی‌شوند و بسیاری از آنها جنبه مدنی، تجاری یا اداری دارند یعنی هنجارهای مدنی، تجاری یا اداری هستند و در نتیجه همه اعمال علیه اقتصاد و امور تجاری واجد وصف مجرمانه نیستند و مشمول ضمانت اجرای کیفری تلقی نمی‌شوند و این یکی از ویژگی‌های هنجارهای اقتصادی است، بدین معنا که در رشته‌های مختلف حقوق توزیع شده است و ماهیت آن به عنوان یک قاعده حقوقی همواره کیفری نیست. همچنین همه هنجارهای کیفری اقتصادی در یک قانون جمع نشده‌اند. مثلاً در نظام حقوقی ایران عناوین مجرمانه یا جرایم اقتصادی مختلفی در قوانین تجارت، کار، مدنی، قانون مجازات اسلامی^۲ و نیز قانون تجارت الکترونیکی پیش‌بینی شده است.

^۱ - این کلمه از زبان لاتین گرفته شده است. در این زبان Via یعنی خیابان و «Déviance» از همین کلمه گرفته شده است.

^۲ - قانون مجازات اسلامی، متشکل از سه کتاب در حدود، قصاص و دیات، و یک کتاب در کلیات و مباحث مرتبط با حقوق جزای عمومی و یک کتاب در تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده، است. جرم اقتصادی در هیچ یک از این پنج کتاب تعریف نشده است. در کتاب حدود، ماده ۱۸۳ در مقام تعریف «مفسد فی الارض» تدوین شده است:

جرم‌شناسی ۲۲۹۵

بعلاوه پاره‌ای از جرایم اقتصادی در آیین نامه‌ها و قوانین پراکنده دیگر پیش‌بینی شده‌اند. قانون بازار بورس اوراق بهادار، قانون مبارزه با جرایم رایانه‌ای، قانون حمایت از مصرف‌کننده، قانون سازمان تعزیرات حکومتی یا قانون مبارزه با اخلاط‌الگران در نظام اقتصادی کشور، قانون تخلفات گمرکی، قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق، و قانون نظام صنفی از این جمله‌اند. از اینرو می‌توانیم هنجار و قاعده اقتصادی کیفری را بررسی و مطالعه کنیم:

با این توضیحات می‌توان گفت که بزهکاری اقتصادی نه تنها هنجار یا قاعده‌ای کیفری، بلکه قواعد مدنی، تجاری، بازرگانی و اداری و انضباطی را هم نقض می‌کند. پس منبع بزهکاری اقتصادی تنها حقوق کیفری نیست بلکه علاوه بر آن حقوق تجارت، مدنی و ... هم هست.

بنابراین طبق معیار «هنجار و قاعده نقض شده» می‌توانیم بگوییم بزهکاری اقتصادی ناقض انواع هنجارها است. براساس این معیار سه دسته تخلف و انحراف قابل تفکیک است:

الف) تخلفات کیفری؛

ب) تخلفات مدنی یا شبه جرم؛^۱

ج) انحرافات اخلاقی که نقض اخلاق حرفه‌ای^۲ یا نقض رفتار حرفه‌ای^۱ را در پی دارند.

بموجب ماده ۱۸۳: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض است».

طبق این تعریف، افساد فی الارض با دست بردن به اسلحه ملازمه دارد. از رویکرد جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی باید گفت که این ماده بیشتر جنبه سیاسی دارد و امنیت جامعه را مد نظر قرار داده است و هیچ صبغه اقتصادی یا اخلاقی یا حقوق بشری ندارد.

1 - Tort

2 - Ethics

۲۲۹۶ مباحثی در علوم جنایی

برخی تخلفات اقتصادی، نقض اخلاق حرفه‌ای و صنعتی است که ممکن است در مورد آن جرم‌انگاری صورت نگرفته باشد، ولی نقض اخلاق آن حرفه تلقی شود. جرایم اقتصادی که در مرحله تولید، توزیع و ارائه به مصرف‌کنندگان صورت می‌پذیرد، از این جمله‌اند. اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند که رقابت سالم باشد، احتکار صورت نگیرد و مارگارین بجای کره به فروش نرسد. البته برخی از این موارد اکنون جرم‌انگاری شده‌اند.

عده‌ای از جرم‌شناسان معتقدند که جرایم را هم می‌توان بر اساس معیار هنجار دسته‌بندی کرد. و با توجه به اینکه تنها بخشی از جرایم ناقض هنجارهای کیفری هستند با سه دسته جرم مواجهیم:

۱- جرم به معنای رایج؛ مثل نقض احترام به مالکیت خصوصی؛

۲- شبه جرم؛ یعنی نقض یک قاعده مدنی یا اداری که در ادبیات جدید فرانسه به آن جرم مدنی^۲ یا جرم اداری می‌گویند. مثلاً عدم پرداخت نفقه یک جرم یا شبه جرم مدنی است یا تعجیل در خروج و تأخیر در ورود به اداره یک تخلف یا جرم اداری است.

۳- جرایمی که هنجار یا سلوک اخلاقی^۳ یعنی اخلاق عمومی یک حرفه^۴ را نقض می‌کنند.

مثلاً افشای سرّ توسط پزشک یا سوء استفاده از موقعیت در سلسله مراتب، یک جرم مرتبط با اخلاق حرفه‌ای است. مثل سوءاستفاده استاد از دانشجو یا کارفرما از منشی زیردست، که به آن ذله کردن جنسی^۵ نیز گفته می‌شود.

1 - Code of conduct

2 - Délit civil

3 - Moral

4 - Ethics

5 - Harcèlement Sexuel / sexual harassment.

جرم‌شناسی ۲۲۹۷

این معیارهای ۵ گانه، معیارهای غیر مستقیم جرم اقتصادی هستند ولی این انتقاد به آنها وارد شده که جامع نیستند و امکان تفکیک عنصر مادی جرایم اقتصادی را از جرایم عمومی ایجاد نمی‌کنند. برای رفع این ایراد معیارهای مستقیمی برای شناسایی عمل مجرمین اقتصادی ارائه و پیشنهاد شده است.

۲- معیارهای مستقیم

این معیارها را می‌توان در سه منبع جستجو کرد:

الف- قوانین؛

ب- آموزه‌ها؛

ج- اسناد بین‌المللی،

که به ترتیب بدان می‌پردازیم.

۲-۱- قوانین

در کشور ما در سال‌های اخیر مطالب بسیاری در رابطه با مفاسد اقتصادی، مفسد اقتصادی، رانت‌خواران و آقازاده‌ها مطرح شده و عمده‌ترین منابع قانونی که در این رابطه قابل بررسی هستند، عبارتند از:

الف- اصل ۴۹ قانون اساسی که در سال ۱۳۵۸ و در نتیجه یک پاسخ انقلابی به نظام سیاسی گذشته تنظیم شده است، از ثروت‌های نامشروع و حلال و حرام صحبت

۲۲۹۸ مباحثی در علوم جنایی

کرده است. برخی از اصول این قانون در پاسخ به رژیم اقتصادی نظام پهلوی تنظیم شده است. اصل ۴۹ این قانون پاسخ به ثروت اندوزی‌ها، درآمدها و سرمایه‌هایی است که به تعبیر نویسندگان قانون اساسی یا خبرگان، در اثر زدوبندها، رانت خواری و فعالیت‌های نامشروع به دست آمده بود. لذا این قبیل ثروت‌ها را شایسته ضبط و مصادره اعلام کرد. ولی هیچ اشاره‌ای به جرم اقتصادی ننمود. البته قانون اجرای اصل ۴۹ مصوب ۱۳۶۳، مواردی از مصادیق فساد اقتصادی را ذکر کرده است.^۱

هنوز در سال ۱۳۶۳ یعنی ۱۹۸۴ میلادی هستیم و چهار سال به تصویب کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر که برای نخستین بار عمل تطهیر را جرم انگاری کرد، باقی مانده است. پس جای تعجب نیست که واژه تطهیر در ادبیات قانون‌گذار ما وارد نشده و به طرز دیگری مقصود خود را بیان کرده است:

بموجب ماده ۱۴ این قانون «هر گونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹، به منظور فرار از مقررات این قانون، پس از اثبات باطل و بلااثر است. انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد».

بدین ترتیب، قانون‌گذار در سال ۶۳ اولین جلوه مبارزه با پولشویی را تأسیس، اما آن را نام‌گذاری ننموده است.

^۱ - ماده ۱۴ این قانون شکل ابتدایی و اولیه مبارزه علیه پولشویی و تطهیر درآمدهای نامشروع، تلقی می‌شود. تطهیر، پاکسازی یا سفید‌نمایی اموال کثیف عبارت است از مخدوش کردن، استتار کردن، منحرف کردن و اختفای منشأ، منبع و خاستگاه اموال و سرمایه یا پول که از جرم به وجود آمده مشروط به این که تطهیر کننده علم به کثیف بودن یا مجرمانه بودن منشأ آن داشته باشد. بدین ترتیب بین مرتکب جرم و قاچاقچی مواد مخدر و تطهیر کننده این پول‌ها باید فاصله تفکیک شد. دارنده اماکن فساد و فحشاء و قمارخانه ناچار است که در آمد خود را وارد جریان مشروع کند تا این ثروت هنگفت را که بی هیچ مالیات و هزینه‌ای بدست آورده، از خطر دور کند.

لذا حتی ممکن است آن را صرف امور خیریه کند و در چنین صورتی تطهیرکننده کسی است که پول را قبول می‌کند آنرا تطهیر می‌نماید.

به موجب ماده ۹ قانون مسئولیت مدنی دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن، حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی، مطالبه زیان معنوی هم بنماید. چنین عملی در بسیاری از کشورها به عنوان نقض هنجار حرفه‌ای، دارای ضمانت اجرای کیفری است، ولی در ایران، دارای ضمانت اجرای مدنی بوده و ضمانت اجرای کیفری ندارد.

در اروپا با وجودی که رابطه جنسی خارج از علقه زوجیت، جرم تلقی نمی‌شود اما سوءاستفاده رئیس اداره از منشی خود، خلاف اخلاق حرفه‌ای اعلام و مشمول ضمانت اجرای کیفری می‌شود.

ثانیاً، از روشه حاله‌ای^۱ برای تعیین مجازات و عنوان گذاری جرم استفاده کرده است.

در اینجا سئوالاتی به ذهن متبادر می‌شود: آیا این جرم تابع رژیم حقوقی کلاهبرداری است به این معنی که قواعد مربوط به تشدید، تخفیف و مرور زمان شروع به جرم و نظایر آن که در کلاهبرداری وجود دارد در مورد این جرم هم اعمال شود؟ یا فقط مجازات این دو جرم یکسان است؟ همچنین آیا چنانچه عنصر قانونی جرم کلاهبرداری تغییر کرد، مجازات این جرم نیز تغییر خواهد کرد؟ و بالاخره سؤال مهم‌تر این که آیا قوانین حاله‌ای مغایر با اصل قانونی بودن مجازات^۲ نیستند؟

رعایت این اصل که ستون فقرات حقوق کیفری تلقی می‌شود ایجاب می‌کند که مجازات یک جرم در همان ماده‌ای که آن را جرم انگاری کرده یا در کنار آن اعلام شود، ارجاع مجازات یک جرم به ماده دیگری که تابعان حقوق کیفری ممکن است به آن دسترسی نداشته باشند خلاف اصل قانونی بودن است. بعلاوه چنین جرم انگاری‌هایی یک نوع تورم نامرئی و غیر قابل لمس در قوانین کیفری ایجاد می‌کند.

^۱ - قوانین حاله‌ای در حقوق کیفری قوانینی هستند که طی آن قانون‌گذار عنوان و مجازات یک جرم جدید را از عنوان و مجازات یک جرم سنتی عاریه می‌گیرد. در حقوق کیفری اقتصادی که رشته‌ای بر گرفته از مباحث جرم‌شناختی است، فعالیت‌های اقتصادی جدید و فن‌آوری‌های نو موجب طرح جرایم خاصی شده‌اند و قانون‌گذار غالباً از عناوین متعارف استفاده نموده است و نتوانسته عنوان مناسبی برای این جرایم به وجود آورد. مثلاً در قانون تجارت الکترونیکی، در بخش جرایم و مجازات‌ها، شاهد استفاده گسترده از عناوین مجرمانه سنتی نظیر جعل، کلاهبرداری، نقض حقوق مؤلف، نقض حقوق مصرف‌کنندگان، و سوءاستفاده از علائم تجاری هستیم که غالب آنها در قانون مجازات اسلامی یا قوانین پراکنده دیگر نیز مطرح شده‌اند. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

^۲ - Le principe de légalité des crimes et des peines.

در همین سال، به مناسبت محاکمه و مجازات صاحب منصبان نظام پهلوی دادگاه انقلاب درست می‌شود.

ب- در بند ۳ از ماده ۲ آیین نامه دادسرا و دادگاه انقلاب، مصوب ۱۳۵۸، در بیان صلاحیت دادگاه انقلاب آمده است:

«رسیدگی به جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان»

این آیین نامه را شورای موقت که در حکم دولت بوده تصویب کرده است. البته ایرادی که به این بند وارد است این که جنایت، خود شدیدترین جرم است و دیگر نیاز به صفت «بزرگ» نیست مگر این که بگوییم منظور جنایتی است که مجازاتش اعدام است.^۱

ج- قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، مصوب ۲۹ آذر ۱۳۱۵، نیز به جرایم مالی و اقتصادی اشاره دارد. بموجب ماده ۱ این قانون، «هر کس به اقتضای اعتبار ... وجه نقد یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالث در ازای اعمال نفوذ نزد مأمورین از کسی تحصیل کند یا وعده بگیرد ... به حبس ... محکوم می‌شود».^۲

^۱ - در ادبیات عصر هیتی‌ها اصطلاح «Capital crimes» به کار رفته است که ترجمه تحت اللفظی آن می‌شود «جنایت بزرگ» اما منظور آنها جرمی بوده که مجازاتش اعدام است. لذا در حقوق فرانسه دو اصطلاح «La peine capitale» و «La peine de mort» به معنای مجازات مرگ، مترادف هم هستند. برای مطالعه قانون هیتی‌ها ر.ک. به: هری هافتر، قوانین هیتی‌ها، ترجمه فرناز اکبری رومانی (با دیباچه دکتر نجفی ابرندآبادی)، انتشارات حقوقی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.

^۲ - رئیس قوه قضاییه، اخیراً بخش نامه‌ای تحت عنوان «دستورالعمل سازماندهی نظارت بر تردد مراجعین به دادگستری و ارتقای رفتار سازمانی در قوه قضاییه» صادر کرده است. این بخشنامه در راستای مبارزه با فساد و زدو بند و اعمال نفوذ بر خلاف حق تدوین شده است.

جرم‌شناسی ۲۳۰۱

در قوانین کیفری پراکنده دیگری مشاهده می‌کنیم که افساد فی الارض بصورت یک عنوان ژنریک^۱ و در قالب کیفیت مشدده برای جرایم اخلاقی، جرایم حقوق بشری و نیز جرایم اقتصادی به کار برده شده است. این موارد عبارتند از:

۱- بموجب ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷) تشکیل شبکه‌های ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در صورتی که مصداق افساد فی الارض باشد، عنوان مجرمانه را تغییر داده و مرتکب را تحت عنوان مفسد فی الارض قابل مجازات می‌داند. بدین ترتیب، اگرچه ارتشاء و اختلاس جزء جرایم تعزیری محسوب می‌شوند، لیکن به محض این که وصف «افساد فی الارض» را دارا شدند در زمره حدود قرار می‌گیرند و به مناسبت، صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز تغییر می‌کند.

۲- قانون مبارزه با اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹^۲. مصادیق اختلال در نظام اقتصادی کشور در ماده ۱ این قانون مطرح شده است. ماده ۲ نیز در مقام بیان مجازات اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ می‌گوید: هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا به قصد مقابله با آن ... صورت گیرد چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به مجازات حبس و ... محکوم خواهد شد.

بنابراین چنانچه عمل انجام شده به قصد ضربه زدن به جمهوری اسلامی باشد، مجازات تشدید می‌شود. باید توجه داشت که در سال تصویب این قانون اقتصاد کشور کاملاً دولتی و مسئله معاملات ارزی دولتی نیز مطرح بود. از اینرو، جرایم

۲۳۰۲ مباحثی در علوم جنایی

اقتصادی چنانچه به قصد ضربه زدن به جمهوری اسلامی انجام شود، در حکم افساد فی الارض تلقی و مجازات آن «اعدام» تعیین شده است.

د- ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری از جهت تعیین شیوه رسیدگی به جرایم اقتصادی و استفاده از قاعده تشهیر به منظور تنبه مجرمین و تنویر افکار عمومی نیز قابل ذکر است. بموجب ماده ۱۸۸ قانون در موارد محکومیت قطعی به ارتکاب جرم اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

همچنین مرجع تجدید نظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند^۱.

۱- گفتنی است علاوه بر ضمانت اجراهای کیفری پیش بینی شده در این زمینه قانون گذار ما در جهت تقویت تاثیر پیشگیری کیفری از این دسته جرایم انتشار حکم را نیز به آنها افزود که به نوعی همان تشهیر فقهی میباشد. البته انتشار حکم از منظر جرم‌شناسی عاری از ایراد نیست زیرا از یک سو موجب انگ زنی و برچسپ زنی اجتماعی میشود و از سوی دیگر زمینه بازگشت او به جامعه و بازپذیری اجتماعی او را شدیداً دچار مشکل میکند

1 - Générique.

2- این قانون در زمانی تصویب شد که اقتصاد کشور به علت شرایط ناشی از دوران جنگ کاملاً به دولت وابسته بود. تجارت خارجی و صادرات و واردات در انحصار گسترده دولت بود و سوءاستفاده‌هایی که از این موقعیت می‌شد دولت را با مشکلات اقتصادی مواجه و به این سمت هدایت کرد که در ۱۳۶۹/۹/۱۹ قانون مجازات اخلاک‌گران را تصویب کند.

بر اساس تبصره ۵ الحاقی نیز هر یک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

نتیجه این که قوانین و مقررات مربوط به جرایم اقتصادی همچون یک کوه یخی در دریا می‌ماند که نوک و قله آن پیداست اما قسمت اعظم آن ناپیداست. بگونه‌ای که در این زمینه می‌توانیم از تورم قوانین کیفری^۱ در خصوص جرایم اقتصادی سخن بگوئیم.

در این رابطه بررسی مقایسه‌ای جرم اقتصادی در نظام حقوقی فرانسه نیز مفید بنظر می‌رسد

در قانون مجازات عمومی فرانسه، عنوان مجرمانه مستقلی تحت عنوان جرم اقتصادی یا جرایم اقتصادی و مالی وجود ندارد. تنها در ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور تحت عنوان تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرایم اقتصادی و مالی فهرستی از جرایم با ارجاع به قانون مجازات عمومی این کشور ارائه شده است. تنوع این مواد حاکی است که جرایم اقتصادی در این کشور متنوع و پراکنده‌اند.^۲

^۱ - Inflation pénale / over criminalization.

^۲ - ماده ۳۸-۲۲۲ و بعد (جرم تطهیر)

ماده ۱-۳۱۳ و بعد (جرم کلاهبرداری)

ماده ۱-۴۳۲ و بعد (جرایم کارکنان دولت و بخش خصوصی مثل ارتشاء، اختلاس، و اعمال نفوذ) لازم به ذکر است که شماره مواد در قوانین فرانسه از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول یا عدد سمت راست شماره ماده و بخش دوم یا عدد سمت چپ شناسنامه ماده است. شماره ماده از ۱ شروع و تا جایی ادامه پیدا می‌کند که شناسنامه ماده تغییر کند. به عبارت دیگر تا وقتی که هیچیک از سه رقم عدد مربوط به شناسنامه ماده تغییر نکرده، عدد سمت راست (شماره ماده) در حال افزایش است اما به محض تغییر اولین رقم سمت راست عدد شناسنامه، در واقع شماره ماده نیز از نو شروع می‌شود. حقیقت این است که هر یک از ارقام سه گانه عدد مربوط به شناسنامه ماده معرف یک چیز است: رقم سمت چپ، معرف «کتاب» رقم وسط معرف «عنوان» و رقم سمت

از سوی دیگر، در ماده ۷۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم دیگری نیز اشاره شده که در مجموعه قوانین یا آیین نامه‌های دیگری همچون قوانین مربوط به ساختمان و مسکن، مالکیت فکری، هنری، ادبی و فنی، مالیات‌ها یا گمرکات و امور مربوط به اصول شهرسازی و نیز قانون مربوط به حقوق مصرف کننده قابل جستجو هستند و طیف وسیعی از جرایم اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

۲-۲- آموزه‌ها

با توجه به اینکه در قوانین ایران، معیاری از جرم اقتصادی ارائه نشده، این خلاء تقنینی با استفاده از آموزه‌ها و نظریه حقوقدانان مرتفع می‌گردد. روش طرح بحث در کتب جزای اختصاصی این است که جرایم مالی ذیل عنوان جرایم علیه اموال بحث می‌شوند بعبارت دیگر اصطلاح جرم اقتصادی عنوان جدیدی است و در کتاب‌های جزای اختصاصی به چشم نمی‌خورد. جرایم جدیدی همچون جرایم مربوط به حقوق

راست معرف «فصل» مورد نظر است. به این ترتیب اولین ماده قانون جزا از (۱-۱۱۱) شروع می‌شود و این یعنی اولین ماده از اولین فصل از اولین عنوان از اولین کتاب قانون جزای جدید فرانسه، اما علت این طرز بدیع شماره‌گذاری مواد در فرانسه این بوده که تغییراتی را که بعداً اعمال می‌کند تأثیری در عناوین اصلی قانون نداشته باشد، بلکه اضافه شود.

مثلاً اگر ماده‌ای قرار است به شناسنامه ۱۱۱ اضافه شود در انتهای آخرین ماده این شناسنامه اضافه می‌شود بدون این که تغییری در قانون ایجاد کند. از اینرو برای اصلاح و تغییر یا اضافه کردن یک ماده می‌توان با اضافه نمودن یک عدد به آن اعداد سابق به نتیجه رسید بدون این که تغییری در مجموعه قوانین پیش آید. این امر موجب سهولت در رجوع به قانون برمی‌گردد.

پس در قانون فرانسه روشی را برگزیده‌اند که به راحتی بتوانند جرایم جدیدی را به قانون اضافه نمایند. برای مطالعه در این زمینه ر.ک. کوشا، دکتر جعفر و دکتر شاملو احمدی، «نوآوریهای قانون مجازات فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی شهید بهشتی، شماره نوزده، سال ۱۳۷۶، صص ۲۷۹ تا ۳۳۸.

جرم‌شناسی ۲۳۰۵

مصرف کننده، جرائم قابل ارتکاب در حوزه تجارت الکترونیکی^۱ و جرایم مربوط به گمرک، توجه اساتید کیفری را کمتر به خود اختصاص داده است. نتیجه آنکه جرم اقتصادی در کتابهای داخلی تعریف نشده است. در بین آثار نویسندگان فرانسوی، می‌توان به کتاب حقوق کیفری امور تجاری^۲ تألیف خانم دلماس مارتی،^۳ اشاره نماییم. در این کتاب جرایم اقتصادی، مالی و اجتماعی به تفکیک مورد اشاره قرار گرفته‌اند.^۴

بعقیده نویسنده، جرایم مربوط به شرکت‌ها و مؤسسات اعتباری و مالی، جرایم مربوط به بورس، جرایم مالیاتی و امور بانکی در زمره جرائم مالی قرار می‌گیرند. جرایم اقتصادی به معنای خاص کلمه، جرایم علیه رقابت آزاد تجاری، جرایم مربوط به حقوق مصرف کننده مثل تبلیغات بازرگانی خلاف واقع، کم فروشی را در بر می‌گیرند.

و بالاخره جرایم اجتماعی یا جرایم مربوط به حقوق اجتماعی قابل طرحند که جرایم مربوط به حقوق کار، جرایم مربوط به شهرسازی، محیط زیست و جرایم کارمندان بخش عمومی (جرایم مربوط به مشاغل حرفه‌ای) را شامل می‌شوند.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین

^۲ - Droit penal des affaires

^۳ - این استاد فرانسوی، آثار زیادی در زمینه سیاست جنایت تطبیقی و حقوق کیفری اقتصادی تألیف نموده است. کتاب معروف او تحت عنوان «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی» توسط استاد دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی ترجمه شده است. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: دلماس مارتی، می‌ری، «نظام‌های بزرگ سیاست جنایی» مترجم، نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۱، نشر میزان.

^۴ - این استاد در کتاب خود تأکید کرده‌اند که دسته‌بندی ارائه شده کاربرد آموزشی دارد و لذا جامع و مانع تلقی نمی‌شود، ولی به هر حال در نوع خود، یک معیار است.

۲۳۰۶ مباحثی در علوم جنایی

یکی دیگر از اساتید فرانسوی بنام آقای ژوزف مشنز، اعمال مجرمانه خاص امور تجاری را از اعمالی که به طور غیر مستقیم با امور تجاری مربوط می‌شود، تفکیک کرده است.

از منظر این استاد، جرایم خاص حقوق اقتصادی عبارتند از:

- ۱- سوء استفاده از اموال عمومی یا خصوصی شرکت‌ها که در بخش دولتی، اختلاس و در بخش خصوصی، خیانت در امانت تلقی می‌شود.
- ۲- سوء استفاده از اختیارات (مدیر، حسابدار و ...).
- ۳- سوء استفاده از اعتبارات مثل جرایم مربوط به تبدیل ارز.
- ۴- جرایم مربوط به تأسیس و اداره شرکت‌ها و مؤسسات بازرگانی (افزایش صوری سرمایه شرکت با ارایه بیلان غیر واقع که مستقیماً با امور تجاری مرتبط است).

اما دسته دوم که ذاتاً مربوط به امور تجاری نیستند و از طریق اوضاع و احوال خاصی با دنیای تجارت مرتبط می‌شوند عبارتند از کلاهبرداری، صدور فاکتورهای غیر واقع، استفاده از سفید امضاء، جعل و استفاده از سند مجعول یا جرایم مالیاتی. این دسته‌بندی نیز جهت سهولت در امر آموزش است و هیچ معیار مشخصی برای چنین تقسیم‌بندی وجود ندارد. بنابراین نظام حقوقی داخلی و نیز آموزه حقوقدانان، به یک تعریف واحد نرسیده است. عناوینی که ذیل حقوق کیفری اقتصادی بحث می‌شود، عبارتند از:

سرقت / خیانت در امانت / کلاهبرداری / اعمال نفوذ / بورس / ورشکستگی / هر گونه سوءاستفاده از چک و کارت‌های اعتباری / جعل و استفاده از سند مجعول / جرایم مربوط به تأسیس شرکت‌ها / ربا و اخذ وام / جرایم مربوط به فعالیت و انحلال شرکت‌ها و نظایر آن.

پارلمان و شورای وزیران اتحادیه اروپا^۱، به عنوان یک سازمان بین‌الدول منطقه‌ای که ۲۵ کشور عضو آن هستند و در جهت ایجاد بازار مشترک اقتصادی اسناد لازم‌الاتباعی را تنظیم کرده‌اند و در سال ۱۹۸۱ جرایم علیه اروپایی شدن اقتصاد را دسته‌بندی نموده‌اند.

در این فهرست جرایم ارتكابی توسط کارتلها^۲ و شرکت‌های چند ملیتی از جمله تخلفات مالیاتی، سوء استفاده از موقعیت اقتصادی، جرایم مربوط به اخذ وام^۳ یا اختصاص وام توسط سازمان‌های بین‌المللی یا دولت‌ها به شرکت‌ها یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، قرار دارد.

^۱ - لازم است میان سه اصطلاح تمایز قائل شویم. نخست- شورای وزیران اتحادیه اروپا که معادل Council of the European Union تلقی می‌شود و همراه با پارلمان اروپا (European Parliament) وظیفه قانونگذاری در محدوده اختیارات اتحادیه اروپا را برعهده دارد. بند الف ماده ۱۰۰ معاهده رم مصوب ۱۹۵۶ راجع به تاسیس جامعه اقتصادی اروپا، مبنای فعالیت این نهاد و صدور دستورالعمل‌های آن تلقی می‌شود. این ماده دولتهای عضو را مکلف کرده است تا به منظور تاسیس بازار مشترک اروپا، کلیه دستورالعمل‌های شورای وزیران اروپا را در قوانین داخلی خود لحاظ نمایند.

دوم- شورای اروپایی که معادل European Council و عبارت از اجلاسهای دوره‌ای سران دولتهای عضو اتحادیه اروپا به همراه رئیس کمیسیون اروپایی است که هر چهار سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهند.

سوم- شورای اروپا که معادل Council of Europe است و سازمانی بین‌المللی متشکل از ۴۶ کشور در محدوده قاره اروپا و مناطق مجاور آن تا شمال آسیا می‌باشد. مقر این سازمان در شهر استراسبورگ فرانسه قرار دارد.

^۲ - Cartel - شخصیت حقوقی که به فعالیتهای بازرگانی اشتغال دارد.

^۳ - مثل مواردی که دولت مجوز وارد کردن یا فروش گندم را صادر کرده، لیکن دارنده مجوز با سوءاستفاده از آن کالای دیگری را وارد کرده یا می‌فروشد.

جرایم مرتبط با فن‌آوریهای اطلاعات و ارتباطات از جمله جرایم رایانه‌ای و جرایم قابل ارتکاب در فضای مجازی یا حوزه تجارت الکترونیکی^۱، ایجاد شرکت‌های صوری، دست‌کاری در تراز نامه و تخلفات بازرسین، تقلب نسبت به سرمایه شرکت، عدم رعایت نظامات حرفه‌ای و نقض مقررات ایمنی بهداشتی محیط کار توسط کارفرما، جرایم ارتكابی علیه طلب کاران شرکت‌ها مثل ورشکستگی صوری، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده، جرایم علیه بهداشت و محیط زیست، تبلیغات بازرگانی خلاف واقع، رقابت مکارانه، جرایم گمرکی، جرایم مربوط به پول و ارز^۲، جرایم مربوط به بورس و نظام بانکی، احصا و به دولت‌ها توصیه شده این جرایم را تحت رژیم حقوقی خاصی در آورند. اما در اسناد جهانی مثل اسناد سازمان ملل هم اصطلاح جرایم اقتصادی به کار برده شده و بی‌آنکه تعریفی از این جرایم ارایه شود تنها به بیان مصادیق اکتفا شده است.

بعنوان نمونه می‌توان به کنوانسیون پالرمو مصوب ۲۰۰۰^۳ اشاره کرد که به جرایم مالی و خدماتی سازمان یافته پرداخته است.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

^۲ - Exchange - قانون مجازات معاملات و عملیات ارزی خارج از سیستم بانکی کشور مصوب ۷۳ (قاجاق ارز).

^۳ - United Nations Convention against Transnational Organized Crimes, No. 55,25, 2000, available at: http://www.uncjin.org/documents/conventions/dcatoc/final_documents/383e.pdf

این کنوانسیون به ابتکار عمل کشور ایتالیا و با حضور یکصد و بیست کشور، از جمله ایران در یکی از کانونهای تشکلهای سازمان‌یافته تهکاری، یعنی شهر پالرمو، به تصویب رسیده است. هدف مهم این کنوانسیون، گسترش ساز و کارهای کیفری و غیرکیفری به منظور مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی است. ر.ک.: نجفی ابرنآبادی، دکتر علی‌حسین، «تقریرات درس جرم‌شناسی»، به نقل از جلالی فراهانی، امیرحسین، «پولشویی الکترونیکی» مجله فقه و حقوق، سال اول، بهار ۱۳۸۴، ص.

جرم‌شناسی ۲۳۰۹

این کنوانسیون که به منظور مبارزه موثر علیه جرایم سازمان یافته تدوین شده، تنها به تعریف این جرایم می‌پردازد و در خصوص جرم اقتصادی معیاری به دست نمی‌دهد. در مقابل کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ معروف به کنوانسیون مریدا به طور مستقیم به جرایم اقتصادی پرداخته است. به منظور کاربردی شدن بحث، این اسناد بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نخست- تحلیل کنوانسیون پالمو ۱

ماده یک کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، معروف به کنوانسیون پالمو که در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ برای امضا مفتوح گردید اولین سند بین‌المللی است که با تعریف جرم سازمان یافته، اصطلاح سازمان‌یافتگی را از حیطه جرم‌شناسی به حقوق کیفری وارد نموده است، هدف از تصویب این کنوانسیون را پیشگیری و مبارزه مؤثرتر با جرایم سازمان یافته فراملی اعلام کرده است.

این کنوانسیون جرایم اقتصادی و مالی را مورد توجه قرار داده است و مسلماً تروریسم از شمول آن خارج است، زیرا اگر چه به نوعی سازمان یافته است، ولی از منظر معیارهای مطروحه در ماده ۲ کنوانسیون، سازمان یافته نیست چون جنبه مالی و

¹ - این کنوانسیون در شهر پالمو در نزدیکی سیسیل که قلب مافیای ایتالیا بشمار می‌رود به تصویب رسیده و انتخاب این شهر جنبه سمبولیک دارد و با هدف ابراز انزجار شدید دولت ایتالیا نسبت به جرایم سازمان یافته مافیایی و عزم جدی برای مبارزه با چنین جنایاتی انتخاب گردیده است.

این کنوانسیون پس از امضا و تصویب ۴۰ دولت از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ لازم‌الاجرا گردیده است و دارای سه پروتکل الحاقی است که مصادیق اعمال مجرمانه سازمان یافته را مدنظر قرار داده‌اند و هم اکنون لازم‌الاجرا می‌باشند و عبارتند از:

۱- پروتکل مبارزه علیه قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان.

۲- پروتکل مبارزه علیه قاچاق مهاجرین.

۳- پروتکل مبارزه علیه تسلیحات

دولت ایران هنوز به هیچ یک از این اسناد ضمیمه ملحق نگردیده و تنها به امضای سند اصلی اقدام نموده است.

۲۳۱۰ مباحثی در علوم جنایی

کسب سود ندارد. این کنوانسیون به طور مستقیم به جرایمی که در پی کسب سود^۱ و مالاندوزی انجام می‌شوند، اشاره دارد و ویژگیهای جرم سازمان یافته از منظر این کنوانسیون بشرح زیر قابل بررسی هستند.

۱- ویژگیهای جرم سازمان یافته از منظر کنوانسیون پالمو

الف- جرم سازمان یافته جرایم ارتكابی یک گروه تشکل یافته است که حداقل متشکل از سه نفر بوده و برای یک دوره زمانی مشخص و با هدف ارتكاب یک یا چند جرم شدید یا اعمالی که در این کنوانسیون مطرح شده‌اند و به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منفعت مالی یا سایر منافع مادی، از جمله بهره‌کشی جنسی^۲ بوجود آمده‌اند و به صورت هماهنگ عمل می‌نمایند.

ب- گروه تشکل یافته، گروهی است که برای ارتكاب فوری یک جرم به طور تصادفی تشکیل نشده باشد. استمرار در زمان در مورد این جرم موضوعیت دارد و ملاک تشخیص آن عرف می‌باشد.

ج- گروه سازمان یافته موضوع این کنوانسیون از جرایم توده‌ای و گروههای تبهکاری متفاوت است. بعلاوه اگر افرادی برای ارتكاب یک جرم نظیر سرقت مسلحانه دور هم جمع شوند و پس از ارتكاب جرم متفرق گردند، جرم سازمان یافته محقق نشده است. استمرار در زمان از دیدگاه جرم‌شناسی، خطرناکی بیشتری همراه داشته و آثار زیان بار حاصله از آن به مراتب شدیدتر و شایان توجه‌تر است. مسلماً خطرناکی یک گروه و شبکه مجرمانه موقت از یک گروه سازمان یافته به مراتب کمتر

¹ - Economic exploitation.

² - Sexual Exploitation

جرم‌شناسی ۲۳۱۱

است. بعلاوه باید میان ارتکاب عمل به صورت مشارکتی با ارتکاب عمل به صورت سازمان یافته تفاوت قائل شد.^۱

د- گروه سازمان یافته با طرح و اندیشه قبلی بوجود آمده و در طول زمان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در این گروه تعداد جرایم ارتكابی ملاک نیست، بلکه استمرار در زمان حائز اهمیت است.

ه- این گروهها تقسیم کار دارند. سلسله مراتب دارند و تصمیم گرفته‌اند که برای همیشه و یا برای مدت زمانی مشخص مرتکب جرایمی شوند.

و- فعل ارتكابی به صورت مستمر رخ می‌دهد و این با موردی که عمل مجرمانه ذاتاً مستمر است متفاوت می‌باشد. عبارت دیگر جرایم سازمان‌یافته در بسترهایی قرار می‌گیرند که با همکاری عده‌ای از افراد و در طول زمان ملازمه دارد. ممکن است این جرایم تحت پوشش اعمال ظاهراً قانونی انجام شوند. بعنوان نمونه، تشکیل مؤسسه کارایی در خارج از کشور که بطور مخفیانه به سوء استفاده‌های جنسی، روسپی‌گری اجباری و نظایر آن اشتغال یابد.

ز- این کنوانسیون دو دسته‌بندی از جرایم ارائه داده است. برخی از جرایم در ۴ ماده از این کنوانسیون احصا شده و عبارتند از: مشارکت در یک گروه مجرمانه سازمان یافته (ماده ۵)، تطهیر (ماده ۶)، فساد مالی (ماده ۸) و ایجاد مانع بر سر راه عدالت قضایی یا جرایم علیه عدالت قضایی (ماده ۲۳).

۲۳۱۲ مباحثی در علوم جنایی

دسته دوم این جرایم موارد غیر حصری است و بموجب ماده ۲ کنوانسیون، عبارت از جرایم شدیدی هستند که ماهیتاً فراملی بوده و یک گروه مجرم سازمان یافته در آن دخیل باشند.

جرم شدید از منظر این کنوانسیون جرمی است که:

۱- در بیش از یک کشور ارتکاب یابد.

۲- در یک کشور واحد صورت گیرد اما بخش زیادی از مقدمات، طرح‌ریزی، هدایت یا کنترل آن در کشور دیگری انجام شود.

۳- در یک کشور واحد صورت گیرد اما یک مجرم که در بیش از یک کشور به فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته دست می‌زند در آن دخیل باشد.

۴- در یک کشور صورت گیرد ولی دارای اثرات قابل ملاحظه‌ای در کشور دیگر باشد.

با در نظر گرفتن نص صریح ماده ۳ این کنوانسیون که به دامنه شمول و حوزه عمل کنوانسیون اختصاص یافته جرایم مورد نظر در این معاهده بین‌المللی تمثیلی هستند.

کنوانسیون پالرمو اولین سند بین‌المللی است که جرم سازمان یافته را تعریف نموده و بدین ترتیب اصطلاح سازمان یافتگی را از حیثه جرم‌شناسی به حقوق کیفری وارد نموده است.

ح- گروه‌های سازمان یافته مرامنامه نوشتاری ندارند و تابع یک مرامنامه عملی و رفتاری غیرمکتوب هستند.^۱ لازم نیست که این گروه، توسعه یافته بوده و یا نقش‌های تعریف شده‌ای برای اعضا وجود داشته باشد یا عضویت فرد استمرار داشته باشد.

¹ - Code of conduct

بعنوان نمونه مجازات خیانت به گروه سازمان‌یافته مافیا، بریدن گوش است. این مجازات بعنوان مجموعه مقررات رفتاری حرفه‌ای یا مرامنامه نزد اعضا به رسمیت شناخته شده است.

¹ - در تبصره ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی، مصوب ۶۹ و همچنین در تبصره ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، اصطلاح بانندی و شبکه‌ای به کار رفته است. به نظر می‌رسد این اصطلاح در مفهوم عام و به منظور تشدید مجازات بکار گرفته شده است. مشارکت جنایی در این شبکه‌های مجرمانه با جرم سازمان یافته به مفهومی که در کنوانسیون پالرمو به کار رفته متفاوت است.

جرم‌شناسی ۲۳۱۳

عضویت به مدت کوتاه نیز چنانچه با سایر معیارهای جرم سازمان یافته همراه باشد، تشکیل گروه سازمان یافته را محقق می‌کند.

۲- ویژگی‌های حقوقی کنوانسیون پالمو

مهمترین ویژگی‌های این کنوانسیون بشرح ذیل قابل بررسی هستند:

الف- پیشگیری. ماده ۶ این کنوانسیون به جرم انگاری تطهیر پرداخته است. در ماده ۷ شرایط پیشگیری فنی و وضعی از این جرم مطرح شده است که عبارت از ضرورت حفظ سوابق و گزارش مطالعات مشکوک در تمامی دولتهای عضو است. چیزی شبیه حراست مالی که معاملات را کنترل نماید و اگر چنانچه میانگین حساب فردی از حد معمول فراتر رفته و یا به طرز مشکوکی مبالغ هنگفتی به یک حساب راكد واریز شود، چنین مطالعاتی از سوی بانکها گزارش شود.^۱

در این نوع پیشگیری بحث اصلاح مرتکب مطرح نمی‌شود، و از پیشگیری اجتماعی سخنی به میان نمی‌آید، بلکه هزینه ارتکاب جرم از طریق برقراری دیده‌بانی و نظارت بر حساب‌ها و حواله‌ها بالا می‌رود. به عبارتی یک نهاد دیده‌بانی بر این معاملات حاکم می‌شود تا علاوه بر کنترل معاملات، مشتریان نیز مورد شناسایی قرار گیرند و مرتکب جرم نشوند.^۲

مسلماً برقراری این دیده‌بانی و نظارت بر حساب‌ها و حواله‌ها احتمال کشف جرم را بالا برده و هزینه کیفری ارتکاب جرم را برای مرتکبین افزایش می‌دهد. البته این پیشگیری وضعی با حقوق و آزادی‌های فردی در تعارض و تقابل است، زیرا با ورود به خلوت^۳ افراد و دسترسی به اسرار حساب‌های شخصی ایشان ملازمه دارد.

^۱- این تدبیر به شدت مورد اعتراض برخی دولتها از جمله سوئیس قرار گرفت.

^۲- در فرانسه نهادی اداری به نام تراک فن/ Tracfin وجود دارد که به عنوان ضابط قضایی کلیه معاملات مشکوک را بررسی و به مقامات ذیربط گزارش می‌دهد.

^۳ - Privacy.

۲۳۱۴ مباحثی در علوم جنایی

در توجیه این تعارض گفته شده است که ماهیت جرایم سازمان یافته آن چنان پیچیده است که دولت و ضابطین قضایی امکان اشراف بر آن را ندارند و هزینه مبارزه با آن بسیار زیاد و غیرقابل جبران است. مثلاً دولت سالانه هزینه گزافی صرف مبارزه با قاچاق می‌نماید لیکن مالیاتی از قاچاقچیان دریافت نمی‌کند و این گروهها با استفاده از سوبسید و امنیتی که دولت ایجاد می‌کند بدون هیچگونه هزینه‌ای به سودهای سرشار دست می‌یابند.

ملاحظه می‌شود که در کشورهای مردم سالار برخی از اصول مسلم جرم‌شناسی، حقوق کیفری و حقوق بشر به بهانه صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پیچیدگی جرایم سازمان یافته، متزلزل شده است.

ب- اصل برائت

در مبارزه با جرم سازمان یافته بار اثبات دلیل نیز جابجا می‌شود (بند ۷ ماده ۱۲). که این عدول از اصول حقوق بشری با احتیاطهای بسیار و در جهت مبارزه با جرایم شدید و پیچیده قابل پذیرش است. بعبارت دیگر شدت خطرناکی این جرایم موجب نقض برخی اصول حقوق بشری و تعرض به حق خلوت شهروندان شده است و از جمله به دولتها اجازه داده شده که اصول مربوط به حفظ اسرار حسابهای مشتریان بانکها را محدود نمایند.

برخی نیز گفته‌اند این امر تنها در دولتها مردم‌سالار پذیرفتنی است زیرا این حکومتها همه امکانات دفاعی را در یک محاکمه ترافیعی برای متهم فراهم می‌نمایند. و در این نظامها حق تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی، انجام یک دادرسی عادلانه، حق داشتن وکیل و سایر حقوق دفاعی متهمین به رسمیت شناخته می‌شود.

جرم‌شناسی ۲۳۱۵

پس کنوانسیون خواهان جابجایی بار اثبات دلیل، در کشورهای اقتدار گرا و غیر مردم سالار نخواهد بود. چرا که در این گونه کشورها رسیدگی به طور عادلانه، علنی و توافقی صورت نمی‌پذیرد.^۱

۳- ویژگی‌های جرم‌شناختی کنوانسیون پالرمو

این کنوانسیون از دیدگاه جرم‌شناسی ویژگی‌هایی دارد که به این ترتیب قابل بررسی هستند:

الف- ماده ۹ کنوانسیون ناظر به فرد مرتکب است و به ارتقاء سطح درست کاری و اخلاق حرفه‌ای افراد توجه دارد. این درست‌کاری، بعد اخلاقی دارد و منظور از این ماده ترویج پیشگیری غیرکیفری و این رویکرد است که موانع اخلاقی شخصی و فردی می‌توانند مانع از ارتکاب جرم گردند.^۲

^۱ - قانون امنیت و میهن دوستی آمریکا، نمونه بارز قوانین ناقض حقوق بشر است چرا که به حق خلوت افراد تجاوز می‌کند. این قانون به پلیس فدرال اجازه می‌دهد که تلفن افراد را شنود کند. لیکن اگر حق فردی تضییع شد، می‌تواند علیه پلیس شکایت نماید. در حالی که در کشور چین از نظر سیاسی چنین حقی وجود ندارد.

^۲ - پیشگیری غیر کیفری همچنانکه از عنوانش معلوم است، پیش از ارتکاب جرم مورد توجه قرار می‌گیرد و بر دو نوع است. پیشگیری «فنی - صنفی» که ناظر بر بزه دیده بالقوه یا آماج بزه است. و پیشگیری فردی که عبارت از پیشگیری اجتماعی و تقویت اخلاق حرفه‌ای و قدرت خود کنترلی در فرد است. در پیشگیری فنی، از طریق مداخله در جهت مصون‌سازی افراد بالقوه بزه دیده، مجرمین بالقوه را از ارتکاب جرم منصرف می‌نماییم. بعبارت دیگر با تقویت افرادی که در معرض بزه دیدگی هستند، امکان ارتکاب جرم را از بین می‌بریم. بهترین نمونه از این پیشگیری، نصب دوربین‌های مداربسته در مکانهای عمومی است که کنترل رفتارهای اجتماعی شهروندان را در محیطهای پرازدحام امکان‌پذیر می‌سازد. نصب دیوار آتشین (firewall) بر روی رایانه کارگذار (server) یا دستگاههای خدمات‌رسان شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای سازمانها و مؤسسات دولتی و غیردولتی، نیز از آنجا که موجب مصون‌سازی سیستم‌های رایانه‌ای از نفوذ غیرمجاز و سوءاستفاده از داده‌پیام‌ها می‌شود، نوع پیشگیری فنی در مبادلات الکترونیکی تلقی می‌شود.

۲۳۱۶ مباحثی در علوم جنایی

ب- بند ۲، پاراگراف اول ماده ۳۱ کنوانسیون نیز ناظر به پیشگیری غیرکیفری فنی است و در بند ۳ همین ماده جذب و ادغام مجرد محکومین که در تعبیر جرم شناختی، بازپروری تلقی می‌شود، مورد اشاره قرار گرفته است.

ج- در ماده ۲۳ ایجاد مانع برای اجرای عدالت قضایی مورد جرم انگاری قرار گرفته است. جرم موضوع این ماده فی نفسه جرم سازمان نیافته نیست. لیکن به طور غیر مستقیم جرم سازمان یافته تلقی می‌شود. تشکل‌ها و سازمان‌های جنایی در جهت کسب درآمد و کاهش هزینه‌های کیفری خود، از هیچ اقدامی رویگردان نیستند. این افراد برای فرار از اجرای عدالت و برای کاهش یا معافیت از مجازات آمادگی ارتکاب هر نوع عملی را دارند و ممکن است برای دسترسی به اهداف خود، خانواده قضات، شهود یا مطلعین را از بین ببرند.

این امور باعث می‌شود که مجرمین هزینه کیفری نپردازد و یا به صورت بسیار جزئی متحمل این هزینه شوند. اقدامات مافیای ایتالیا بهترین نمونه از انجام اقدامات مخالف عدالت قضایی تلقی می‌شود. این گرو برای تحت الشعاع قرار دادن محاکمات قضایی قاضی دادگاه را نیز ترور می‌نمایند و گاه برای فرار از مجازات رئیس جمهور و مقنن را نیز تطمیع می‌نمایند، تا موجبات تصویب قوانین را فراهم آورند که به نفع آنها است. این امور به کاهش هزینه‌های کیفری منجر می‌شود.

د- دو ماده ۲۴ و ۲۵ این کنوانسیون نیز ناظر بر ماده ۲۳ هستند و در مواردی که بیم انتقام جویی یا ارباب بزه‌دیدگان جرایم سازمان یافته از سوی بزه‌کاران وجود دارد، این گروه را مورد حمایت ویژه قرار می‌دهند.

ولی در پیشگیری فردی، مرتکب را تربیت و به نوعی بازپروری اخلاقی می‌کنیم و در هر دو مورد خارج از نظام کیفری قرار داریم.

جرم‌شناسی ۲۳۱۷

به علاوه ماده ۲۴ نیز تأسیس جدیدی^۱ را در مقام حمایت از شهود این گونه جرایم، تدابیری را مطرح نموده است و از دولتهای عضو خواسته تا مقرراتی را وضع و تدابیری را اتخاذ کنند که اقامتگاه این افراد در موارد لزوم تغییر نموده و اطلاعات هویتی و اقامتگاه ایشان افشاء نگردد. به علاوه امکان استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطات نظیر ارتباطات ویدیویی و سایر روشها از جمله ادای شهادت بصورت گمنام یا تغییر چهره شهود، امنیت این گروه را تضمین نمایند.

حفظ این امنیت بسیار حائز اهمیت است زیرا در بسیاری از موارد نه تنها خود شهود بلکه نزدیکان و خویشان ایشان مورد تهدید قرار می‌گیرند. حمایت از این گروهها نیز در ماده ۲۴ مورد اشاره قرار گرفته است.

دوم- تحلیل کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا)^۲

عناوین مجرمانه مطروحه در این کنوانسیون عبارتند از:

- ۱- پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری (ماده ۱۵)؛
- ۲- پرداخت رشوه به مقامات دولتهای خارجی و مقامات سازمان‌های عمومی بین‌المللی (ماده ۱۶)؛
- ۳- اختلاس، حیف و میل و سایر جرایم مالی توسط مقامات دولتی (ماده ۱۷)؛
- ۴- اعمال نفوذ و تبانی در معاملات (ماده ۱۸)؛
- ۵- سوء استفاده از وظایف (ماده ۱۹)؛
- ۶- کسب ثروت‌های نامشروع (ماده ۲۰)؛

۲۳۱۸ مباحثی در علوم جنایی

۷- پرداخت رشوه در بخش خصوصی (ماده ۲۱)؛

۸- اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)؛

۹- تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳)؛

۱۰- اخفا ماهیت و منشاء عواید مجرمانه (ماده ۲۴)؛

۱۱- ممانعت از اجرای عدالت (ماده ۲۵).

کنوانسیون علاوه بر طرح اقدامات و تدابیر بازدارنده در برخی موارد جرم‌انگاری نموده و پیشنهادهایی را به دولتهای عضو ارائه داده است که به ترتیب بدان می‌پردازیم؛
اول- تدابیر بازدارنده: اقدامات و تدابیر پیشگیرانه و بازدارنده مطروحه در این کنوانسیون در دو دسته‌بندی پیشگیری غیرکیفری و کیفری قابل بررسی هستند.

الف- پیشگیری غیر کیفری: ابعاد مختلف این پیشگیری از جهات ذیل قابل بررسی است:

سیاستها و روشهای پیشگیری در فساد مالی: ماده ۵ کنوانسیون از دولتهای عضو خواسته است تا قوانین شفافی را در جهت مبارزه و پیشگیری از فساد تصویب نموده و این اسناد و تدابیر اجرایی را به طور مرتب مورد ارزیابی قرار دهند و از کافی بودن، عدم ابهام و روزآمد بودن آنها برای جلوگیری و مبارزه علیه فساد مالی اطمینان حاصل کنند، تا زمینه‌ای برای سوءاستفاده مجرمین وجود نداشته باشد. تصویب قوانین جدید باید بگونه‌ای باشد که موجب تورم قوانین نگردد و مراجع رسیدگی موازی ایجاد نکند و تعارضی با قوانین موجود نداشته باشند.

مسئله به روز کردن قوانین با توجه به پویایی و روزآمد شدن جرایم و تخصص بزهکاران امری ضروری است^۱ که از طریق بررسی کارنامه اجرا و اعمال قوانین با

^۲ - این تأسیس نوین در اساننامه رم نیز لحاظ شده است و حائز اهمیت فراوان است.

^۲ - این کنوانسیون در شهر مریدا در کشور مکزیک برای امضاء دولت‌ها رسماً آرایه و مفتوح گردید، و موضوع آن مبارزه با جرایم اقتصادی و فساد اداری و مالی است و یازده جرم را احصاء نموده که ۱۰ مورد آن جرم اقتصادی و مورد آخر ایجاد مانع بر سر راه عدالت قضایی است. الحاق رسمی به این کنوانسیون هم‌اکنون در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد. این کنوانسیون با الحاق کشور اکوادور به عنوان چهلمین کشور تصویب کننده، لازم‌الاجرا گردید.

^۱ - باید به این نکته توجه داشت که بزهکاران اقتصادی با آگاهی از نواقص، ابهامات و خلاءهای موجود در قوانین به آسانی مرتکب جرایم مالی شده و در عین حال از عواقب اعمال خود رهایی می‌یابند.

جرم‌شناسی ۲۳۱۹

استفاده از روش‌های ارزیابی و سنجش سیاست جنایی صورت می‌پذیرد و در پرتو نتایج حاصل از این ارزیابی، تجدید نظر و روزآمدسازی قوانین امکان‌پذیر می‌شود. در این بازنگری‌ها، تجربه سایر کشورها و اسناد بین‌المللی نیز بسیار مهم است. بند چهارم این ماده با اشاره به جهانی شدن بزهکاری اقتصادی و به جهانی شدن و منطقه‌ای شدن سیاست‌های پیشگیری از این جرایم می‌پردازد.^۱

این مسئله در خصوص جرایمی همچون تطهیر، بویژه از طریق نظام بانکداری الکترونیکی^۲ و نیز ارتشاء بین‌المللی نمود بیشتری پیدا می‌کند. در هزاره سوم جرایم اقتصادی و نیز جرایم تروریستی از اهمیت فراوانی برخوردارند و مبارزه با آنها از عهده یک کشور خارج است.

نهادهای بازدارنده از فساد مالی

ماده ۶ کنوانسیون مریدا به نهادهای باز دارنده از فساد مالی اختصاص دارد و از دولتهای عضو خواسته است تا با تشکیل نهادهایی برای مبارزه با فساد، امکان اجرای تدابیر موضوع ماده ۵ را بوجود آورند. بعلاوه، این ماده به نقش این نهادها و نیز اطلاع رسانی و گسترش آگاهیهای عمومی و فرهنگ‌سازی علیه فساد و تقبیح آن

۲۳۲۰ مباحثی در علوم جنایی

اشاره می‌نماید.^۱ تأثیر این تقبیح و فرهنگ‌سازی به حدی است که به نحوی باعث می‌شود که مجرمین مالی در قضاوت‌های عمومی و حتی شخصی از خود، مجرم تلقی و مورد سرزنش قرار گیرند.^۲ بکارگیری افراد واجد صلاحیت:

ماده ۷ کنوانسیون به اتخاذ روش‌هایی جهت گزینش، استخدام، و بکارگیری افراد شایسته‌ای که واجد شرایط اخلاقی و توانایی علمی و عملی لازم هستند اشاره دارد.^۳ مدیریت ضعیف آثار نامطلوب و بیشمار به دنبال دارد و زمینه ساز وقوع جرم می‌شود. شایسته‌سالاری و ارتقاء شغلی شفاف، نوعی پیشگیری فنی تلقی می‌گردد.

بند ۲ ماده ۷ ضوابط مربوط به اعلام نامزدی و متعاقباً تصدی و انتخاب برای سمت‌های دولتی را اعلام نموده و مواردی همچون نداشتن سوء پیشینه کیفری یا عدم اعتیاد، که اقداماتی احتیاطی و پیشگیرانه تلقی می‌شوند، مورد توجه قرار گرفته است.

بند ۳ به لزوم شفاف بودن منابع مالی و خزانه‌های احزابی که برای نامزدهای سمت‌های دولتی فعالیت می‌کنند، اشاره دارد، زیرا از آنجا که گرایش‌های سیاسی در شکل‌گیری و تغییر دولت بسیار حایز اهمیتند، چه بسا یک کشور خارجی موافق با یک حزب یا گرایش سیاسی خاص، هزینه انتخاب یک رئیس‌جمهور را در کشور

^۱ - مثلاً از طریق رسانه‌های گروهی، اعم از دیداری و شنیداری، می‌توان در خصوص مضرات عدم پرداخت مالیات اطلاع رسانی کرد.

^۲ - بعنوان نمونه فرهنگ‌سازی و تقبیح کودک‌آزاری موجب تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ گردیده است. [به نقل از مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۶]، یا تقبیح موارد سوءاستفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای زمینه تصویب قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹ شد [برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین].

^۳ - در برخی کشورها به شایسته‌سالاری بی‌توجهی شده و تبارگماری صورت می‌پذیرد. باید توجه داشت که ممکن است یک استاد موفق دانشگاه، وزیر شایسته‌ای نباشد و با سوء مدیریت زمینه را برای فساد اداری فراهم کند.

^۱ - با توجه به این نکته بنظر می‌رسد مهار جرایم اقتصادی از طریق قانونگذاری داخلی کشورها امکان‌پذیر نیست و ارتباط اقتصادی تنگاتنگ میان کشورها، همکاری جهانی را در مبارزه با این بزهکاری طلب می‌کند. این هماهنگی از ایجاد حوزه‌های این بزهکاری و بهشت‌های کیفری جلوگیری می‌نماید، زیرا مبارزه با جرایم این چنینی یک عزم بین‌المللی و همکاری جهانی را می‌طلبد. بعنوان نمونه، ایران در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر بسیار فعال عمل می‌کند، لیکن عملکردهای کشورهایی همچون پاکستان و افغانستان که بخشی از بودجه عمومی خود را از طریق کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر تأمین می‌کنند، تدابیر و فعالیت‌های ایران را با شکست مواجه می‌کند.

^۲ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

جرم‌شناسی ۲۳۲۱

دیگری پردازد. بند ۴ نیز به تقویت ساز و کارهایی جهت شفاف‌تر شدن نظام استخدامی و جلوگیری از تضاد منافع افراد اشاره دارد عدم تبعیض بر اساس سن، جنس و امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی برای عموم، از مهمترین این سازوکارها تلقی می‌شوند.

بعلاوه، در بند پ این ماده به مسئله حقوق کارمندان و افزایش قدرت خرید متناسب با تورم اقتصادی نیز اشاره شده است، که بنوعی پیشگیری وضعی تلقی می‌شود.

بند ت این ماده به ارتقای سطح آگاهی کارمند از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی اشاره می‌کند. ارتقای سطح آگاهی زمینه‌های انحراف مالی در حین اجرای وظایف را کاهش می‌دهد و پیشگیری فردی (اجتماعی) بشمار می‌رود. این آموزش‌ها هزینه ارتکاب جرم را برای مجرم بالا می‌برد.

۴- تقویت اخلاق حرفه‌ای کارکنان بخش عمومی:

ماده ۸ ناظر به تقویت اخلاق حرفه‌ای دولت مردان و کارمندان بخش عمومی است و به تسهیل و ایجاد امکاناتی اشاره دارد تا مقامات دولتی بتوانند، بلافاصله پس از آگاهی نسبت به مفاسد مالی، گزارش آنرا به مراجع صلاحیتدار ارائه دهند.

۵- شفافیت در نظام معاملات دولتی:

ماده ۹ کنوانسیون بر رعایت اصول شفافیت و رؤیت پذیری در معاملات عملیات دولتی، به ویژه در امور حسابرسی تأکید دارد. اهمیت این امر به حدی است که در سطح بین‌الملل و نیز در برخی کشورها، سازمان‌های غیردولتی وجود دارند که رسالت خود را، نظارت مردمی و جامعوی بر اقدامات و عملیات مالی نهادهای عمومی اعلام نموده‌اند.

بموجب ماده ۱۰، تشکیلات دولتی موظفند در جهت بالا بردن شفافیت در مدیریت، و ساماندهی نحوه اجرای وظایف خود تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. این

۲۳۲۲ مباحثی در علوم جنایی

تدابیر، از جمله، عبارتند از: حذف تشریفات اداری به منظور تسهیل دسترسی مردم به مقامات صلاحیتدار تصمیم گیرنده، تصویب آیین نامه‌هایی به منظور مراجعه مستقیم عموم به اطلاعات مربوط به روند سازماندهی وظایف سازمانهای دولتی و اطلاع رسانی عمومی از طریق انتشار گزارش‌های دوره‌ای در خصوص تصمیم‌گیریهای مالی اشتباه. موارد فوق نیز پیشگیری فنی تلقی می‌شوند و زمینه فساد اداری را از بین می‌برند.

۶- ارتقاء سطح استقلال قضایی.

ماده ۱۱ کنوانسیون نیز به اعمال تدابیری به منظور ارتقاء سطح استقلال قضات، تشکیلات قضایی و دادسرا می‌پردازد.

ب- پیشگیری کیفری:

پیشگیری کیفری نیز در این کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته و از جهات ذیل قابل بررسی است:

۱- توسل به نظام ضمانت اجراها: ماده ۱۲ کنوانسیون به ضمانت اجراها پرداخته است. باید توجه داشت که در حقوق کیفری اقتصادی، ضمانت اجراها الزاماً کیفری نیستند و انواع دیگری همچون ضمانت اجراهای اداری، انضباطی، صنفی، انتظامی و مدنی نیز در خصوص مورد قابل اعمال است. ضمن اینکه ضمانت اجراهای مدنی به دو نوع تقسیم می‌شود و گاه ناظر بر جبران خسارت، رد مال و پرداخت غرامت است و گاه ناظر به حقوق شهروندی بوده و با حقوقی که هر فرد به عنوان عضو جامعه دارد مرتبط می‌شود. از اینرو محرومیت از شرکت در مناقصات، که در بند یک ماده ۱۲ مورد اشاره قرار گرفته، یک ضمانت اجرای مدنی است.

بعلاوه در بند دوم قسمت ج این ماده به استفاده از اهرم‌های کنترل حسابرسی داخلی برای ردیابی سوء استفاده‌های مالی اشاره شده است. و در بند سوم در ۶ مورد، جرم انگاری برخی اعمال را خواستار گردیده است، ضمن اینکه کسر هزینه‌های

جرم‌شناسی ۲۳۲۳

پرداخت رشوه و سایر تخلفات مالی از بودجه عمومی سازمان و درج آن در صورت هزینه‌ها ممنوع اعلام شده است. این عمل امروزه تحت عنوان رشاء و ارتشاء بین‌المللی مطرح می‌شود.^۱

۲- امکان مشارکت عمومی در اعلام جرم: ماده ۱۳ با ایجاد امکان مشارکت جامعه در اعلام جرم یکی دیگر از جلوه‌های تأثیر جرم‌شناسی بر حقوق کیفری^۲ است و به نوعی مردم را در مشارکت در اعلام جرم ترغیب می‌نماید تا بتوانند به صورت گمنام اعلام جرم کنند. این تمهید در ماده ۱۳ این کنوانسیون و پیش از آن در سال ۲۰۰۰ یعنی در کنوانسیون پالرمو مورد اشاره قرار گرفته است.

۳- بازپروری و اصلاح بزهداران: در بند ۱۰ ماده ۳۰ کنوانسیون به اصلاح و بازپروری مجرمین اشاره و تأکید شده است که کشورهای عضو باید امکان جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن مجدد مرتکبان این جرایم را فراهم نمایند.

دوم- جرم‌انگاری^۳

^۱- این عمل در گذشته در کشور ایران نیز رایج بوده است.

^۲- کنوانسیونهای پالرمو و مریدا، از یک سو حاوی مقررات حقوقی هستند و از سوی دیگر پیام‌های سودمند جرم‌شناسی دارند. به عبارت دیگر در سال‌های اخیر کنوانسیون‌ها نیز به نحو قابل توجهی از رویکردهای جرم‌شناسانه تأثیر پذیرفته و همواره اقدامات پیشگیرانه را نیز لحاظ نموده‌اند.

^۳- در کنوانسیون‌های بین‌المللی به هر ماده یک عنوان اختصاص داده می‌شود که نشانگر آن ماده است، بر خلاف قوانین داخلی که فقط به باب بندی و فصل‌بندی می‌پردازند. کنوانسیون‌هایی که به جرم‌انگاری می‌پردازند، صرفاً به ارائه تعریفی از جرم اکتفا کرده و به مجازات اشاره‌ای ندارند، چرا که تعیین مجازات امری داخلی بوده و با حاکمیت دولت‌ها اصطکاک دارد و دولت‌ها در برابر هر مداخله‌ای که حوزه حاکمیت آنها را محدود کند، از خود واکنش نشان می‌دهند. بعبارت دقیق‌تر، وضع جرم در کنوانسیون‌ها به نوعی تأکید بر لزوم تقبیح و جرم‌انگاری آن عمل بوده و شیوه‌ای است که کشورها برای تعریف جرم در قانون داخلی از آن الگو برداری کنند. بهترین نمونه از این دست، قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ است که با الهام از کنوانسیون

۲۳۲۴ مباحثی در علوم جنایی

این کنوانسیون به طور ویژه به مبارزه با فساد پرداخته و تعاریفی از اشکال گوناگون آن ارائه کرده است.

ماده ۱۵ کنوانسیون که به مشکل قدیمی دولتها، یعنی پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشور اشاره کرده نقطه عطفی در تحولات حقوق اقتصادی به شمار می‌رود. در گذشته رقابت بین کشورهای صنعتی و صادرکننده کالا و خدمات، ایجاب می‌کرد که به نمایندگان کشورهای خریدار حق‌العمل بپردازند، و پرداخت این حق‌العمل یا پورسانت از سوی شرکت فروشنده به خریدار خارجی یک امر عرفی بوده و شرکت‌های صادرکننده در پایان هر سال، مبالغی که به عنوان پورسانت پرداخته بودند، رسماً به عنوان هزینه‌ها و مخارج عمومی شرکت اعلام و این هزینه‌ها از میزان درآمد مشمول مالیات شرکت کسر می‌شد.

پالرمو و پروتکل‌های الحاقی آن صورت گرفته است. اگر چه الحاق به این کنوانسیون هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. یا تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ که تحت تأثیر قواعد نمونه کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۶ صورت پذیرفته است. بعلاوه این کنوانسیونها مستقیماً قابل اعمال و استناد نیستند، و قاضی برای صدور حکم نیازمند تطبیق مسئله با احکام و قوانین داخلی است. بعنوان نمونه قاضی نمی‌تواند برای صدور حکم در یک پرونده قاچاق مواد مخدر، به کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان ۱۹۸۸، که ایران نیز به آن ملحق شده است، استناد کند، بلکه موظف است حکم خود را با استناد به قوانین مرتبط داخلی صادر نماید. هدف از تصویب این کنوانسیونها کمک به ارتقای همکاری و هماهنگی دولت‌ها در مبارزه با جرایمی است که نظم و امنیت بین‌المللی را خدشه دار می‌کند. نکته مهمی که در این کنوانسیون قابل ذکر است، اینکه اولاً: بخشی از مواد آن به مباحث جرم‌شناسی و تدابیر پیشگیرانه اختصاص دارد؛ ثانیاً: در ادامه روند جرم‌انگاریهای کنوانسیون پالرمو، مجدداً جرایم تطهیر، اختفاء عواید مجرمانه ارتشاء و اختلاس را که به نوعی فساد مالی تلقی می‌شوند و نیز جرایم مانع اجرای عدالت قضایی را مورد شناسایی قرار داده است.

جرم‌شناسی ۲۳۲۵

بعبارت دیگر، به اقتضای بالا بردن میزان صادرات، پرداخت پورسانت راهی برای افزایش میزان صادرات تلقی می‌شد.

لیکن امروزه مقنن فرانسوی، پرداخت چنین رشوه‌ای را جرم انگاری کرده است و شرکت فرانسوی صادر کننده را بعنوان راشی و شخص خریدار خارجی را به عنوان مرتشی قابل تعقیب اعلام و دادگاه‌های فرانسه صلاحیت رسیدگی به چنین اتهامی را خواهند داشت.

در ایران نیز تا قبل از تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در سال ۱۳۷۲، پرداخت پورسانت در معاملات خارجی یک امر عرفی تلقی می‌شد. لیکن به دنبال تصویب این قانون، گرفتن پورسانت ممنوع اعلام شد^۱ و افراد مکلف شدند که مبالغ اخذ شده را به خزانه دولت واریز و یا مراتب را به واحد مربوطه اعلام نمایند، از اینرو اخذ پورسانت و عدم واریز آن به خزانه، یا عدم اعلام آن جرم تلقی گردید. زیرا ممکن بود به ضرر دولت تمام شود و دولت برای حفظ منافع خود این عمل را ممنوع اعلام کرد.

ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز قرائت دیگری از این جرم‌انگاری تلقی می‌شود. بموجب این ماده، «هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده ۵۹۸ که بالمباشره یا با واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور

^۱ - ماده واحده- قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است، مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می‌شود.

۲۳۲۶ مباحثی در علوم جنایی

از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص با سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیبه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن شود به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال و یا مجازات نقدی از سه تا ۳۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

لازم به ذکر است که ماده واحده مصوب ۱۳۷۲، مربوط به ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی است، ولی ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی کلیه معاملات را علی‌الاطلاق مورد توجه قرار داده است. ضمن اینکه هر دو این قوانین، به مرتشی توجه داشته و مجازاتی برای راشی تعیین ننموده‌اند.

ماده ۱۶ کنوانسیون نیز بر روند جهانی مبارزه با ارتشاء بین‌المللی صحه گذاشته است. دلایل جرم‌انگاری ارتشاء در این کنوانسیون در چند محور قابل بررسی است:

اول: از آن جهت که رقابت سالم بین‌المللی را خدشه‌دار و باعث مغیون شدن کشورهای پرهیزگار و متقی می‌گردد.

دوم: به این علت که جهانی شدن اقتصاد در سال‌های اخیر موجب شده که سرنوشت دولت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی تجاری محدود به سطح ملی و داخلی نباشد. امروزه دولت‌هایی موفقند که در امر صادرات و ارزآوری و رقابت بین‌المللی موفق باشند. پرداخت رشوه یا پورسانت این فرصتها را در نظام اقتصادی جهانی نابرابر می‌کند. از اینرو به منظور مبارزه با این نابرابری‌های اقتصادی و در جهت سالم سازی روابط اقتصادی بین‌المللی، ارتشاء بین‌المللی جرم انگاری شده است.

جرم‌شناسی ۲۳۲۷

سوم: از این جهت که مجرم دانستن مرتشی، موجب کاهش موارد رشوه و تعداد افراد راشی می‌شود. رشوه، حقوق مصرف کنندگان را مخدوش می‌کند و سبب می‌شود که خدمات عمومی که باید به طور برابر و رایگان در اختیار شهروندان قرار گیرد، به گونه‌ای نابرابر و با تحمیل هزینه‌های بسیار تأمین شود و به این ترتیب تبعیض فاحشی میان اشخاصی که رشوه می‌پردازند و اشخاصی که به این کار مبادرت نمی‌ورزند وجود داشته باشد. این امر سبب طبقاتی و خصوصی شدن خدمات دولتی می‌شود، و نهاد دولتی را به یک نهاد خدماتی خصوصی تبدیل می‌کند. بدین صورت که بهره‌برداری و برخورداری بیشتر را برای راشی به ارمغان می‌آورد و این بر خلاف حقوق شهروندی است.

بعلاوه کشورهایی که در سطح بین‌المللی رشوه می‌دهند، عمدتاً کالاهای معیوبی به کشور خریدار عرضه می‌کنند، و با این عمل، شکاف و نابرابری اقتصادی بین دولت‌ها ایجاد می‌کنند.

مرتشی که با اخذ رشوه در معاملات خارجی، کالاهای معیوب یا گران خریداری می‌کند، موجب تضعیف کشور خود می‌شود و نوعی نابرابری ایجاد می‌کند. از اینرو ارتشاء بین‌المللی یک مقوله حقوق بشری تلقی می‌شود.

چهارم اینکه: هر رشته‌ای یک سلوک اخلاقی و حرفه‌ای خاص خود دارد که رعایت آن، موجب اعتبار آن صنف و متصدیان آن حرفه می‌شود.

افرادی که مرتکب ارتشای بین‌المللی می‌شوند، اتحادیه صنف و به دنبال آن دولت خویش را به لحاظ اخلاقی و سیاسی بی اعتبار می‌کنند. بعبارت دیگر مخدوش شدن سلامت اقتصادی کشور، قضاوت بین‌المللی از مقوله‌های فرهنگی و سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و این شائبه را ایجاد می‌کند که دولت از طریق رشوه و ارتکاب اعمال خلاف برخی اهداف خویش را پیش می‌برد.

۲۳۲۸ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۲۱ پرداخت رشوه در بخش خصوصی را مورد اشاره قرار داده است. بموجب این ماده «هر کشور عضو اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به صورت بین‌المللی در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد، جرم کیفری کیفری تلقی شود:

الف - وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی مورد به هر شخص، که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید؛

ب- درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیر پا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد.»

بر خلاف مقنن ایرانی که جرم انگاری ارتشا را مختص بخش عمومی و دولتی دانسته و سمت داشتن مرتشی را از اجزاء عنصر مادی این جرم تلقی کرده است، این کنوانسیون مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته، زیرا در غالب کشورهای جهان عمده سرمایه‌گذاری‌ها و اشتغال در بخش خصوصی صورت می‌پذیرد و اقتصاد کشور توسط این بخش اداره می‌شود. بعبارت دیگر از آنجا که امروزه بخش خصوصی وظایفی را که در انحصار نهادهای عمومی دولتی بوده، بر عهده گرفته است، از اینرو با تغییر ماهیت این فعالیت‌ها، انواع فساد مالی از جمله ارتشاء در چنین بسترهایی نیز ممکن است به وقوع بپیوندد.

ب- اختلاس: مواد ۱۷ و ۲۲ به اختلاس در بخش‌های عمومی و خصوصی اشاره دارد.

جرم‌شناسی ۲۳۲۹

«ماده ۱۷- حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقامهای دولتی

هر کشور عضو قوانین و سایر اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد نمود تا حیف و میل، اختلاس و دیگر استفاده‌های غیرمجاز از هر مال یا وجوه دولتی یا شخصی یا اوراق بهادار یا هر چیز دیگر با ارزش توسط مقام دولتی در جهت منافع خود یا هر شخص یا واحد دیگر که بنا به موقعیت شغلی او به وی واگذار شده است، در صورتی که به صورت بین‌المللی ارتکاب یابد، جرم تلقی گردد.»

«ماده ۲۲- اختلاس اموال در بخش خصوصی

هر کشور عضو اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا ارتکاب اختلاس در حین فعالیتهای اقتصادی، مالی یا بازرگانی، توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، از هر مالی، وجوه خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزشی که به موجب جایگاه شغلی وی، به او واگذار شده است، در صورتی که به صورت بین‌المللی ارتکاب یافته باشد، به عنوان جرم کیفری تلقی گردد.»

این ممنوعیت، با سیاست جنایی تقنینی برخی کشورها همچون مصر که اختلاس را تنها ناظر به بخش عمومی ندانسته و به بخش خصوصی نیز تسری داده‌اند هماهنگی دارد. بعلاوه. ماده ۲۰ این کنوانسیون تحت عنوان ثروت‌های نامشروع یادآور اصل ۴۹ قانون اساسی و نیز قانون مصوب ۱۳۳۷، تحت عنوان قانون «از کجا آوردی»، می‌باشد که البته هرگز اجرا نشد و به عبارتی یک قانون مرده متولد شده بود. ج- تطهیر و اختفای اموال ناشی از جرم: مواد ۲۳ و ۲۴ کنوانسیون به تطهیر و اختفای اموال ناشی از جرم اختصاص دارد که عناوین مجرمانه قابل تفکیکی می‌باشند. بموجب ماده ۲۳ کنوانسیون،

۲۳۳۰ مباحثی در علوم جنایی

«۱- هر کشور عضو طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، قوانین و اقداماتی ضروری را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر در صورتی که به صورت بین‌المللی ارتکاب یابند، جرم کیفری تلقی گردد:

الف -

تبدیل یا انتقال اموالی که مشخص است از عواید جرم بدست آمده است، با هدف تغییر دادن یا مخفی کردن منشاء غیرقانونی اموال یا کمک به هر شخصی که در ارتکاب جرم، دخیل بوده به منظور گریز از عواقب قانونی عمل خود:

تغییر دادن یا مخفی کردن ماهیت واقعی، منبع، موقعیت، انتقال، جابجایی یا مالکیت یا حقوق در رابطه با اموالی که مشخص است از عواید جرم بدست آمده است.

ب -

استملاک، مالکیت یا استفاده از اموالی که در زمان دریافت، مشخص است که از عواید جرم بدست آمده است؛

مشارکت، همکاری یا تبانی در توطئه جهت ارتکاب، تلاش برای ارتکاب و کمک، برانگیختن، تسهیل و مشاوره در ارتکاب هر جرمی که طبق این ماده احراز شده است؛

۲- از نظر اجرا یا بکارگیری بند (۱) این ماده:

الف) هر کشور عضو در صدد خواهد بود تا بند (۱) این ماده را تا گسترده‌ترین حد جرایم متناسب بکار گیرد.

ب) هر کشور عضو حداقل حد جامعی از تخلفات کیفری احراز شده طبق این کنوانسیون را به عنوان جرایم انتسابی به حساب خواهد آورد.

از نظر ردیف (ب) فوق، جرایم انتسابی، شامل جرایم ارتکاب یافته هم در داخل و هم خارج از حوزه صلاحیت کشور عضو مورد بحث خواهد بود. به هر حال جرایم

جرم‌شناسی ۲۳۳۱

ارتكابی در خارج از حوزه صلاحیت یک کشور عضو تنها زمانی جرم کیفری تلقی خواهد شد که رفتار مربوط، طبق قانون داخلی کشوری که جرم در آن ارتکاب یافته است، جرم کیفری تلقی شود و طبق قانون داخلی کشور عضوی که این ماده را اعمال یا اجرا می‌نماید در صورت ارتکاب در آنجا نیز، جرم کیفری تلقی شود.

ت) هر کشور عضو نسخی از قوانینی که این ماده را قابل اجرا می‌سازد و هر تغییر بعدی چنین قوانینی یا شرح مربوط به آن را به دبیر کل سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

ث) چنانچه اصول اساسی قوانین داخلی یک کشور عضو مقرر کند، آن کشور می‌تواند تصریح کند که جرایم درج شده در بند (۱) این ماده در رابطه با افرادی که جرم انتسابی را مرتکب شده اند، اعمال نمی‌شود.»

به علاوه اختفای اموال ناشی از جرم نیز بموجب ماده ۲۴ بعنوان یک جرم مستقل مورد اشاره قرار گرفته است و مخفی نمودن یا استمرار نگهداری اموال ناشی از جرایم موضوع این کنوانسیون، چنانچه عالملاً، عامداً صورت پذیرفته باشد، یک جرم کیفری اعلام شده است. وفق ماده ۲۴ کنوانسیون،

«هر کشور عضو بدون خدشه وارد آمدن به مفاد ماده (۲۳) این کنوانسیون، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا بعد از ارتکاب هر یک از جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون و بدون اینکه شخص در چنین جرایمی شرکت داشته باشد، مخفی نمودن یا ادامه نگهداری اموالی که شخص دخیل می‌داند که چنین اموالی ناشی از جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون می‌باشد، در صورتی این امر عمداً صورت گرفته باشد، جرم کیفری تلقی شود.»

د- ممانعت از اجرای عدالت: وفق ماده ۲۵ کنوانسیون،

«هر کشور عضو قوانین و سایر اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا موارد زیر در صورتی که به صورت عمدی صورت گیرد، جرم کیفری تلقی گردد:

۲۳۳۲ مباحثی در علوم جنایی

الف - استفاده از زور، تهدید یا ارعاب یا وعده، ارائه یا دادن امتیاز بی مورد برای برانگیختن شهادت دروغ یا دخالت در شهادت دادن یا ارائه مدارک و شواهد در دادرسی مربوط به ارتکاب جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون؛

ب- استفاده از زور، تهدید یا ارعاب برای مداخله در اجرای وظایف رسمی یک مقام قضایی یا مجری قانون در ارتباط با ارتکاب جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون. هیچ چیز در این بند، خدشه‌ای به حق کشورهای عضو برای وضع قوانینی که سایر طبقات مقامهای دولتی را مورد محافظت قرار می‌دهد، وارد نمی‌آورد.»

ملاحظه می‌شود که هر گونه توسل به زور، تهدید و حتی تطمیع افراد برای ادای شهادت دروغ در جرایم موضوع کنوانسیون یا توسل به روشهای فوق به منظور مداخله در اجرای وظایف مقامات اجرایی و قضایی مرتبط با جرایم موضوع کنوانسیون، بعنوان یک جرم مانع از اجرای عدالت قضایی مورد شناسایی قرار گرفته است.

ب- معیارهای مرتبط با بزهکاران اقتصادی

مرتکبین جرم اقتصادی عمدتاً از ضریب هوشی و موقعیت اجتماعی بالایی برخوردارند و در قالب اشخاص حقیقی یا حقوقی مرتکب جرم می‌شوند. لیکن از دیدگاه جرم‌شناسی، بررسی خصوصیات اشخاص در این زمینه حائز اهمیت تلقی می‌شود.

بزهکاران اقتصادی از نظر سازگار بودن^۱ با جامعه، فردی عادی و هم‌نوا و همگام با مقررات جامعه است و قید و بندهای زندگی اجتماعی را رعایت می‌کند. از اینرو حساسیت اطرافیان را بر نمی‌انگیزد. لیکن در عین حال، از خلأ هنجاری حاکم بر محیط و بستر کاری خود، برای ارتکاب جرم استفاده می‌کند. این امر از رویکرد جامعه‌شناسی جنایی قابل بررسی است. بعقیده دورکیم، در اثر مهاجرت، تحولات

¹ - Compatibility

جرم‌شناسی ۲۳۳۳

اجتماعی، بحران‌های اجتماعی یک شرایط هنجاری بوجود می‌آید که بموجب آن فرد، خود را به مقررات و قیود پایبند نمی‌داند. ولی این به آن معنا نیست که قیود از بین رفته‌اند. بلکه حاکی از این امر است که شخص مهاجر در اثر مهاجرت به محیط جدید و خروج از بستر زندگی عادی قبلی، خود را از نظر روحی و ذهنی^۱، آزاد و فارغ از محدوده مقررات حس می‌کند. به این فرایند، اصطلاحاً خلاً هنجاری^۲ اطلاق می‌شود.

جرم‌شناسان معتقدند که در یک بستر اقتصادی و به طور کلی‌تر و در سطح وسیع‌تر در جامعه، نیز با چنین پدیده‌ای مواجهیم. در هر جامعه یک سلسله اهداف و غایت‌ها از جمله ثروت‌اندوزی و ارتقای شغلی برای کنشگران و مدیران اقتصادی ترسیم می‌شود، و در عین حال، فرض بر این است که در هر جامعه، وسایل و امکاناتی مشروع برای رسیدن به اهداف معرفی شده، در اختیار افراد گذاشته می‌شود. مثلاً برای یک ایرانی مسلمان، رفتن به حج، یک هدف است. و علاوه بر هدف دینی، این کار علامت و نشانه توفیق و تشخیص اجتماعی است.

در کنار این هدف معنوی، اهداف مادی دیگری نیز قابل طرح هستند. سئوالی که اینجا مطرح می‌شود اینکه آیا جامعه، بطور همزمان وسایل و امکانات قانونی و مشروع برای رسیدن به این اهداف مادی و معنوی را در اختیار افراد قرار می‌دهد؟ مسلماً پاسخ این سؤال منفی است.

این شکاف میان اهداف مشروع و وسایل و امکانات دست یابی به آنها موجب می‌شود که برخی افراد، خود را از رسیدن به هدف از طریق قانونی، عاجز و محروم تصور نمایند، و احساس فشار کنند. این شکاف بین اهداف و وسایل قانونی، خلاً هنجاری نامیده می‌شود و افراد به گونه‌های مختلف با این خلاً برخورد می‌نمایند.

۲۳۳۴ مباحثی در علوم جنایی

برخی قناعت و به آن چه دارند، بسنده می‌کنند و برخی در عین داشتن امکانات فراوان و توفیق اجتماعی، کماکان زیاده خواهند و از آنجا که برای دست یابی به اهداف جدید، وسایل قانونی‌ای در اختیار ندارند، برای دست یابی به آن اهداف به وسایل و روش‌های غیر قانونی متوسل می‌شوند.

این افراد، متنفذین و یقه سفیدها هستند که مرتباً موفقیت خود را در رسیدن به اهداف جدید می‌بینند و به همین علت مرتکب جرم می‌شوند.

تیین خصوصیات جرایم اقتصادی و معیارهای تفکیک میان جرایم اقتصادی و عمومی امکان درک بهتر نظریه‌های جرم‌شناسی را که در زمینه بزهکاری اقتصادی ارائه شده‌اند، فراهم می‌کند. در فصل بعد این نظریه‌ها را در پنج گروه مورد بررسی قرار می‌دهیم. نخست به نظریه شخصیت جنایی ژان پیناتل می‌پردازیم و پس از بررسی نظریه جامعه شناختی مرتن، مجموعه سه‌گانه نظریات مبتنی بر محیط اقتصادی را با تکیه بر محیط اقتصادی و سیاسی مطرح می‌نماییم. و در خاتمه نظریه‌های چندعاملی مونتان، کوراکیس و بائر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1 - Mentally

2 - Anomie

گفتار اول - نظریه شخصیت جنایی^۱ ژان پیناتل (نظریه روان‌شناختی)

این تئوری که از سوی جرم‌شناس فرانسوی ژان پیناتل، مطرح گردید، تفاوتی میان بزهکار و غیر بزهکار قائل نمی‌شود.

به عقیده او، تفاوت‌های موجود بین بزهکار و غیر بزهکار، ذاتی و اجتناب‌ناپذیر نیست.^۲ تفاوت میان این دو گروه، در ساختار شخصیت آنها است. بزهکار، ساختار شخصیتی جنایی دارد و از یک سلسله خصوصیات روان‌شناسی برخوردار است که شخصیت جنایی او را تشکیل می‌دهد.

این شخصیت همچون دایره‌ای است دربرگیرنده چهار خصوصیت اصلی است که هسته مرکزی شخصیت جنایی را تشکیل می‌دهد و مکانیسم گذر از اندیشه به عمل را

^۱ - Personalité criminelle.

مدل شخصیت جنایی که ژان پیناتل تدوین کرده، براساس مدارک جمع‌آوری شده بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ درباره مطالعات بالینی لومبروزو بوده است. بنا به مطالعات مزبور، روشن شده است که:

۱- بعضی خصوصیات شخصیت مجرمانه در همه تحقیقات به چشم می‌خورد مثل خود بینی؛ تلون مزاج، تهاجم و پرخاشگری و بی تفاوتی عاطفی؛

۲- سایر خصوصیات در همه تحقیقات عمومیت ندارد؛ این خصوصیات عبارتند از: مزاج و طبع، ظرفیت‌ها و استعدادها و نیازها.

خصوصیاتی که در کلیه تحقیقات وجود دارد - یعنی ویژگی‌های عمومی - هسته مرکزی شخصیت مجرمانه را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، مکانیسم گذر از اندیشه به عمل مجرمانه را نیز هدایت می‌کند. خصوصیات که در همه تحقیقات عمومیت ندارند از عناصر شخصیت و صرفاً نحوه عمل مجرمانه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. برای مطالعه تفصیلی شخصیت جنایی رک:

نجفی‌ایرندآبادی، دکتر علی حسین، دانشنامه جرم‌شناسی، منبع پیشین، صص ۸۸-۸۴.

۲- برخلاف لمبروزو که معتقد به قاعده جبریت بود

۲۳۳۶ مباحثی در علوم جنایی

سازماندهی می‌کند. عبارت دیگر، تعامل این خصوصیات با یکدیگر، یا فعال شدن یکی از آنها فرد را به سمت جرم سوق می‌دهد. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱- خود محور بینی یا خودخواهی

۲- تلون مزاج، بی ثباتی، گه‌گه‌گیری

۳- خشونت

۴- بی‌اعتنائی عاطفی

این چهار عامل، فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند، و هر گاه یکی از آنها غالب شود و یا میان آنها تعامل بوجود آید، ارتکاب جرم، اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. مؤلفه خود محور بینی به فرد اجازه می‌دهد که منافع خود را نسبت به منافع دیگران در اولویت قرار دهد و همه چیز را از زاویه منافع خود ارزیابی کند. تلون مزاج یا بی‌ثباتی، به فرد اجازه می‌دهد که بدون توجه به آثار عمل یا اندیشه در مورد تجربیات گذشته، مرتکب جرم شود.

پرخاشگری به او اجازه می‌دهد که در مقابل مقاومت فیزیکی بزه دیده، از زور خود استفاده کند.

و بالاخره بی تفاوتی یا بی‌اعتنائی عاطفی باعث می‌شود که حس همدلی و نوع‌دوستی، ترحم و شفقت نسبت به بزه دیده در او بوجود نیامده و به رغم التماس بزه دیده، عمل خود را تا کسب نتیجه انجام دهد.

حال کاربرد این نظریه را در تفسیر شخصیت جنایی بزهکار اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

به تعبیر پیناتل، بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می‌برد و همین امر، عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت بشمار می‌رود. اراده کسب قدرت در چنین بزهکاری، با خریداری کالاهای اشرافی به منصفه ظهور می‌رسد. بعبارتی، استفاده از خودرو آخرین سیستم و سفرهای متعدد، از نظر روانی به بزهکار قدرت می‌دهد.

جرم‌شناسی ۲۳۳۷

ولی در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته از علایم بیرونی قدرت را که حساسیت برانگیز است مخفی می‌نماید.

مثلاً در موارد عدم پرداخت مالیات، اموال خود را به پول نقد تبدیل و یا را به شخص دیگری در داخل یا خارج کشور منتقل می‌کند.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که بزهکار اقتصادی چنان خود محورین است که معیار خوب و بد، خود اوست و آنگاه که در موقعیت‌های برتری نظیر مدیریت یک شرکت قرار می‌گیرد، همه چیز را به نفع خود حل و فصل و منافع خود را بر منافع جامعه ترجیح می‌دهد. در چنین شرایطی حتی موانع وجدانی درونی و اخلاقی^۱ نیز در او کار ساز نیستند، زیرا اعمال مجرمانه بزهکاران اقتصادی عموماً در محیط بسته رخ می‌دهد. بعلاوه یک بزهکار اقتصادی تلون مزاج دارد و آثار بعدی جرم را محاسبه نمی‌کند.

ایراد اصلی نظریه شخصیت جنایی این است که عوامل وضعی مؤثر در وقوع جرم را مورد توجه قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر این نظریه، فرد مجرم را جدای از محیط، موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می‌کند، قضاوت و تحلیل می‌کند.

ممکن است در یک فرد هر ۴ مؤلفه با یکدیگر تعامل مثبت داشته باشند ولی به علت وجود برخی علل وضعی، فرد مرتکب جرم نشود. بعنوان نمونه فرض کنید که کارمندی که اراده ارتکاب جرم را دارد، پس از بررسی موقعیت ارتکاب جرم به این

^۱ - بعقیده جرم‌شناسان، دو دسته عوامل می‌تواند مانع ارتکاب جرم شوند.

۱- موانع اخلاقی درونی که موانع نزدیک کنترل و پیش‌گیری از جرم هستند. یعنی قبل از این که پلیس وارد عمل شود از طریق تأثیر تربیت معلم یا خانواده بر فرد، پیشگیری اولیه را انجام می‌دهند.

۲- موانع بیرونی که جایگزین موانع اخلاقی هستند و کنترل جرم را از راه دور برعهده دارند. پلیس اجتماعی و عموم مردم که افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارند، در این گروه جای می‌گیرند.

۲۳۳۸ مباحثی در علوم جنایی

نتیجه می‌رسد که شرکت محل کار وی کنترل‌های مختلف قانونی و اداری را به عملکرد کارکنان اعمال می‌کند. از اینرو گذار از اندیشه به عمل مجرمانه محقق نمی‌شود و اندیشه و شخصیت مجرمانه فرد به منصفه ظهور نمی‌رسد.

بعبارت دیگر موانع وضعی می‌توانند سبب عقیم ماندن شخصیت مجرمانه شوند. در چنین مواردی، اگرچه تمایلات مجرمانه در فرد وجود دارد، ولی بواسطه وجود موانع وضعی (موقعیتی) نمی‌تواند نیت و اندیشه خود را عملی کند. بعبارت دقیق‌تر، در هر جامعه‌ای یک سلسله اهداف و نیز امکانات قانونی و مشروع مطرح و دستیابی بدان، به یک دغدغه اصلی بسیاری از افراد جامعه تبدیل می‌شود. در عین حال، باید توجه داشت که تمامی افراد واکنش یکسانی به این اهداف و امکانات نشان نمی‌دهند. گروهی آرزوی دستیابی به آن اهداف را ندارند، گروهی دیگر، وسایل و امکانات قانونی و مشروع برای دستیابی به آن اهداف را در اختیار ندارند. برخی، انسان‌های جاه طلبی هستند که اهداف بالایی را در نظر می‌گیرند، اما برای دستیابی به آن تلاش نمی‌کنند. گروهی امکانات دستیابی به اهداف را دارند، ولی به این نوع اهداف اعتقادی ندارند. بعبارتی درویش مسلک هستند و به اهداف دنیوی توجه نمی‌کنند.

دسته دیگری هم هستند که بعضی امکانات دستیابی به اهداف را در اختیار دارند ولی از آن جا که بالاترین هدف را نشانه گرفته‌اند، میان اهداف و وسایل قانونی دستیابی به آنها شکاف می‌افتد، و در نتیجه مجبورند برای دستیابی به اهدافی که از سطح امکانات آنها بالاتر است، دست به خلاقیت مجرمانه بزنند و به وسایل غیر قانونی متوسل شوند. و بالاخره، برخی از افراد جامعه، با آن که ظاهراً امکان ارتکاب جرم را دارند، ولی بواسطه یک سلسله اوضاع و احوال شغلی، دست به ارتکاب جرم

جرم‌شناسی ۲۳۳۹

نمی‌زنند. نتیجه آنکه شخصیت جنایی تنها عامل مؤثر در گذر از اندیشه به عمل مجرمانه نیست و علل و عوامل وضعی نیز در بروز پدیده مجرمانه مؤثر است.^۱ از اینرو امروزه علل ارتکاب جرم در جرم‌شناسی در سه دسته‌بندی مطرح می‌شود.

دسته اول؛ علل شخصی و فردی که شامل جنس، نژاد، تربیت، خانواده و نظایر آن می‌باشد.

دسته دوم؛ علل محیطی که از جمله محیط خانواده، محله، مدرسه، دوستان و غیره که در صورت فقدان کارایی مطلوب هر یک از این محیطها، امکان ارتکاب جرم افزایش می‌یابد.

دسته سوم؛ علل وضعی که مرتبط با وضعیت ماقبل جرم است و به شرایط و اوضاع و احوالی مرتبط می‌شود که در آستانه ارتکاب جرم حاکم است و بدان وضعیت ماقبل جنایی گفته می‌شود.

از اینرو در مواردی ممکن است افراد، تحت تأثیر عوامل شخصی و محیطی، تمایلات مجرمانه را کسب کرده باشند، ولی بواسطه وجود بازدارنده‌های وضعی (موقعیتی) که خارج از اراده آنهاست، مرتکب جرم نشوند و این بازدارنده‌ها امکان ارتکاب جرم را منتفی کنند.

از جمله خصوصیات وضعیت پیش جنایی عبارتند از: زمان، مکان (مثلاً این که صبح است یا شب کوچه بن بست است یا خیر، محل ارتکاب اداره است یا خانه و ...).

در علل وضعی، گاه نگاه ما به وضعیت سیبل جرم (بزه دیده) است، به این ترتیب که طفل است یا بالغ، مذکر است یا مؤنث و گاه نگاه ما به آلت ارتکاب جرم است؛ بر

۲۳۴۰ مباحثی در علوم جنایی

حسب این که آن فرد در جیش چاقو دارد یا ندارد. علل وضعی، خارج از اراده مرتکب و مربوط به شرایط آستانه ارتکاب جرم می‌باشند.

بازدارنده‌های وضعی باید مفقود باشند که فرد بتواند مرتکب جرم شود. مثلاً ارتشاء را در نظر بگیرد. اگر یک نفر تصمیم‌گیر باشد وضعیت متفاوتی خواهیم داشت در مقایسه با زمانی که چند نفر تصمیم‌گیر هستند. زمانی که تصمیمات در دست یک نفر متمرکز است، موقعیت ارتکاب جرم فراهم‌تر است. ولی زمانی که انجام امر اداری موکول به امضای چند نفر است در این حالت آن افراد وضعیت مناسب را برای ارتکاب جرم نخواهند داشت. در واقع این علل سبب می‌شود که ریسک و هزینه‌های مختلف ارتکاب جرم بالا رود. یا مثلاً بازرسی‌های ناگهانی در اداره را نیز می‌توان در ذیل این علل به حساب آورد. پس طرح مجرمانه یک بزهکار اقتصادی ممکن است با یک قدرت باز دارنده قوی مواجه شود و عقیم بماند. البته باید توجه داشت که پیشگیری وضعی، دایمی و با دوام نیست. بلکه بزهکار را به طور موقت منصرف می‌کند. مسلماً در اولین موقعیتی که بازدارنده‌های وضعی، مفقود یا ضعیف باشند، بزهکار طرح مجرمانه خود را عملی خواهد ساخت.

گفتار دوم - نظریه فشار مرتن

به عقیده مرتن بزهکاران اقتصادی و یقه سفیدی معمولاً وسایل قانونی را به منظور دست یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می‌زنند و میان اهداف سطح بالای آنها و وسایل قانونی دستیابی به اهداف، شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل شخصی که مایل است در مسابقه وزنه برداری مقام نخست را کسب نماید، لیکن به علت عدم تمرین کافی و نداشتن آمادگی لازم، به راه‌های غیر قانونی، از جمله دوپینگ متوسل می‌شود.

بعقیده او این واکنش که نوعی خلاقیت و نوآوری مجرمانه تلقی می‌شود، بواسطه شکاف بین هدف‌های مادی و وسایل و امکانات قانونی، ایجاد می‌گردد. در چنین

^۱ - این نظریه که به تئوری فشار/strain theory شهرت دارد، توسط رابرت مرتن/Robert Merton ارائه گردیده است و در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جرم‌شناسی ۲۳۴۱

شرایطی افراد، در یک حالت خلاً هنجاری و عدم احساس پای بندی قرار می‌گیرند. هر قدر این شکاف بیشتر شود، بی‌اعتنایی به هنجارها و دور زدن‌ها امکانات قانونی شدیدتر می‌شود. به طوری که هر نوع وسیله، دستیابی به هدف را توجیه می‌کند. این حالت تداعی‌کننده مفهوم بی‌هنجاری یا خلاً هنجاری دورکیم است. وضعیتی که فرد اجتماعی، خود را فارغ از هنجارها و قواعد احساس می‌کند زیرا جامعه در کنار تعریف اهداف و سمبول‌های موفقیت امکانات کافی را در اختیار فرد قرار نمی‌دهد.

نتیجه آنکه مرتن، بزهدکاری را ناشی از وضعیتی می‌داند که جامعه بوجود آورده است، معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات و رسانه‌های گروهی، در اهدافی که برای افراد جامعه ایجاد می‌کند، تجدید نظر نماید و امکان دستیابی به موفقیت را در اختیار همگان قرار دهد، زیرا هر قدر شکاف میان اهداف و امکانات بیشتر باشد، احساس بی‌عدالتی و عدم پای بندی به هنجارها و در نتیجه توسل به وسایل غیر قانونی و بزهدکاری برای دست‌یابی به اهداف قانونی، بالاتر می‌رود.

اگرچه نظریه مرتن، در جوامع سرمایه‌داری و دارای اقتصاد آزاد کاربرد بیشتری دارد، در این جوامع اهداف غالباً مادی و دنیوی هستند و عرضه و تقاضا قاعده بازار را تعریف می‌کند. در نتیجه مصرف بیشتر نشانه موفقیت بیشتر است. اما در عین حال، کاربرد آنرا در جوامعی که دارای اقتصاد ارشادی و دولتی یا نظام سیاسی غیر مردم‌سالار و غیر آزاد (چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی) یعنی جوامع دیکتاتوری هستند، نیز نمی‌توان نادیده گرفت. البته نمادهای موفقیت در این جوامع از سوی حکومت معرفی می‌شود و جامعه مدنی نقش اندکی در تعریف اهداف دارد زیرا اساساً، موجودیت خارجی و واقعی ندارد. در چنین جوامعی، حکومت در زمینه الگوی مصرفی و حتی پوشش افراد نیز الگوسازی کرده و نمونه‌ارایه می‌کند. و در مواردی که اقتصاد هم دولتی است، معنای مالکیت خصوصی هم از بین می‌رود.

۲۳۴۲ مباحثی در علوم جنایی

به دنبال آن مصرف شدن و مصرف کردن از بین می‌رود. کالاها تنوع ندارند چون اصل بر مصرف‌گرایی نیست. کالاها در حد امرار معاش و ادامه حیات وجود دارد. مالکیت از آن دولت است.

در جوامع غیر صنعتی، همه مالک همه چیز هستند. سمبول موفقیت، مثلاً دست دادن با رئیس جمهور، عضو حزب شدن و ... است. یعنی سمبل‌ها همانند سمبل جوامع مادی نیست.

بنظر می‌رسد که نظریه مرتن تنها در جوامع صنعتی و سرمایه‌داری کاربرد دارد، و حال آنکه در جوامع با اقتصاد بسته و ارشادی دولتی که عمده سرمایه، تولیدات و صنایع، متعلق به بخش عمومی و دولت است یا در نظامهای دیکتاتوری و غیرمردم‌سالار نیز ما با نوعی فساد دولتی و بزهدکاری اقتصادی روبرو هستیم. در چنین جوامعی مفسدان اقتصادی و جرایم اقتصادی عمدتاً دولتی هستند. بر خلاف کشورهای دارای اقتصاد آزاد، که جرایم اقتصادی، عمدتاً در بخش خصوصی به وقوع می‌پیوندند.

بعنوان نمونه، در کشورهای کمونیستی سابق، بخش خصوصی وجود نداشت و جرایم عمدتاً دولتی بودند. جرائمی نظیر اختلاس، ارتشاء، اخذ پورسانت، تبانی در معاملات عمده‌ترین جرائم اقتصادی این جوامع را تشکیل می‌دادند. به عبارت دیگر در جوامع سوسیالیستی یا اشتراکی که اقتصاد ارشادی و دولتی بود، جرایم نوعاً در رده‌های بالای دولتی یعنی توسط صاحب منصبان دولتی رخ می‌داد که نشانگر فساد دولتی بود.

بر عکس در جوامع دارای نظام اقتصادی آزاد، جرایم اقتصادی در بخش خصوصی تحت پوشش سازمان‌ها و شرکت‌های چندملیتی رخ می‌دهد، زیرا دولت فقط جنبه نظارتی دارد و عمده عملکردها در محدوده بخش خصوصی انجام می‌پذیرد.

جرم‌شناسی ۲۳۴۳

عبارت دقیقتر، دولت تنها در بخش سیاست خارجی و سیاستهای کلان پولی و اقتصادی کشور و دفاع مداخله می‌کند و در سایر زمینه‌ها، فقط ناظر و پایشگر تلقی می‌شود و به تجارت نمی‌پردازد. در این جوامع، تقلب مالیاتی یا احتکار رایج‌ترین جرم اقتصادی تلقی می‌شود. حال آنکه این جرایم در کشورهای دارای اقتصاد دولتی موضوعیت ندارد، زیرا دولت خود فروشنده و تاجر بزرگ تلقی می‌شود. در مقابل، در این جوامع، قاچاق کالا، چندگانگی نرخ کالا و خدمات، رانت‌خواری، اختلاس، سوءاستفاده از امتیازات انحصاری و نظایر آن رایج می‌شود.

بنابراین بزهکاری اقتصادی دو وجه دارد: بزهکاری اقتصادی دولتی و بزهکاری اقتصادی غیر دولتی. در جوامع سرمایه‌داری، هر دو حالت صدق می‌کند، زیرا بخش دولتی و خصوصی هر دو ممکن است مرتکب جرم اقتصادی شوند.

در عین حال باید توجه داشت که بخشی از جرایم یقه سفیدی در بخش دولتی مربوط به جرایمی است که عوامل دولتی علیه شخصیت و کرامت انسان مرتکب می‌شوند. جرایمی همچون جرایم جنسی، بازداشت غیر قانونی، اذیت و آزار و شکنجه، در این گروه جای می‌گیرند. از اینرو می‌توان گفت، بخشی از بزهکاری یقه سفیدی دولتی، اقتصادی و بخش دیگر از آن علیه کرامت انسانی افراد جامعه است.

نتیجه آنکه، نظریه مرتن در همه نظام‌های حکومتی کاربرد ندارد و محدود به جوامع خاصی است. حال آنکه بنظر می‌رسد نظریه شخصیت مجرمانه پیناتل در غالب جوامع پاسخگو باشد و بویژه در جرایم عمومی که در همه جوامع حتی جوامع کمونیستی نیز قابل تصور است کاربرد داشته باشد، زیرا بر شخص بزهکار تأکید دارد که در همه جوامع تقریباً ویژگی‌های یکسانی برای وی قابل تصور است. اما باید توجه داشت که جرایم دیگر نظیر جرایم اقتصادی با نوع حکومت ارتباط تنگاتنگ دارند. و بر اساس این که دولت اقتدار گرا باشد یا لیبرال، وضعیت متفاوتی را شاهد هستیم زیرا هر یک از این نظام‌های سیاسی، تفکر و نظام اقتصادی خاص خود را

۲۳۴۴ مباحثی در علوم جنایی

تعریف و اعمال می‌نمایند. از این جهت نظریه فشار مرتن قابلیت انعطاف بیشتری دارد. ملاحظه می‌شود که هر یک از این نظریه‌ها نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند که باید مورد بررسی قرار گیرد.

جرایم اقتصادی مثل همه جرایم دیگر، راهکارهای خاصی می‌طلبد. ابتدا راهکار پیشگیرانه و در صورت عدم موفقیت، راهکار واکنشی، سلبی یا کیفری، اداری، انتظامی حقوقی و

در مورد واکنش‌های حقوقی باید گفت ماهیت جرایم اقتصادی طوری است که به قوانین شکلی این جرایم بعد خاصی داده است. اگرچه هنوز در خصوص تعریف این جرایم و مصادیق آن به یک جامعیت نرسیده‌ایم، ولی راجع به آیین دادرسی خاص این جرایم و مجازات‌ها، اکثر حقوقدانان، به یک جمع‌بندی کلی رسیده‌اند که آن را ذیل عنوان حقوق کیفری اقتصادی مطرح و تعریف می‌نمایند. در مورد مجازات‌ها در حقوق کیفری اقتصادی، باید گفت که عبارت از جریمه نقدی است و مبلغ جریمه، نسبتی است از رشوه و یا مالیات پرداخت نشده و یا پول تطهیر شده و یا سهامی که از پول نامشروع، حاصل شده و ... با توجه به این که در جرایم اقتصادی، مجرمین به دنبال کسب سود و ثروت با ضرر و ضربه زدن به دیگران هستند، در کیفر این افراد، سرمایه، درآمد و موجودی‌های مالی‌شان هدف و نشانه قرار می‌گیرد. در جرایم اقتصادی، مرتکبین به دنبال کسب سود و کسب ثروت هستند. لذا کیفر و مجازات این جرایم نیز متناسب با همین هدف است. یعنی ضبط ثروت و سرمایه به عنوان کیفر مرتکبین این جرایم در نظر گرفته می‌شود. مثلاً در قانون نظام امور صنفی، مجازات‌ها با آن شغل و فعالیت ارتباط دارد و یا در جهت سلب حق و یا کاهش سرمایه و ضبط سرمایه است.

در حالی که در جرایم عمومی، مجازات‌های حبس، شلاق و گاه اعدام و ... حاکم است.

جرم‌شناسی ۲۳۴۵

در وادی پیشگیری در خصوص جرایم اقتصادی تدابیر خاصی وجود دارد. جرایم اقتصادی اقتضای تدابیر خاصی را دارند. همان طور که از حقوق کیفری اقتصادی صحبت شد، می‌توان از جرم‌شناسی اقتصادی نیز سخن راند.

جرم‌شناسی اقتصادی یعنی مطالعه علل ارتکاب جرایم اقتصادی و مطالعه شخصیت مرتکب جرم اقتصادی و به تفصیل یعنی، جرم‌شناسی تطهیر، جرم‌شناسی ارتشاء و ورشکستگی، جرم‌شناسی جرایم بورس و ... که هر یک، جرم‌شناسی اختصاصی می‌باشند.

جرم‌شناسی اقتصادی یک جرم‌شناسی اختصاصی است. یعنی مطالعه یک جرم خاص و علل آن. در کنار جرم‌شناسی اختصاصی ما جرم‌شناسی‌های کاربردی تخصصی داریم: جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی پیشگیرانه.

در خصوص مجرمین اقتصادی، ما روش‌های خاص را در مورد اصلاح و جامعه‌پذیری آنها داریم.

به همین ترتیب در اسناد بین‌المللی مربوط به جرایم اقتصادی، شاهد اختصاص مواد خاصی به این جرایم از ابعاد و جنبه‌هایی همچون پیشگیری از جرم، اصلاح و بازپروری مجرمین اقتصادی هستیم. به همین ترتیب می‌توان از جرم‌شناسی خاص و ضوابط خاصی، سخن به میان آورد.

۲۳۴۶ مباحثی در علوم جنایی

گفتار سوم - نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی^۱

نظریه‌هایی که بر محیط فعالیت‌های اقتصادی تکیه می‌کنند بیشتر در چارچوب جامعه‌شناسی جنایی که یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی است، قرار می‌گیرند. به عنوان یک اصل کلی باید بگوییم که در کشورهای دارای اقتصاد آزاد که کسب منفعت و افزایش ثروت دغدغه اصلی شهروندان است، جرایم اقتصادی شیوع متنوع‌تری دارند. هر چه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های کسب سود و در عین حال، ارتکاب جرم نیز بیشتر است بگونه‌ای که قانون‌گذار ناگزیر از اصلاح قانون و انطباق با شرایط جدید می‌گردد. جرم‌انگاری ثبت علائم تجاری متعلق به غیر بصورت نام دامنه و ممنوعیت فعالیت شرکت‌های هرمی، بهترین نمونه از این اقدام قانون‌گذاری تلقی می‌شود. در عین حال باید توجه داشت که تاجران و صاحبان سرمایه نوعاً با حاکمیت سیاسی ارتباط نزدیک دارند زیرا قدرت اقتصادی جاذبه سیاسی دارد. بموجب این نظریه‌ها، دلایل ارتکاب جرم اقتصادی به شرح زیر قابل دسته‌بندی است:

اول: استفاده ناخواسته قدرت‌های برتر از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه؛ در همه کشورهایی که انتخابات برگزار می‌شود، بخشی از هزینه تبلیغات نامزدهای سیاسی توسط شرکت‌ها و مؤسسات بازرگانی و تجاری پرداخت می‌گردد. بی‌تردید این مؤسسات و شرکت‌ها از نامزدان کنونی خود و دولتمردان آینده توقعاتی نظیر اعطای

^۱ - محیط بر دو نوع است؛ محیط اجتماعی عمومی همچون نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام فرهنگی، و محیط شخصی، یعنی محیطی که برای هر یک از ما ویژگی‌های خاص دارد، این محیط‌های شخصی شامل خانواده، محیط تحصیلی، زیست بوم. محیط اقتصادی حسب مورد، در مورد هر یک از معانی فوق بکار می‌رود.

در مواردی که قدرت خرید یا توانایی اقتصادی پرداخت هزینه زندگی مورد توجه است، محیط اقتصادی شخصی، و در مواردی که موقعیت و نظام اقتصادی و دولتی یا آزاد بودن آن ملاک توجه است، اصطلاح محیط اقتصادی عمومی، کاربرد دارد.

جرم‌شناسی ۲۳۴۷

تسهیلات بانکی و مجوز واردات و صادرات و بسیاری امتیازات دیگر، دارند. بعبارت دیگر نیاز قدرت‌های سیاسی به پول توسط محیط‌های بازرگانی و اقتصادی بزرگ تأمین می‌شود؛

دوم: بواسطه ارتباط میان مؤسسات و شرکت‌های بزرگ تجاری و حاکمیت با جرایم این گروه‌ها با اغماض و تساهل برخورد می‌شود، حال آنکه چنین ارفاقاتی نسبت به بزهکاران یقه آبی صورت نمی‌پذیرد. از اینرو بنظر می‌سد نهادهای متولی کنترل جرایم اقتصادی استحکام و کوبندگی نهادهای متولی کنترل جرایم عادی را ندارند؛

سوم: صاحبان اقتصاد و سرمایه از یک محیط پیرامونی خاصی برخوردارند و در دنیای خاصی بالنده و متحول می‌شوند که اصل اساسی آن سکوت و محرمانگی است. به عبارت دیگر محیط‌های اقتصادی و تجاری شفاف نیستند. در همه کشورها، اشخاص حقیقی و حقوقی از اعلام که درآمد واقعی و شیوه کسب درآمد خود اکراه دارند. بدین ترتیب رؤیت‌پذیری و شفافیت این مؤسسات واقعاً پایین است، در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و با تقبیح عمومی مواجه نمی‌شود. این امر سبب می‌شود که متولیان اقتصادی اعمال خود را شرعی، قانونی و مجاز تلقی کنند. از اینرو فعالیت ضابطین و عوامل کنترل این جرایم با دشواری بیشتری صورت می‌پذیرد و در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها پلیس اقتصادی متشکل از افسرانی که حقوق اقتصادی را آموزش دیده‌اند، تأسیس گردیده است.

چهارم اینکه؛ در جرایم اقتصادی با یک خلاء قانونی مواجهیم. گویی تخیل مجرمانه و اقتصادی بزهکاران اقتصادی، جلوتر از قانون حرکت می‌کند، از اینرو اعمال ارتكابی آنها عموماً با قرار منع یا موقوفی تعقیب همراه می‌شود. این بخش از نظریه با نظریه‌های جرم‌شناسی کلان یا جرم‌شناسی واکنش اجتماعی قابل مقایسه است زیرا در نظریه‌های واکنش اجتماعی قانون، پلیس و دستگاه قضایی به عنوان علل

۲۳۴۸ مباحثی در علوم جنایی

افزایش جرم مورد بررسی قرار می‌گیرند. بعبارت دیگر شیوه حاکمیت و خلاء قانون بعنوان عوامل جرم‌زا مطرح می‌شوند.^۱

پنجم اینکه؛ در جرایم اقتصادی و مالی کسب سود و منافع مادی و خدماتی غایت بزهکاران را تشکیل می‌دهد. مدیرعامل یک مؤسسه انتفاعی به دنبال گسترش فعالیت است و نمونه‌هایی را در محیط اقتصادی پیرامونی خود می‌بیند که از او پیشی گرفته‌اند. حال آنکه منابع و امکانات مشروع امکان کسب سرمایه‌های بیشتری را به او نمی‌دهد. در نتیجه برای کسب موفقیت مالی، از راه‌های غیر مجاز استفاده می‌کند. اینجاست که در واقع وسوسه‌های مجرمانه به وجود می‌آید و زمینه توسل به راه‌های غیر مجاز و غیر قانونی ایجاد می‌شود. فقدان قانون و نظارت و کنترل صحیح و شفاف نیز به این امر کمک می‌کند.^۲

از سوی دیگر فعالیت‌های اقتصادی در حال تنوع و دگرگونی مداوم و در عین حال جهانی شدن است. و قانونگذاران به منظور کنترل و نظارت بر این ویژگیها مبادرت به تصویب قوانینی می‌کنند که موجب سردرگمی بازرگانان در تشخیص موارد مشروع از موارد نامشروع و مجرمانه می‌شود. بعبارت دیگر، تورم قانونگذاری، تأثیر قانون و بازدارندگی مؤثر آن را از بین می‌برد زیرا اشخاص ذینفع پیام قوانین کیفری را جابجا می‌کنند و تشابه عناوین مجرمانه و عنصر مادی جرایم آنچنان است

^۱- لازم به ذکر است که مواردی همچون طلاق، بیکاری و سوء اشتغال از عوامل جرم‌زایی هستند که در جرم‌شناسی خرد مورد بررسی قرار می‌گیرند و در عین حال همه این عوامل محصول نظام اقتصادی به عنوان یک کل می‌باشند.

^۲- به عنوان نمونه می‌توان به موارد اخذ وام‌های کلان از بانکها و مؤسسات اقتصادی اشاره کرد که عمدتاً بواسطه عدم نظارت صحیح، بصورت واقعی هزینه نمی‌شود، به جای کارسازی در موارد معین که در تقاضای اولیه مطرح گردیده است، در فعالیتهای اقتصادی سودآور دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. فقدان نظارت همراه با وسوسه دستیابی به موفقیت‌های مالی موجب می‌شود تا عده‌ای از افراد بدین طریق، طرح‌های مجرمانه خود را به منصف ظهور برسانند.

که باعث سوءاستفاده اشخاص و ارتکاب جرم می‌شود. پیچیدگی و فنی بودن جرایم اقتصادی را نیز باید به مطالب فوق افزود. جرایم مرتبط با بانکداری و تجارت الکترونیکی و بورس‌ها از پیچیدگی فنی بسیاری برخوردار هستند که مانع تعقیب مؤثر مرتکب است.

ششم آنکه؛ در بسیاری از سازمانها و مؤسسات دولتی، مقرراتی در زمینه حقوق مصرف‌کننده، قیمت‌گذاری، تولید، احتکار و نظایر آن تنظیم می‌شود که رسیدگی به تخلفات صنفی را در حیطه صلاحیت نهادهای غیر قضایی، صنفی و اتحادیه‌ها قرار می‌دهد. به دیگر سخن، قانون‌گذار در راستای کاهش تراکم کاری دادگاه‌ها از یک سو و سپردن جرایم اقتصادی به اهل فن از سوی دیگر، مدیریت قضایی و تعقیب تخلفات اقتصادی را به صنف خاصی محول و رسیدگی به این تخلفات جنبه درونی پیدا می‌کند. بدین ترتیب به موازات آیین دادرسی سنتی، آیین دادرسی خاص برای برخی جرایم، از جمله جرایم اقتصادی ایجاد می‌شود، یعنی آیین دادرسی کیفری اقتصادی که اجرای آن به اتحادیه‌ها و اصناف خاصی سپرده شده است.

نتیجه این که، با جرایم اقتصادی برخورد اجرایی و صنفی صورت می‌پذیرد که به نوعی در تضعیف یا نمود بیرونی کنترل این جرایم مؤثر است. به عبارت دیگر این امر هزینه ارتکاب جرم را برای بسیاری از صاحبان حرف پائین می‌آورد و در نتیجه فضایی ایجاد می‌کند که امکان ارتکاب چنین جرایمی را بالا می‌برد. نظریات مربوط به محیط اقتصادی به شرح ذیل قابل بررسی می‌باشند.

الف- نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی^۱

این نظریه علل بزهکاری اقتصادی را از یک سو در محیط اقتصادی و مالی و از سوی دیگر در خود فرد جستجو می‌کند. بموجب این نظریه؛ نظم اجتماعی و اقتصادی همواره دچار نوسان است. رکود و شکوفایی اقتصادی هر دو می‌توانند ارتکاب جرم

را تسهیل کنند. فعالان اقتصادی در مواقع بحران و رکود با مشکلات غیر مترقبه‌ای روبرو می‌شوند. فرض کنید در یک دوره زمانی ساخت و ساز املاک، فعالیتی درآمدزا محسوب می‌شود و اشخاص خانه‌های قدیمی خود را خراب و با گرفتن وام‌های پربهره آپارتمان‌سازی می‌کنند. اما ناگهان چنین فعالیتهایی دچار رکود شده و پرداخت اقساط وام بر دوش افراد سنگینی کند. اینجاست که شخص برای حفظ موقعیت خود ناگزیر از توسل به روش‌های متقلبانه و غیر قانونی است. مثلاً چنانچه این ساخت و ساز در چارچوب یک شرکت و مؤسسه رسمی انجام شده باشد هیئت مدیره با تقلب شرکت را ورشکسته اعلام کند و پرداخت دیون را متوقف نماید. نتیجه آنکه صاحبان سرمایه در مواقع بحران ناگزیر از انجام اقدامات مجرمانه‌اند.

اقتصاد شکوفا نیز یک نوسان اقتصادی محسوب و می‌تواند ارتکاب جرایم اقتصادی را تسهیل کند. در چنین شرایطی صاحبان سرمایه تمایل دارند سودهای سرشار و غیر برنامه‌ریزی شده‌ای را که به دست می‌آورند به حساب‌های شخصی خود منتقل و علاوه بر فریب سهامداران مالیات نیز نپردازند. پس نوسانات اقتصادی مثبت و منفی به نوعی در ارتکاب جرم مؤثر است.

در این نظریه به عوامل فردی و انسانی هم توجه شده است، زیرا اشخاص حقوقی از طریق اشخاص حقیقی که خود بازرگان هستند، اداره می‌شوند. این اشخاص مرحله تولید، توزیع و مصرف را اداره می‌کنند. انتصاب مدیر غیرمتخصصی که توانایی رویارویی با وضعیت‌های پر تلاطم اقتصادی را ندارد لاجرم سرمایه شرکت را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. چنین مدیری نمی‌تواند تعادل معقولی را در اداره امور برقرار سازد و چه بسا بخاطر سوء مدیریت و عدم توانایی‌های فردی دست به کارهایی می‌زند که در واقع جرم اقتصادی هستند. مدیری که از نحوه هزینه‌کرد مبالغی که برای ردیف‌های خاص پیش‌بینی شده آگاهی ندارد و بودجه سازمان متبوع خود را برای مصارف دیگر هزینه می‌کند نادانسته مرتکب جرم می‌شود

^۱ این نظریه توسط خانم می‌ری دلماس مارتی ارائه شده است.

جرم‌شناسی ۲۳۵۱

و قربانی نادانی و عدم اشراف به قواعد بازی می‌گردد. در بسیاری موارد نیز سرمایه شرکت را با سرمایه شخصی خود اشتباه می‌گیرد و به نوع دیگری مرتکب جرم اقتصادی می‌گردد.

بنابراین، در این نظریه، عامل روان شناختی و مطالعه شخصیت و ویژگی‌های روانی مرتکبین جرایم اقتصادی حائز اهمیت است.^۱

بعلاوه باید توجه داشت که مطابق این نظریه موقعیت اجتماعی بالای مرتکبین این جرایم و محیطی که در آن کار می‌کنند نیز فرصت بیشتری را برای ارتکاب جرایم اقتصادی فراهم می‌کند و رؤیت ناپذیری و عدم شفافیت چنین فعالیت‌هایی خود عاملی جرم‌زا تلقی می‌شود.^۲

ب - نظریه گایس^۳

این نظریه به محیط اجتماعی که فعالیت‌های اقتصادی و مالی در آن انجام می‌پذیرد و نیز حالت روانی مرتکبین این جرایم توجه دارد. بعقیده گایس، محیط پیرامونی صاحبان سرمایه را قوانین و مقررات تشکیل می‌دهد. این فعالیتها با مقررات ملازمه دارند. اصولاً دنیای اقتصاد دنیای تورم قوانین تجاری، مالی و گمرکی است. در کنار این محیط اجتماعی باید به پیچیدگی و فنی بودن قوانین و مقررات دنیای اقتصاد و تجارت نیز اشاره کرد. ضمن اینکه در قراردادهای بین‌المللی با قوانین کشورهای مختلفی مواجهیم که در بسیاری موارد لازم‌الرعايه هستند. به عبارت دیگر در داد و

^۱ - طبق مطالعات میدانی که در بعضی کشورها به عمل آمده است، بزهکاران اقتصادی از نظر روانی علاقه به قمار، شرط‌بندی و ریسک دارند. این ویژگی در کنار عدم صلاحیت و توانایی لازم برای انجام آن سبب می‌شود که از طریق ریسک‌پذیری سرمایه‌ها را نابود کرده و ناخواسته مرتکب جرم شوند.

^۲ - Opportunités criminelles/ Criminal opportunity

^۳ - Geis.

۲۳۵۲ مباحثی در علوم جنایی

سندهای بین‌المللی، قوانین و مقررات کشورها به همدیگر وارد شده و بومی^۱ می‌گردد. بدین ترتیب مقررات یک کشور خارجی جزئی از حقوق داخلی کشور دیگر می‌شود. این امر در کنار تورم قوانین داخلی سبب می‌شود تا زمینه‌های سوء استفاده و استنباط خاص از پیچیدگی و فنی بودن قوانین فراهم شود. این امر که در قالب جرم شناسی کلان قابل طرح است، در نظریه گایس نیز به چشم می‌خورد. اصول عقاید گایس در چند محور قابل بررسی است:

۱- در دنیای اقتصادی میان بزهکار و بزه دیده تعادلی وجود ندارد و بر خلاف جرایم عمومی دیگر که بزه دیدگی بلافاصله توسط مجنی علیه احساس می‌شود و قابل رؤیت است و با برقراری رابطه علیت میان بزه و بزه‌دیدگی امکانپذیر است، در اغلب جرایم اقتصادی به علل مختلف یک نوع عدم تعادل بین بزه دیده و بزهکار وجود دارد:

نخست آنکه؛ در پاره‌ای موارد برقراری رابطه علیت بین خسارت وارده و فعل یا ترک فعل مرتکب کاری دشوار است. مثلاً برقراری رابطه علیت میان مسمومیت یا بیماری مصرف‌کننده و کالای مصرف شده یا کالایی که متعاقب تبلیغات وسیع مورد مصرف قرار گرفته است، امر دشواری تلقی می‌شود. از اینرو کار بزه دیده یا اولیاء دم و وکیل او بسیار دشوار است. بعلاوه در برخی موارد آثار جرم اقتصادی خود به مرور زمان معلوم می‌شود. بعنوان نمونه ایجاد رابطه علیت میان جرایمی همچون اختلاس و حیف و میل اموال عمومی و فقیر شدن بخشی از مردم امری است که به آسانی امکانپذیر نمی‌باشد.

دوم اینکه؛ طبع جرایم اقتصادی بگونه‌ای است که ممکن است بزه دیدگان متعدد داشته باشند. حال آن که مرتکب معمولاً یک شخص است و از سودهای سرشار حاصل از ارتکاب این جرایم بهره می‌برد. این سودها به صرف جویی در هزینه تولید

^۱ - Customize

جرم‌شناسی ۲۳۵۳

منجر می‌شود اما در کنار آن به بزه دیدگان متعددی خسارت وارد می‌شود. ولی از آنجا که میزان آن خسارت مختصر است، معمولاً از طرف بزه‌دیده طرح دعوا صورت نمی‌پذیرد و همین امر باعث تجری مرتکب می‌شود.

سوم آنکه؛ مقامات قضایی و پلیسی به لحاظ سنت قضایی و فرهنگ اجتماعی بیشتر راغب هستند که در برابر جرایم متعارف اقدام سریع نشان دهند و در مورد بزه سفیدها یک نوع پیش داوری مثبت دارند. از طرف دیگر به لحاظ وضعیت بزه دیدگان که بسیار پراکنده و متعدد هستند و نیز به واسطه شیوه ارتکاب جرم و عدم رؤیت پذیری و پایین بودن آمار کشف آن، اولاً موجبات تجری مرتکبین فراهم است؛ ثانیاً ارتکاب چنین جرایمی حساسیت کمتری را ایجاد می‌کند. از اینرو این قبیل بزه‌کاران راجع به خود قضاوت بزه‌کار مدارانه ندارند و مدعی عدم سوءنیت هستند، حال آن که در جرایم اقتصادی سوء نیت مستتر است.

۲- محافل اقتصادی که با قدرت و حاکمیت ارتباط دارند دارای یک خرده فرهنگ ابرقانونی یا فراقانونی هستند. افرادی طلایی که قدرت، حاکمیت و پول پشتیبان آنها است. تفکر فراقانونی بودن بویژه در مواردی که با اصحاب قدرت و زور در ارتباط باشند، سبب می‌شود که به راحتی مقررات را نقض کنند. در عین حال این افراد جهت گیریهای انتخاباتی داشته و عمدتاً از احزاب خاصی حمایت می‌کنند. در نتیجه این خرده فرهنگها در ذهن آنها پررنگ‌تر می‌شود و احزاب مورد حمایت نیز پس از به قدرت رسیدن، از حامیان خود جانبداری می‌کنند و همین امر ارتکاب جرایم اقتصادی را تسهیل می‌کند.

۳- بررسی روان شناختی مرتکبین جرایم اقتصادی حاکی از ضریب هوشی، سازگاری و جامعه‌پذیری و ظرفیت و استعداد مجرمانه بالای آنها است. این گروهها پس از محکومیت نیز خود را قربانی جامعه و دستگاه قضایی می‌دانند و محکومیت خود به پرداخت جریمه و تحمل حبس و از دست دادن اعتبار و شهرت اقتصادی را

۲۳۵۴ مباحثی در علوم جنایی

ناعادلانه می‌پندارند و در مقام مقایسه با همتایانی که مرتکب همان جرایم شده ولی از چنگال عدالت گریخته‌اند مظلوم نمایی کرده و محکومیت خود را ناشی از بداقبالی و ستم‌دیدگی اعلام می‌کنند. بدین ترتیب حتی تعقیب قضایی و محکومیت کیفری نیز موجبات عبرت آنها را فراهم نمی‌کند.

در کنار نظریات چهارگانه‌ای که ناظر بر محیط اقتصادی هستند، نظریات دیگری ارایه شده که جرم اقتصادی را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌داند و در قالب نظریه‌های چند عاملی قابل بررسی است. این نظریه‌ها نیز بر اساس مطالعات میدانی و بررسی پرونده‌های قضایی مجرمین اقتصادی و مصاحبه با مجرمین و بزه دیدگان جرایم اقتصادی ارایه شده‌اند. این نظریه‌ها موضوع مباحث بعدی را تشکیل می‌دهند.

گفتار چهارم- نظریه‌های چند عاملی

در این مبحث، نظریه‌های چندعاملی را که از سوی فونتان، کوراکیس و بائر ارائه شده است، به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف- نظریه فونتان

؛ فونتان بزه‌کاران اقتصادی را به دو دسته بی‌گناه و گناهکار تقسیم می‌کند. محورهای این نظریه بدین شرح قابل بررسی است:

دسته اول - مجرمین اقتصادی بی‌گناه یا درستکار

این گروه از مجرمین سوء نیت مجرمانه و قصد سوء استفاده از قوانین را ندارند و به منظور جلوگیری از ورشکستگی شرکت که بیکار شدن هزاران کارمند را به دنبال دارد تلاش می‌کنند. به عبارت دیگر این گروه در دوران بحران و رکود اقتصادی برای جلوگیری از فروپاشی و بیکاری هزاران نفر، با اخذ وام و حساب سازی و ایجاد هزینه‌های غیر واقعی، سعی می‌کنند که همچنان به فعالیت اقتصادی ادامه دهند. این فعالیتها مجرمانه است. از این رو با آنکه انگیزه مجرمانه و قصد سود جویی ندارند،

جرم‌شناسی ۲۳۵۵

قابل تعقیب هستند. عملکرد این افراد از رویکرد جرم‌شناسانه، رفتار مجرمانه فاسد شده یا منحرف شده، نامیده می‌شود.

بعقیده فونتان این گروه از مجرمین اقتصادی، غیر مجرم و بی‌گناهند و تلاقی یک وضعیت و موقعیت اقتصادی معین با شخصیت فرد عامل محرک ارتکاب جرم است.

دسته دوم- مجرمین اقتصادی گناهکار

این گروه رفتارهای فاسد و منحرفانه دارند و ویژگی شخصیتی آنها عامل اصلی ارتکاب جرم است. جاه طلبی، محرومیت‌های دوران کودکی و کمبودهای دوران نوجوانی شخصیت آنها را این گونه ساخته است. این عوامل سبب می‌شود که نوکیسه‌ها بخواهند یک شبه راه صد ساله را بروند.

تفاوت این دو دسته از مجرمین اقتصادی در انگیزه ارتکاب جرم است.^۱ در گروه اول ارتکاب جرم به انگیزه اداره سرمایه شرکت در موقعیت بحرانی صورت می‌پذیرد، حال آنکه انگیزه گروه دوم، آزمندی، جاه‌طلبی و انباشت ثروت و سرمایه است، که ذاتاً مجرمانه تلقی می‌شوند. به این ترتیب دسته اول به علت عدم استعداد و سوءمدیریت و ضعف شخصیتی مرتکب جرم می‌شوند، و دسته دوم به علت

۱- نقش انگیزه در حقوق کیفری بسیار کمرنگ است. ارکان تشکیل دهنده جرم در قوانین کیفری در قالب سه عنصر مطرح می‌گردد و معمولاً برای انگیزه نقشی در نظر گرفته نمی‌شود. در عین حال، در برخی جرایم در کنار عناصر سه گانه «روانی، مادی و قانونی» عنصر انگیزه و داعی هم لحاظ می‌گردد. جرایم سیاسی و جرایم علیه امنیت که به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی مشمول رسیدگی توسط هیأت منصفه است از این دسته می‌باشند. در واقع انگیزه والا و شرافتمندانه مرتکب یا داعی ضد میهنی او سبب می‌شود که عمل او به ترتیب عنوان جرم سیاسی یا جرم علیه امنیت داشته باشد.

سرقت از بانک به انگیزه ضربه زدن به حکومت با سرقت به انگیزه ازدیاد ثروت متفاوت است. جرم اولی از نظر بینش ذهنی یک جرم سیاسی و جرم دومی یک جرم عمومی است. برای مطالعه تفصیلی جرایم سیاسی و جرایم عمومی ر.ک: اردبیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، صص ۲۷۰-۲۶۰.

۲۳۵۶ مباحثی در علوم جنایی

دنیاپرستی و طمع در دستیابی سریع به قله‌های موفقیت مادی دست به اعمال مجرمانه می‌زنند. از اینرو در برخورد با هر یک از این دو دسته باید راه حل‌های مختلفی را در اتخاذ کنیم. این اقدامات در کنوانسیون مریدا نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

تقویت منشور رفتار سازمانی و جنبه مدیریتی و کاری افراد در مورد مجرمین منحرف شده و اعمال کنترل‌های متعدد در شرکت‌ها و مؤسسات مالی، انتصاب ضابطه‌مند مدیران و ابقاء آنها در صورت کارنامه مدیریتی پاک و عاری از تخلف در مورد مجرمین گناهکار کاربرد دارد.

عوامل ناظر بر انگیزه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول - عوامل روانی و فردی:

مطالعه روان‌شناختی جنایی و فردی شخص بزهکار به درک بهتر عوامل بزهکاری کمک می‌کند. دستیابی به این علت که چرا یک مدیر در دوره پختگی مرتکب جرم اقتصادی شده است، از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این یک وضعیت استثنایی و بیمار گونه است، که فردی بعد از سال‌ها درستکاری ناگهان مرتکب جرم اقتصادی شود. ممکن است گذشته ناموفقی داشته باشد یا عواملی در این امر دخیل باشند که شناسایی آنها به پیشگیری از ارتکاب جرم کمک می‌کند.

دوم - عوامل اجتماعی:

قضاوت دیگران و محیط پیرامونی بخشی از شخصیت افراد را شکل می‌دهد. دانشجوی یک دانشگاه ایرانی با دانشجویی یک دانشگاه غیرایرانی متفاوت است. این تفاوت ناشی از تعامل فرد با محیط پیرامونی است. به همین ترتیب، محیط اقتصادی نیز بر منش و شخصیت افراد مؤثر است. پول و سرمایه دو ویژگی دارد: از یک سو توفیق و کامیابی اقتصادی منوط به رعایت قواعد بازی است و از طرف دیگر کسب سود بیشتر و ازدیاد ثروت از عوامل موفقیت است. بعنوان نمونه اعتبار سهام شرکت در بازار بورس نشانه موفقیت است و در کنار آن انجام فعالیت‌های سودآور نیز به

موفقیت و اعتبار اقتصادی منجر می‌شود. بدین ترتیب از یک سو عوامل اقتصادی افراد به به رعایت قانون تشویق می‌کنند و از سوی دیگر کسب مادیات حرف اول را می‌زند و شخص تلاش می‌کند که از هر طریق ممکن ثروت اندوزی کند. نتیجه آنکه عوامل اجتماعی با عوامل روانی و فردی در تعاملند و میزان ارتکاب جرم به شخصیت و ویژگی‌های فرد و تأثیر عوامل اجتماعی بر شخصیت وی بستگی دارد.

سوم - عوامل مادی:

برخی معتقدند جنون کسب پول و مادیات سبب می‌شود که مجرم اقتصادی مرتکب نوعی خود آزاری شود^۱. برخی از مجرمین اقتصادی با علم به امکان بی‌اعتباری و محکومیت قضایی دست به ارتکاب جرم می‌زنند و از این رهگذر خود را در معرض خطرات زیادی قرار می‌دهند. بعبارت دیگر فریفتگی ناشی از جنون پول و اعتیاد به کسب مادیات چنان است که عقلانیت آنها را متوقف می‌کند. از اینرو با علم به این که ارتکاب جرم در این سطح گسترده، رؤیت پذیر خواهد بود، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. عقلانیت کیفری که بنام آن یاد می‌کند، در جرایم اقتصادی به خوبی قابل مشاهده است. به موجب این نظریه مرتکب، هزینه‌های ارتکاب جرم را با سود و لذتی که به دست خواهد آورد مقایسه می‌کند. در صورتی که سود و لذت بالا باشد تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. به عبارت دیگر، در نظریه بنام جرم از یک نوع عقلانیت اقتصادی تبعیت می‌کند و تحلیل وی در مورد مجرمین اقتصادی بطور دقیقتری قابل اعمال است زیرا چنانکه گفتیم به رغم بالا بودن هزینه ارتکاب جرم، جنون مادیات مرتکب را به سمت ارتکاب سوق می‌دهد. این مشکل شخص است نه مشکل جامعه یا تورم قوانین، و برای کنترل چنین جرایمی باید عوامل جرم‌زا محدود شوند.

ب - نظریه کوراکیس

کوراکیس محقق یونانی است که در نتیجه مطالعه پرونده‌های اقتصادی سه دسته عامل تاریخی، محیطی و فردی را از یکدیگر تفکیک کرده است که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول - عامل تاریخی

بعقیده کوراکیس، بزهکاری ناشی از ترکیب سه دسته از عوامل است:

۱- افزایش جمعیت که از نظر ریاضی نرخ بزهکاری را بالا می‌برد، زیرا به همان نسبت تعداد تابعان حقوق کیفری و اشخاصی که مرتکب جرم می‌شوند نیز بیشتر می‌شود.

۲- شهر سازی؛ این عامل سبب می‌شود که روان شناسی شهر بر روستا غلبه کند و رفتار شهروندان بیش از پیش شهری گردد. با توجه به این که شهرها محل اصلی فعالیت اقتصادی هستند، جرایم اقتصادی با شهر نشینی ملازمه دارد. از اینرو توسعه شهرها زمینه ارتکاب جرایم اقتصادی را بیشتر فراهم می‌کند.

۳- توسعه صنعت و فن‌آوری؛ توسعه صنعتی و فناورانه در بستر امکانات مادی و اقتصادی محقق می‌شود. در دنیای تجارت امروز بجای شخص حقیقی و حجره سنتی بازار و چرتکه بر شخص حقوقی و رایانه متکی است و فن‌آوری‌های نوین نقش عمده‌ای در شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی و گسترش مؤسسات اقتصادی ایفا می‌کنند، و بر روند زندگی تأثیر گذارند. از اینرو امروزه در بسیاری از کشورها به تعداد اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی داریم که نوعاً در شهرها مستقرند و در زمینه تغذیه، بهداشت، سلامت و کیفیت زندگی بشری فعالیت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که امروزه حقوق کیفری علاوه بر تابعان حقیقی خود، تابعان دیگری دارد که اصطلاحاً اشخاص حقوقی نام دارند. از اینرو در در کنوانسیون‌های پالرمو و میردا، پیکان مسئولیت کیفری به سمت اشخاص حقوقی نیز نشانه است.

¹ - Masochism

بعقیده کوراکیس، با ترکیب عوامل فوق جرایم جدیدی در قانون احصا شده و بر سیاهه جرایم متعارف افزوده شده‌اند. جرم انگاری فعالیت شرکت‌های هرمی، رانت خواری (در مورد اطلاعات بورس)، جرایم قابل ارتکاب در حوزه تجارت الکترونیکی^۱، جرایم رایانه‌ای، جرایم علیه حقوق مصرف کننده و قواعد تبلیغ^۲، جرایم مربوط به قاچاق انسان و نظایر آن، در نتیجه چنین فرایندی صورت پذیرفته است. بدین ترتیب امکان بزهکاری افراد نسبت به گذشته بیشتر شده است. بدیهی است این جرایم جدید که حول محور اقتصاد، سرمایه و تجارت اتفاق می‌افتند سود محور هستند و مرتکبین بی هیچ تلاشی به دنبال کسب سود، رفاه و لذت بیشترند.

دوم - عامل محیطی

این عامل بر دو رکن مبتنی است:

- ۱- جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب می‌کند و دستیابی به مادیات و ثروت اصلی‌تری چالشی است که فراروی افراد جامعه قرار دارد و یک جامعه رقابتی تلقی می‌شود. بعلاوه همه روزه شاهد گسترش و توسعه غیر قابل کنترل فن‌آوری‌های نوین هستیم و دستیابی به منابعی که امکان بهره‌مندی از این فناوریها را فراهم آورد، در زمره اولویتهای جوامع قرار گرفته است.
- ۲- فن‌آوری‌های نوین؛

امروزه بشر کنترل لازم بر اختراعات و اکتشافات و فن‌آوری‌های نوین را از دست داده است. اتم، رایانه، فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و تجارت و بانکداری الکترونیکی، همزمان به ابزار مثبتی برای پیشبرد اهداف

رقابتی و کسب سودهای سرشار و نیز ابزاری مجرمانه برای دستیابی به سودهای نامشروع و ارتکاب جرم بویژه جرایم اقتصادی تبدیل شده است.^۱ بدین ترتیب می‌توانیم بگوییم گسترش این دو عامل، یعنی جامعه رقابتی و فن‌آوری‌های نوین، در نهایت به ظهور و تولید ارزش‌های جدیدی منجر شده است که بیشتر مادی هستند و به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند.^۲ به تعبیر کوراکیس، امروزه روابط میان شهروندان غیر شخصی، غیر عاطفی، بی روح و مبتنی بر فرصت سنجی و فرصت طلبی است. ارتباطات و نهادهای سنتی و قدیمی حاکم بر روابط افراد فروپاشیده و زمینه گسترش و توسعه بزهکاری یقه سفیدی فراهم آمده است.

تکثر فعالیت‌های اجتماعی بویژه اقتصاد و تجارت، سبب پیدایش خرده فرهنگ‌های اقتصادی و مادی گردیده است، که با فرهنگ اصلی جامعه در تعارضند. چنان که وجدان و شعور جمعی که باید حول تعداد معینی از ارزشها بوجود آید، با چالش فرهنگ‌های خردی روبرو است، که هر یک به دنبال منافع خود هستند. به عبارت دیگر، نوعی خود بینی یا گروه بینی بوجود آمده که خرد جمعی کنترل اجتماعی و نظارت افراد را بر یکدیگر تضعیف کرده است.^۳ بعبارت دیگر افراد قبل از آن که عضو جامعه باشند، عضو یک انجمن، حزب و گروه هستند و این امر در مورد صاحبان سرمایه و فعالان اقتصادی نیز صدق می‌کند.

این افراد از یک مرامنامه صنفی نانوشته و عرف تجاری خاص خود تبعیت می‌کنند که در برخی موارد نقض قوانین عین ارزش و موفقیت تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، خرده فرهنگ این صنوف و اتحادیه‌ها جرأت نقض برخی قوانین را در

^۱ - همان منبع

^۲ - همان منبع

^۳ - دورکیم نیز در نظریه ناهنجاری یا آنومی به این نکته اشاره کرده است.

^۱ - برای اطلاعات بیشتر، ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین

^۲ - همان منبع

ایشان بوجود می‌آورد و در آن عرف نانوشته، موجبات تشویق آنها را فراهم می‌آورد. شخصیت مجرم سومین عامل قابل بررسی در این نظریه است.

سوم - شخصیت بزه‌کار

شخصیت مجرم اقتصادی بر استفاده از زیرکی، زرنگی و هوش استوار است، که وی را به سمت بهره‌برداری یا سوء استفاده به موقع از سادگی و زودباوری بزه دیدگان سوق می‌دهد. بزه دیدگان بالقوه این جرایم به آسانی پول و سرمایه خود را در فعالیتهای اقتصادی خیالی به جریان انداخته و قربانی کلاهبرداریهای متعدد می‌شوند یا در جریان یک فعالیت ظاهراً اقتصادی، اطلاعات محرمانه حسابهای خود را در اختیار سودجویان اقتصادی قرار داده و مورد سوءاستفاده و کلاهبرداری قرار می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در شرکت‌های هرمی نظیر گلدکوئیست یا سون دایموند و نیز بزه‌دیدگی در جریان کلاهبرداری رایانه‌ای و حملات مهندسی اجتماعی مهمترین نمونه‌های این بزه‌دیدگی بشمار می‌رود.^۱

یکی دیگر از توانایی‌ها و استعداد‌های بزه‌کاران اقتصادی، بهره‌برداری از قوانین مبهمی است که امکان قرائت‌های مختلف آن وجود دارد. وکیل چنین متهمی می‌تواند از طریق قرائت خاصی که قاضی به آن نیندیشیده موکل خود را تبرئه کند، یا مشمول مجازات‌های خفیف‌تری قرار دهد..

آخرین نظریه در بین نظریه‌های چند عاملی بر واکنش اجتماعی نسبت به این جرایم تکیه دارد و ضمانت اجراهای جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعه نظریه بائر در این زمینه موضوع را روشن‌تر می‌کند.

ج - نظریه بائر^۱

عوامل بزهکاری اقتصادی از دیدگاه بائر عبارتند از:

۱- ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن نسبی ضمانت اجراهای این جرایم در مقایسه با جرایم عمومی، یا تساهل و تسامح نسبت به بزهکاران اقتصادی در مقایسه با سایر بزهکاران؛ به عبارت دیگر قضات دادگاه‌ها در مقابل سایر جرایم نظیر جرایم علیه اشخاص یا عفت عمومی پیش داوری منفی دارند اما در مورد جرایم اقتصادی این پیش داوری وجود ندارد.

۲- ارتباط محافل اقتصادی با محافل قدرت و سیاست؛ گفتیم دولتمردان و صاحبان سرمایه نوعاً از یک طبقه‌اند و جایگاه و ارزش‌های اجتماعی یکسانی دارند. در واقع، صاحبان اقتصاد و سرمایه بنخاطر موقعیت اقتصادی، در صحنه سیاست نیز تأثیر گذارند و به تبع آن در فرآیند قانون‌گذاری و تدوین لوایح نیز به طور غیر مستقیم اثر گذار هستند. این گروه‌ها در انتخابات مختلف نقش دارند و بدین ترتیب اشخاصی که به عنوان نماینده یا رئیس جمهور یا عضو شورای شهر در انتخابات رأی می‌آورند، به نوعی نماینده افکار و خواسته‌های آنها خواهند بود. در انقلاب‌ها و خیزش‌های اجتماعی نیز تأثیر بازار یا صاحبان سرمایه محسوس است. بی تردید این اشخاص در ازای خدمات خود توقعاتی نیز از مسئولان خواهند داشت.

۳- موقعیت اجتماعی بزهکاران: این موقعیت اعتماد ساز است و می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گرفته و جرماً باشد.

۴- فن‌آوری: رشد و شکوفایی اقتصادی در دهه‌های اخیر تا اندازه زیادی در گرو ظهور فن‌آوری‌های جدید در خصوص داد و ستد، نقل و انتقال نقدینگی، مکاتبات، تولید و مصرف بوده است. امروزه حجم عظیمی از خرید و فروش کالا و خدمات و نقل و انتقال سرمایه‌ها از طریق خدمات تجارت و بانکداری الکترونیکی و با استفاده

^۱ - برای اطلاعات بیشتر، در خصوص کلاهبرداری رایانه‌ای و مهندسی اجتماعی / social engineering،

ر.ک.: قناد، فاطمه، منبع پیشین.

از شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای نظیر اینترنت، اینترنت و اکسترانت سازمانها و مؤسسات اقتصادی صورت می‌پذیرد و بدون نیاز به حضور ملموس و همزمان طرفین رابطه تجاری، کالاها و خدمات خریداری شده، قراردادهای تجاری منعقد و مبالغ مورد نظر طرفین در سطح شبکه منتقل می‌گردد. از اینرو نظارت و کنترل متقابلی که در یک نظام سنتی در خصوص کیفیت کالا و خدمات و اعتبار ثمن معامله وجود دارد، در معاملات الکترونیکی اعمال نمی‌گردد. اگرچه پایگاههای تجاری الکترونیکی یا بانکداری الکترونیکی غالب تضمینهای لازم را ارائه می‌دهند، ولی همواره امکان سوء استفاده متقابل وجود دارد. از اینرو غالب نظامهای قانونگذاری و از جمله کشور ایران، نظام قانونگذاری خود را در زمینه معاملات و بانکداری و امضای الکترونیکی روزآمد نموده و ارتکاب جرایم تجاری و اقتصادی را با استفاده از فناوریهای نوین جرم‌انگاری نموده‌اند.

۵- جهانی شدن^۱: پدیده جهانی شدن که چالشی^۲ فراوری بشریت است، از دو بعد قابل بررسی است:

۱-۵- جهانی شدن اقتصاد، که نوعی جهانی شدن در ابعاد مادی محسوب و بیشتر در قالب شرکت‌های چند ملیتی متبلور می‌شود. این شرکتها از طریق انعقاد قراردادهای و اعزام مهندسين به کشور خریدار و جابجایی سرمایه‌ها و صادر نمودن کالاهای جدیدی که ارزشهای تازه‌ای را با خود به همراه می‌آورد مرزهای سیاسی موجود را پشت سر می‌گذارند. جهانی شدن اقتصاد به معنای بین‌المللی شدن مبادلات اقتصادی و عجین شدن سرنوشت دولت‌ها با یکدیگر است. مسلماً همراه با صادرات فناوری، دانش و فرهنگ مرتبط با آن نیز به کشورها صادر می‌شود^۳. مثلاً همراه با صادرات

خودرو به کشورهایی که خودرو نداشته‌اند فرهنگ رانندگی، مکانیکی و ماشین سواری نیز صادر می‌شود. لذا شهروندان کشور مخاطب ناچارند آن فرهنگ را بیاموزند. بدین ترتیب جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن ارزش‌ها را به دنبال دارد.

۲-۵- جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد سازمان ملل متحد نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی صورت می‌پذیرد. همراه با این اسناد، یک سلسله مضامین انسانی همچون برابری، عدم تبعیض و ... از حوزه یک قاره به حوزه قاره دیگر وارد می‌شود. دولت‌ها با ملحق شدن به چنین اسنادی مکلف می‌شوند که این مضامین را در نظام حقوقی خود وارد کنند. امروزه اصطلاح «قاچاق انسان»^۱ جهانی شده است که خود بیانگر یک ارزش است. بدین ترتیب جرم‌انگاری این پدیده در پرتو کنوانسیون پالمو ۲۰۰۰، به معنای جهانی شدن کرامت انسانی در برابر داد و ستد و اقتصاد و پول است.

بنابراین جهانی شدن از یک سو با مفاهیم اقتصادی و از سوی دیگر با مضامین حقوق بشر سر و کار دارد. جهانی شدن حقوق بشر به اخلاقی شدن جامعه بشری و رفتار دولت‌ها منجر می‌شود، اما جهانی شدن اقتصاد که در آن کسب سود و رقابت‌های اقتصادی هدف غایی فعالیتها است، امکان وقوع جرم و سوء استفاده از مبادلات اقتصادی را بالا می‌برد بگونه‌ای که می‌توان گفت جهانی شدن اقتصاد زمینه‌ساز سوء استفاده‌های بین‌المللی است. تطهیر درآمدهای نامشروع مهمترین شاهد این مدعا است. این جرم بی تردید یک جرم اقتصادی سازمان یافته است و از مجموعه اعمالی نظیر جعل، ارتشاء، و نفوذ در مقامات ذیربط تشکیل می‌شود.

عواید حاصل از فعالیتهای مجرمانه جنبه فراملی نیز دارد و عواید نامشروع، عمدتاً از کشوری به کشور دیگر حواله می‌شود. بدین ترتیب عده زیادی در این فرآیند مداخله می‌کنند و همچون حلقه‌های یک زنجیر به هم متصلند و از این رهگذر قوانین

¹ - Globalisation.

² - Défit/challenge

³ - Savoir- Faire/know-how

¹ - Traite des hommes.

کشورهای مختلفی نقض می‌شود. از اینرو امروزه روش جدیدی در حوزه کشف حلقه‌های این زنجیر در آیین دادرسی کیفری اتخاذ و معرفی شده که به «حمل و تحویل تحت نظارت»^۱ موسوم است. بدین معنا که محموله‌های حامل عواید نامشروع، کالاهای ممنوعه و قاچاق، تحت نظارت نامحسوس و نامرئی مأمورین دولتی از کشورهای مختلف عبور کرده و به مقصد می‌رسد و پس از کشف مقصد و شناسایی شبکه درگیر در این فعالیت مجرمانه، دستگیری تبهکاران توسط کلیه ضابطین کشورهای مسیر که درگیر حمل محموله بوده اند صورت می‌پذیرد و به جای آنکه هر کشور بطور جداگانه وارد عمل شده و محموله را بلافاصله پس از کشف، ضبط و افراد درگیر در حمل آنرا دستگیر کنند، امکان حمل محموله را فراهم آورده و بطور نامحسوس تبهکاران را تحت نظارت خود درآورده و تا مقصد همراهی می‌کنند. این روش امکان مبارزه مؤثرتری را بر علیه جرایم سازمان یافته و شبکه‌ای فراهم می‌آورد.^۲

این روش‌های جدید حربه‌ای برای کنترل و فروپاشی شبکه‌های تبهکاری تلقی می‌شود. همین امر در مورد جرم تطهیر از طریق نظام بانکی نیز صدق می‌کند و علی‌رغم اینکه پول‌های بدست آمده از منبع کثیف از بانک‌های چندین کشور عبور می‌کنند، برای شناسایی کل شبکه و هم‌دستان آنها در داخل نظام بانکی هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد تا زمانی که تمام اعضاء مرتبط دستگیر شوند. در واقع جهانی شدن اقتصاد سبب جهانی شدن جرایم شده است. جرم اقتصادی بیش از پیش منطقه‌ای و حتی جهانی است، و همین امر موجب تحول درونی حقوق کیفری شده است. آن چنان که در برخی قاره‌ها بجای پلیس ملی پلیس قاره‌ای (مثلاً پلیس اروپا) اقدام

^۱ - La Livraison Surveillée (Controlled Delivery).

^۲ - برای مطالعه تفصیلی حمل و نقل تحت نظارت، ر.ک: اردبیلی، دکتر محمدعلی، حمل و تحویل تحت نظارت، انتشارات ستاد مبارزه با مواد مخدر، کمیته معاضدت قضایی.

می‌کند. این پلیس از مأمورین پلیس کشورهای اروپایی تشکیل شده اما فراملی است و به پلیس‌های ملی کمک می‌کند. در سطح منطقه اکو^۱ صحبت از تشکیل پلیس اکو^۲ است که هدف آن مبارزه هماهنگ با قاچاق، تطهیر و نظایر آن می‌باشد.

در کنار کلیه عوامل و نظریات فوق بنظر می‌رسد که اوضاع و احوال اقتصادی یا نظام اقتصادی و قدرت سیاسی نیز بر جرایم اقتصادی مؤثرند. به عبارت دیگر در یک بررسی جرم‌شناسی کلان، نقش نظام اقتصادی و سیاسی بعنوان دو محیط اجتماعی عمومی باید مورد بررسی قرار گیرد.^۳

د- نظریات مرتبط با محیط اجتماعی

۱- تأثیر شرایط اقتصادی بر بزهکاری

حسب مطالعات جامعه‌شناسی جنایی، میان خصوصیات کلی جرایم در کشورهای سرمایه‌داری با خصوصیات کلی آنها در کشورهای سوسیالیستی سابق مثل شوروی و آلمان تفاوت وجود داشته است.^۴ به این معنا که در کشورهای سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود و مهار آن سرلوحه کلیه برنامه‌ها و شعارهای اولیه نامزدهای انتخاباتی و مسئولین این کشورها است. در چنین

^۱ - منظور قلمرو ده کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی منطقه‌ای (اکو ECO) می‌باشد. این کشورها عبارتند از ایران، ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، ازبکستان، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان.

^۲ - ECO Police

^۳ - محیط بر دو نوع است:

- محیط اجتماعی عمومی که برای کلیه افراد مشترک است؛
- محیط اجتماعی شخصی (خصوصی) که برای هر فرد ویژگی‌های خاص خود را دارد.

^۴ - ریموندگسن، جرم‌شناسی، ترجمه دکتر کی‌نیا، صص ۴۰-۵۵.

نظام‌هایی کسب سود به منظور تملک بیشتر اموال و امکان دارا شدن در پرتو فعالیت‌های اقتصادی سبب می‌شود که ما به نوعی با مجرمین یقه سفید روبرو باشیم. این امر در کشورهای سوسیالیستی سابق یا کشورهای که نظام کمونیستی دارند برعکس است. مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند و از آنجا که دولت کلیه هزینه‌های آنان را بر عهده می‌گیرد بحث فاصله طبقاتی نیز وجود ندارد و به تبع جرم اقتصادی و یقه سفیدی نیز فاقد موضوعیت است زیرا اساساً تعریفی از مالکیت خصوصی ارائه نشده و انگیزه‌ای برای کسب سود و جمع‌آوری سرمایه وجود ندارد. لیکن باید توجه داشت که در چنین نظام‌هایی جرایم مرتبط با موقعیت و سوءاستفاده از قدرت و مقام به وفور رخ می‌دهد.

در این نظام‌های اقتصادی صاحب منصبان دولتی زمینه‌های ارتکاب برخی جرایم را ایجاد می‌کنند و برای دستیابی به یک زندگی بهتر، فساد دولتی را گسترش می‌دهند و در بسیاری موارد، با سوءاستفاده از مقام و موقعیت، مبالغی فراتر از حقوق ماهیانه خود، بدست می‌آورند. در نظام‌های دارای اقتصاد آزاد نیز، جرایم اقتصادی قابل تصور است. در دوران شکوفایی اقتصادی، عرضه و تقاضا به بالاترین سطح خود می‌رسد. بر عکس، دوران رکود، دوره سوء اشتغال، و کاهش قدرت خرید است و هر دوی این اوضاع و احوال بر جرم اقتصادی تأثیر گذار است. به عبارت دیگر، بزهکاری در این دو دوره ویژگی‌های خاص خود را دارد که به تفکیک قابل بررسی هستند.

۱- دوران رشد و شکوفایی اقتصادی:

رشد اقتصادی در این دوره تأثیر مقطعی، دایمی یا حرفه‌ای بر بزهکاری می‌گذارد. به عبارت دیگر، در این دوره با سه نوع بزهکاری مقطعی، متعارف و حرفه‌ای مواجهیم. بزهکاری مقطعی در این دوره بسیار ضعیف و غیرملموس است، زیرا در

این دوران، ثروت‌اندوزی دورنمایی نامتناهی دارد. فقدان هر گونه تنش و فشار برای کسب درآمد موجب می‌شود که اشخاص تمایلات منحرفانه و مجرمانه خود را تحت کنترل درآورند. اما نرخ بزهکاری متعارف و معمول، ثابت است زیرا در این دوره امکان رقابت برای همه وجود دارد. در عوض امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بسیار بالا است زیرا بزهکاران حرفه‌ای از ساده لوحی بعضی از بزه دیدگان برای کسب سود بیشتر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، بزهکار حرفه‌ای فعالیت خود را بر سرمایه‌ای استوار می‌کند که در دوره رشد اقتصادی از فعالیت‌های غیر مجاز بدست آورده است.

۲- دوران رکود اقتصادی:

در این دوران وضع اقتصادی مساعد نیست و میزان مصرف و نیز سرمایه‌گذاری با کاهش چشمگیری مواجه است. در مقابل نرخ بیکاری و بزهکاری در چنین بستری به سمت افزایش متمایل است. در دوره رکود، مؤسسات و شرکت‌های تجاری آسیب‌پذیر شده و مدیران در پی راهکارهایی برای حفظ موجودیت مؤسسه تجاری خویشند و در حالیکه در شرایط عادی بهیچ عنوان مرتکب جرم نمی‌شوند، در چنین شرایطی، به آسانی بسوی فعالیت‌های مجرمانه حرکت می‌کنند. بزهکاری به عادت و متعارف نیز در این دوران افزایش می‌یابد زیرا اعتمادی به آینده اقتصادی کشور وجود ندارد. جرایمی که در این دوران اتفاق می‌افتند جنبه اقتصادی ندارند اما ریشه آنها غالباً اقتصادی است. جرایم متعارف و عمومی نظیر سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری که جنبه مالی دارند و جرایم رفتاری نظیر اعمال منافی عفت که غالباً ریشه در فقر و رکود اقتصادی دارند و حتی حالتی که فاقد عنوان مجرمانه‌اند اما ممکن است زمینه‌ساز ارتکاب جرم باشند، نظیر فرار از خانه، افسردگی، طلاق و نظایر آن بیشترین شیوع را در این دوران دارند. بعلاوه بسیاری از انحرافات اخلاقی نیز در این دوران شایع می‌گردد، زیرا بیکاری و سوءاشتغال حتی در مواردی که فرد از بیمه بیکاری و خدمات درمانی نیز بهره‌مند است موجب نوعی بی‌هویتی و سردرگمی در

فرد می‌گردد، و از دست دادن جایگاه صحیح اجتماعی و بی‌هویتی^۱، فرد را بسوی بسیاری از انحرافات اخلاقی همچون اعتیاد، ولگردی و در مواردی خودفروشی سوق می‌دهد که تمامی ریشه در رکود اقتصادی دارد.

در مقابل، بزهکاری حرفه‌ای به ثبات می‌رسد و در حد متعارف باقی می‌ماند.

۲- تأثیر قدرت سیاسی^۲ بر بزهکاری

قدرت سیاسی از یک منظر مشتمل بر قوای سه‌گانه یک کشور است و عده‌ای تحت عنوان «قدرت عمومی» از آن یاد کرده‌اند که نهادهای دولتی و غیر دولتی را که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند، در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، قوه مقننه یا قانونگذاری هسته اصلی قدرت و قلب قدرت سیاسی تلقی می‌شود. اعضای این قوه که منتخب مستقیم مردم در سراسر کشور هستند، بواسطه اختیارات ویژه خود می‌توانند، قوای قضاییه و مجریه را تحت نظارت قرار دهند.^۳ مهم‌ترین قدرت قوه مقننه نقش قانون‌گذاری اوست و قانون فصل‌الخطاب همه مسائل در جامعه است.^۴

با در نظر گرفتن اینکه هر قانونی که مورد تصویب قرار می‌گیرد یک جهت‌گیری کلی دارد، قوه مقننه از این طریق و با جهت‌گیری‌هایی که انجام می‌دهد، می‌تواند بر نرخ بزهکاری اقتصادی تأثیر گذارد. مسلماً چنانچه جهت‌گیری‌های لوایح، اقتصادی باشد ارزش‌های جدیدی به وجود آمده و نقض آنها جرم‌انگاری می‌شود و بر تعداد جرایم می‌افزاید و به تبع بر تعداد مجرمین نیز افزوده می‌شود. بر عکس، چنانچه قانون‌گذار با یک جهت‌گیری و اقدام عمومی، یک سلسله جرایم و محکومیت‌ها را نادیده بگیرد نرخ بزهکاری پایین می‌آید. نتیجه آنکه نوسانات بزهکاری تا اندازه زیادی تحت تأثیر اقدامات قوه مقننه است.

^۱ - جایگاه شغلی هر فرد از ارکان هویت اجتماعی وی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، هر انسانی در کنار تأمین نیازهای مادی، به یک کسب و کار ثابت و دایمی نیازمند است. در دوره رکود اقتصادی به لحاظ عدم اشتغال، هویت اجتماعی افراد بیکار و یا بیکار شده شدیداً در معرض زلزول و خطر قرار می‌گیرد. اگر چه بیکاران برای مدت کوتاه، از این که بواسطه بهره‌مندی از بیمه بیکاری نیازهای مادی‌شان رفع شده خوشحالند، اما بواسطه عدم بهره‌مندی از یک جایگاه و هویت اجتماعی در جامعه در رنجند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: بحران اقتصادی و بزهکاری، دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۵.

^۲ - Le pouvoir politique.

^۳ - هر نماینده مجلس حق تفحص و جستجو در کلیه نهادهای کشور را دارد.

^۴ - قانون‌گذاری از دو طریق امکان پذیر است: از طریق طرح نمایندگان در مجلس و از طریق لوایحی که از طرف اعضای هیأت دولت یا به موجب اختیارات حاصل از بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، از سوی رئیس قوه قضاییه به مجلس ارائه می‌شود.

الف- کتاب شناسی

- ۱- گسن، ریمون، جرم شناسی نظری / ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۲- مصوبات هیأت وزیران و شورای عالی اداری، آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی - مستخرج از روزنامه رسمی شماره ۸۳/۱۲/۲۴/۱۷۴۹۳.
- ۳- دستورالعمل سازماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقا رفتار سازمانی در قوه قضاییه روزنامه رسمی چهارشنبه ۸۴/۱۲/۱۰ شماره ۱۷۷۷۴.
- ۴- دستورالعمل اجرایی مقررات پیشگیری از پول شویی در بانک.
- ۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، تهیه و تنظیم حمید بهره‌مند و محمد صادری.
- ۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، تهیه و تنظیم کاظم تقدیر.
- ۷- کشف جرایم یقه سفیدها، ترجمه گروه مترجمین ناجا ۱۳۷۹، معاونت آموزش ضمیمه درس جرم شناسی دوره ارشد دکتری.
- ۸- سید درید موسوی حجاب، بزهکاران یقه سفیدی، نشریه مدرس (دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس)، دوره ۸، شماره ۳، پاییز ۸۳.
- ۹- فساد و حکومت، علل و راهکارهای برون رفت، رحمت الهی، حسین، اندیشه‌های حقوقی، سال دوم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۸۳، صص ۱۱۷-۱۴۹.
- ۱۰- قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب ۸۳.
- ۱۱- لایحه بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۴/۷/۲۴.

۲۳۷۲ مباحثی در علوم جنایی

- ۱۲- طرح الحاق یک بند و یک تبصره به ماده یک قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹، و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن، مصوب در ۸۴/۷/۱۹.
- ۱۳- متن لایحه مبارزه با پول شویی، اعاده شده از شورای نگهبان.
- ۱۴- متن ۲ ماده قانون مجازات فرانسه در مورد دو جرم به ستوده آوری جنسی و اخلاقی، ژانویه ۲۰۰۲.
- ۱۵- قانون تجارت الکترونیکی، مصوب ۱۳۸۲.
- ۱۶- قانون نظام صنفی کشور، مصوب ۱۳۸۲.
- ۱۷- کنوانسیون مبارزه با فساد مالی، مجله حقوقی شماره ۳۲، تابستان ۸۴.
- ۱۸- کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی، جرایم اقتصادی و پولشویی دکتر احمد باقرزاده، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۱۹- لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان.
- ۲۰- لایحه پیش نویس قانون جدید امور گمرکی (با آخرین اصلاحات آبان ماه ۸۳).
- ۲۱- لایحه قانون جرایم رایانه‌ای.
- ۲۲- حقوق جزای اختصاصی، جلد پنجم، دکتر محمد صالح ولیدی، صص ۱۳۰-۲۶.
- ۲۳- قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها، مصوب ۳۷/۱۲/۱۹.
- ۲۴- قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، مصوب ۱۳۷۲.
- ۲۵- مواد و مقررات جزایی قانون تجارت، مصوب سال ۸۴.
- ۲۶- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت.

جرم‌شناسی ۲۳۷۳

۲۷- قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، مصوب ۱۳۱۵/۹/۲۹.

۲۸- جزوه آموزشی آشنایی با بازار سرمایه (بورس، دریچه‌ای به اقتصاد فردا).

۲۹- لایحه انتشار اطلاعات مربوط به جرایم مالی و اقتصادی.

۳۰- ضمیمه یادداشت‌های درس جرم‌شناسی، سیاست جنایی و جامعه‌شناسی جنایی (ضمیمه شماره ۲) نمودار رشته‌های تخصصی تشکیل دهنده رشته‌های علوم جنایی.

۳۱- نمودار اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش‌های مفاسد اقتصادی بر اساس مقام معظم رهبری.

۳۲- دستورالعمل نحوه رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و موضوع تبصره ۱ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۷۴/۳/۹.

۳۳- قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹.

ب- قوانین مرتبط با بزهکاری اقتصادی در نظام حقوقی ایران

قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۶۳

ماده ۹: اگر در ضمن دادرسی معلوم گردد که اموال و دارایی نامشروع به نحوی از متصرف نامشروع منتقل به دیگری گردیده و فعلاً در اختیار او نیست متصرف فعلی این اموال و دارایی بنا بر حکم ضمان ایادی متعاقبه ضامن است و نسبت به عین مال مطابق ماده ۷ رفتار خواهد شد (ماده ۷: در صورتی که اموال نامشروع از اموال عمومی یا انفعال باشد محکوم به در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد).

۲۳۷۴ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۱۳: در صورتی که دادگاه احراز کند که شکایت شاکی از روی سوء نیت و برخلاف واقع است شاکی به مجازات مفت‌تری محکوم خواهد شد و با گذشت مفت‌تری علیه تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

ماده ۱۴: هرگونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ ق.ا. به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات، باطل و بلااثر است. انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد.

قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ و ۲۶ مهر ۱۳۰۹

ماده ۹: هرگاه معلوم شود که مستدعی تصدیق با علم به عدم وراثت خود تحصیل تصدیق وراثت نموده و یا با علم به وجود وراثتی غیر از خود تحصیل تصدیق برخلاف حقیقت کرده است کلاهبردار محسوب و علاوه بر ادای خسارت به مجازاتی که به موجب قانون برای این جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱: هرگاه متصرفین مال به اشخاص مجهول الوارث و یا مدیونین به اشخاص مزبور بعد از انقضای مدتی که به موجب ماده ۶ مقرر است مال و یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق تبصره ماده مذکور تسلیم و یا تأدیه نمایند به مجازاتی که به موجب قوانین جزایی برای خیانت در امانت مقرر شده محکوم خواهد شد.

قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده و می‌شوند مصوب ۷ دی ۱۳۷۲

ماده واحده: اشخاصی که بدون اخذ مجوز از مراجع قانونی اقدام به ایجاد مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از قبیل دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی یا تحقیقاتی، مدرسه و آموزشگاه که از وظایف وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ

جرم‌شناسی ۲۳۷۵

و ارشاد اسلامی می‌باشد، نمایند و بعد از صدور دستور انحلال طبق ضوابط مقرر مؤسسه یا واحد مربوط را دائر نگهدارند در حکم کلاهبردار محسوب و در صورت شکایت وزارتخانه مربوط تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.

قانون تشدید مجازات محکوران و گرانفروشان مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۶۷

ماده ۶: چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد، به مجازات آن محکوم می‌شود.

قانون نظام صنفی مصوب ۱۳ تیر ۱۳۵۹

نسخ شده است (در سال ۸۲).

ماده ۸۱: کسانی که پلمپ و یا لاک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحا برای کسب مورد استفاده قرار دهند به مجازات مقرر در ماده ۱۱۳ ق مجازات عمومی محکوم می‌شوند.

(م ۱۱۳: از ۶ ماه تا ۲ سال حبس و جریمه ۵۰ تا ۳۰۰ ریال در صورتی که مرتکب مستحفظ باشد ۱ تا ۳ سال حبس و به واسطه اهمال مستحفظ از ۱ تا ۶ ماه حبس. در حال حاضر ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی)

ماد ۸۲: هرگاه برای تخلفات مذکور در قانون نظام صنفی در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد.

قانون منع خرید و فروش کویپنهای کالاها اساسی مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۶۷

ماده ۶: حواله‌هایی که به واحدهای دولتی یا سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی داده می‌شود در حکم اوراق بهادار است و مشمول عناوین مواد این قانون خواهد بود.

۲۳۷۶ مباحثی در علوم جنایی

(ماده ۱: کلیه کویپنهای کالاها اساسی و سوخت و دیگر کویپن‌هایی که مایحتاج مردم به وسیله آن تأمین می‌شود در حکم اوراق بهادار است و جعل و دخل و تصرف و دزدی به خرید و فروش و سوء استفاده کویپنهای مربوط به وزارتخانه‌ها و ... تخلف محسوب و متخلف به مجازاتهای مذکور در مواد آتی محکوم می‌گردد).

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند؛ مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۶۵

ماده ۱: کسانی که غالباً لباسها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروهایی ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند یا بفروشند و یا در ملاء عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیاء مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود.

ماده ۲: مجازات تعزیری تولید کنندگان داخلی و وارد کنندگان و فروشندگان و استفاده کنندگان البسه و نشانه‌های مذکور در ماده ۱ به شرح ذیل خواهد بود.

۱- تذکر و ارشاد ۲- توبیخ و سرزنش ۳- تهدید ۴- تعطیلی محل کسب به مدت ۳ ماه تا ۶ ماه. در مورد فروشنده و جریمه نقدی از ۵۰۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال و در مورد وارد کننده و تولید کننده و ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده. ۵- لغو پروانه کسب در مورد فروشنده و ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

جرم‌شناسی ۲۳۷۷

قانون استفاده از بی‌سیم‌های اختصاصی و غیرحرفه‌ای مصوب ۱۳۴۵

ماده ۱۲: در صورتی که اعمال مذکور در این قانون مشمول مجازاتهای شدیدتری در سایر قوانین باشد مجازات شدیدتر اجرا خواهد شد.

قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳ آبان ۱۳۶۶

ماده ۱۵: هرکس صندوق یا باجه‌ها یا تجهیزات پستی را که برای انتفاع عموم نصب شده عمداً هدم و یا تخریب یا تضييع کند؛ علاوه بر پرداخت خسارت وارده باتوجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم به مجازات تخریب اموال دولتی محکوم خواهد شد و ... (ماده ۴۲ ق.م.ا.ت.عزیرات و مواد ۵۵۸ الی ۵۶۹ ق.م.ا.)

ماده ۱۶: هر یک از کارکنان شرکت یا مستخدمین یا مأمورین دولت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده‌اند یا با ارائه فعالیت آنها موافقت شده، مراسلات و نامه‌های اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا بازرسی یا توقیف یا معدوم نماید یا مندرجات و مطالب آنها را بدون اجازه صاحبان آنها افشا یا آشکار کند، علاوه بر مسؤولیت مدنی در مقابل صاحب مراسله باتوجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم به کیفر جرایم مذکور مندرج در ماده ۶۴ ق.م. (تعییرات) محکوم خواهد شد (م ۶۴: مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از ۶ ماه تا ۳ سال ماده ۵۸۲ ق.م.ا.: ۱ تا ۳ سال حبس یا جزای نقدی ۶ تا ۱۸ میلیون ریال).

ماده ۱۷: هر یک از کارکنان شرکت یا اشخاصی که به هر نحوی به همکاری و خدمت دعوت شده‌اند یا با ادامه فعالیت آنها موافقت شده تمام یا بعض مجموعه سپرده شده به وی یا اداره پست را در هر یک از مراحل پستی به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کند این عمل در حکم اختلاس محسوب می‌شود و مرتکب

۲۳۷۸ مباحثی در علوم جنایی

علاوه بر مسؤولیت مدنی در مقابل صاحب محموله به کیفر اختلاس محکوم خواهد شد.

قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۵۳

ماده ۳: هر یک از کارکنان سازمانهای مذکور در ماده ۱ یا اشخاص دیگر که اطلاعات یا مذاکرات یا تصمیمات سری و محرمانه دولتی را به نحوی از انحا به کسی که صلاحیت اطلاع بر آن را ندارد بدهد یا موجبات افشاء آنها را فراهم نماید عمل مرتکب در حکم افشا یا انتشار اسناد سری یا محرمانه دولتی محسوب می‌شود.

ماده ۵: در صورتی که اعمال فوت به موجب قوانین دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۸ اسفند ۱۳۵۳

ماده ۱۱: در صورتی که برای اعمال مذکور در ماده ۱ این قانون به موجب قوانین دیگری مجازات مقرر شده باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۵ تیر ۱۳۶۴

ماده ۸۵: مجازات کسی که با اتخاذ سمت مجهول در انتخابات دخالت کند (موضوع بند ۱۱ ماده ۳۳) تا ۵۰ ضربه شلاق خواهد بود و هرگاه مرتکب سندی هم در این باره جعل نموده باشد مجازات جعل و تزویر را خواهد داشت.

ماده ۹۲: مجازات تخلف از ماده ۷۱ در مواردی که افترا یا نشر اکاذیب باشد همان مجازات افترا یا نشر اکاذیب است در غیر موارد فوق، مجازات آن تا ۳ ماه

جرم‌شناسی ۲۳۷۹

حبس خواهد بود (ماده ۷۲: داوطلبان ریاست جمهوری و طرفداران آنها در تبلیغات انتخاباتی به هیچ وجه مجاز به هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی نیستند و متخلفین طبق مقررات مجازات خواهند شد.

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷ آذر ۱۳۷۸

مواد اولیه مقرر نموده چه اعمالی جرم است و فصل جداگانه‌ای مربوط به مجازات در قانون پیش‌بینی شده

ماده ۵۸: هیچ کس حق ندارد آگهی تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی را که در محلهای مجاز الصاق گردیده در زمان قانونی تبلیغات پاره و یا معدوم و یا مخدوش نماید و عمل مرتکب جرم محسوب می‌شود.

ماده ۸۰: مجازات تخلف از مقررات مواد ۵۷ و ۵۸ پراخت پانصد هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

ماده ۶۶: علاوه بر جرایم مندرج در این قانون، ارتکاب امور ذیل جرم محسوب می‌شود: (۱۸ مورد)

بند ۹: کم و زیاد کردن آراء یا تعرفه‌ها، بند ۱۰: تقلب در رأی‌گیری و شمارش آنها، بند ۱۱: تقلب و تزویر در اوراق تعرفه یا برگ رأی یا صورتحساب، بند ۱۲: توصیه به نوشتن اسم کاندیدای معین در ورقه رأی از طرف اعضا شعبه اخذ رأی و ناظرین و بازرسین...، بند ۱۶: ایجاد رعب و وحشت برای رأی دهندگان یا اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی با اسلحه یا نبودن اسلحه در امر انتخابات.

ماده ۷۶: مجازات مرتکبین جرایم و تخلفات مقرر در بندهای ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۸ ماده ۶۶ از شش ماه تا دو سال یا ۳ میلیون تا پانزده میلیون ریال و حسب مورد انفصال از خدمات دولتی از ۶ ماه تا ۲ سال و ۱۲ سال محرومیت از عضویت در هیأت‌های اجرایی و نظارت و شعب اخذ رأی می‌باشد.

۲۳۸۰ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۷۷: مجازات مرتکبین جرایم مقرر در بند ۱۶ ماده ۶۶ اعم از مباشر و یا معاون و یا تحریک کننده در صورتی که محاربه صدق نکند همان مجازات مقرر در ماده ۶۱۷ ق.م.ا است.

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌نمایند، مصوب ۳ مرداد ۱۳۰۷

ماده ۱: هرگاه اشخاصی با یکدیگر تبانی کرده و برای بردن مالی که متعلق به غیر است بر همدیگر اقامه دعوی نمایند، این اقدام آنها جزء تثبیت به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری که به موجب ماده ۲۳۸ ق.م.عمومی پیش‌بینی شده است محسوب و به مجازات مندرج در ماده مزبور محکوم خواهند شد. (م ۲۳۸: ۶ ماه تا ۳ سال حبس و جریمه از ۱۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال).

ماده ۲: اشخاصی که به عنوان شخص ثالث در دعوی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکمی اعتراض کرده یا بر محکوم به حکمی مستقیماً اقامه دعوی نمایند و این اقدامات آنها ناشی از تبانی با یکی از اصحاب دعوی برای آن مال یا تضییع حق طرف دیگر دعوی باشد کلاهبردار محسوب و علاوه بر تأدیه خسارت وارده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد. تبانی هر یک از طرفین دعوی اصلی با اشخاص فوق نیز در حکم کلاهبرداری است و مرتکب به مجازات مذکوره محکوم می‌گردد.

قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۵ و ۸ فروردین ۱۳۰۸

ماده ۱: کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸

جرم‌شناسی ۲۳۸۱

ق.م عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد

ماده ۸: کسانی که معاملات تقلبی مذکوره در مواد فوق را به وسیله اسناد رسمی نموده یا بنمایند جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق قوانین مربوطه به این موضوع مجازات خواهند شد.

قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند مصوب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۸

ماده ۲: محکوم علیه یا مدیون یا ضامن یا وکیلی که بدون مجوز قانونی و با علم به اینکه مال متعلق به او نیست، مال خود معرفی کرده و عملیاتی که نسبت به آن مال شده باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۲۳۸ ق.م عمومی مجازات خواهد شد.

قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱

ماده ۱۱۵: اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند: الف: مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم‌الشرکه دفتری و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی و اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ماده ۳۴۹: اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که برای مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي عمل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده به تحویلدار بود به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

۲۳۸۲ مباحثی در علوم جنایی

م ۵۴۹؛ م ۵۵۱؛ م ۵۵۳ (ورشکستگی به تقلب) م ۵۵۳: اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموالی را از میان ببرند یا مخفی کنند یا پیش خود نگهدارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

قانون تخلفات، جرایم و مجازاتهای مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه‌ای مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۷۰

ماده ۳: اشخاصی که از وظایف مقرر در مواد ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۶، تبصره ماده ۲۶، تبصره یک ماده ۳۶ و مواد ۳۸ و ۴۳ قانون ثبت احوال خودداری کنند علاوه بر الزام به انجام تکالیف قانونی به پرداخت جزای نقدی از ۱۵۰،۰۰۰ تا ۳۰۰،۰۰۰ هزار ریال محکوم می‌شوند و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم خواهند شد. (ماده ۱۹: ماما یا پزشکی که در حین ولادت، حضور و در زایمان دخالت داشته مکلف به صدور گواهی ولادت و ارسال یک نسخه آن به ثبت احوال محل در مهلت اعلام می‌باشد) (تبصره ماده ۳۶: اصلاحی ۶۳/۱۰/۱۸: شناسنامه‌های نمونه جدید افرادی که به سن ۱۵ سال تمام می‌رسند باید الصاق به عکس همان سال و اثر انگشت به کلاسمان انگشت‌نگاری صاحب آن باشد).

قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰

ماده ۲۸: هرگاه نسبت به این قبیل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظامنامه مکلف به دادن عرضحال اعتراض و تعقیب دعوی و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملک دیگری برای ذکر حقوق ارتفاقی املاک وقف و حبس و ثلث باقی

جرم‌شناسی ۲۳۸۳

شده است هرگاه اشخاص مذکور در فوق در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننمایند به مجازات خائنین در امانت محکوم می‌شوند.

ماده ۱۰۰: هریک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی که غالباً یکی از جرم‌های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقید است، محکوم خواهد شد: اولاً: اسناد مجعوله یا مفروزه را ثبت کند ثانیاً: سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید. ثالثاً: سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند. رابعاً: تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند

ماده ۱۰۹: هرکس نسبت به ملکی که در تصرف دیگری بوده خود را متصرف قلمداد کرده و تقاضای ثبت کند کلاهبردار محسوب می‌شود.

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۲۵ مرداد ۱۳۴۶

ماده ۵۲: علامت ویژه جنگلبانی علامت رسمی دولتی است و تقلید کننده جاعل محسوب و طبق ماده ۹۹ ق مجازات عمومی تعقیب خواهد شد (م ۵۲۹ ق.م.ا).

قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۲۰

ماده ۱۱: حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه‌آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه‌آهن مواد مزبور را در جامه‌دانه‌ها و اثاثیه خود حمل کند یا آنها را به قسمت حمل و نقل اثاثیه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه‌آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تأدیه غرامت از دویست تا هزار ریال خواهد گردید در صورتی که عمل

۲۳۸۴ مباحثی در علوم جنایی

مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد، مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰: هرگاه کارمند راه‌آهن از ساختمانها، تجهیزات، کارخانجات، تأسیسات ثابت و وسائط نقلیه و غیر از آن نقشه، عکس یا اطلاعاتی که جنبه سری دارند و افشاء آن برخلاف مصالح راه‌آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد یا کسی را برای بدست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس مجرد از دو تا ۵ سال محکوم می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی قانون جلوگیری از تردد موتور سیکلت‌های فاقد شماره راهنمایی و رانندگی مصوب ۹ خرداد ۱۳۷۵ هیأت وزیران

ماده ۱۱: موضوع جعل و تزویر نسبت به اسناد فوق‌الذکر جعل در اسناد دولتی محسوب و مرتکبین به مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهند شد.

آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۷ با اصلاحیه‌های بعدی ماده ۱۹۳: (اصلاحی‌های مورخ ۱۳۴۷/۱۱/۶، ۱۳۵۱/۱/۲۷): متخلفین از مواد ۲ (جز ۱۳۴۵) و ۳ و ۷ تا ۹ و ۱۲ تا ۱۵ و ۱۶ (جز در موردی که مشمول ماده ۴ قانون مجازات استفاده کنندگان از پلاکهای تقلبی: مصوب ۱۳۴۵ می‌باشد) و ۲۰ و ۲۱ (جز در مواردی که مشمول قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۲۸ است) و ۲۸ و ۲۹ و ۳۱ در صورت رانندگی و ۳۷ تا ۴۰ و ۴۲ و ۴۵ تا ۵۲ و ۵۴ تا ۸۵ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۲ تا ۱۷۷ و ۱۷۸ (در مورد وسایل نقلیه غیرموتوری) ۱۷۹ و ۱۸۱ تا ۱۹۲ به پرداخت غرامت از یکصد ریال تا دویست ریال یا حبس تک‌دیری از ۲ روز تا ۱۰ روز و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد مگر در مواردی که تخلف آنان به موجب

جرم‌شناسی ۲۳۸۵

مقررات مخصوص مستوجب مجازات خاصی باشد که در آن صورت باید طبق همان مقررات رفتار شود.

قانون شکار و صید مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۴۶

ماده ۲۲: در مورد جرایم مذکور این قانون هرگاه عمل ارتكابی طبق سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۲۲ اسفند ۱۳۷۴

ماده ۳۲: اخذ پروانه کسب و پیشه در محلها و امور موضوع ماده ۴ این قانون موکول به داشتن مدارک صلاحیت حرفه‌ای خواهد بود. در محلهای یاد شده اقدام به امور زیر تخلف از قانون محسوب می‌شود الف: مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مدارک صلاحیت در امور فنی که اشتغال به آن مستلزم داشتن مدرک صلاحیت است ب

ماده ۳۴: شهرداریها و سایر مراجع صدور پروانه و کنترل و نظارت بر اجرای ساختمان و امور شهرسازی، مجریان ساختمانها و تأسیسات دولتی و عمومی، صاحبان حوزه‌های مهندسی ساختمان و شهرسازی و مالکان و کارفرمایان در شهرها، شهرکها و شهرستانها و سایر نقاط واقع در حوزه شهری مشمول مقررات ملی ساختمان و ضوابط و مقررات شهرسازی مکلفند مقررات ملی ساختمان را رعایت نمایند. عدم رعایت مقررات یاد شده و ضوابط مقررات شهرسازی تخلف از این قانون محسوب می‌شود.

۲۳۸۶ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۴۰: متخلفان از مواد ۳۲ و ۳۴ و تبصره آن توسط مراجع قضایی حسب مورد به پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا ده میلیون ریال محکوم می‌شوند. پرداخت جزای نقدی مانع از پیگیری انتظامی نخواهد بود.

قانون معادن مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۷

ماده ۱۹: هرکس بدون اخذ پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری و یا اجازه برداشت اقدام به حفاریهای اکتشافی، استخراج، برداشت و بهره‌برداری مواد معدنی نماید متصرف در اموال عمومی و دولتی محسوب می‌شود و با او برابر قوانین و مقررات مربوط رفتار خواهد شد.

قانون نظام مهندسی معدن مصوب ۲۵ بهمن ۱۳۷۹

ماده ۳۱: اقدام به امور زیر تخلف از قانون محسوب و متخلفان توسط مراجع ذیصلاح قضایی تحت پیگرد و مجازات قرار می‌گیرند: الف: مداخله اشخاص حقیقی و حقوقی فاقد مدرک صلاحیت در امور فنی که اشتغال به آن مستلزم داشتن مدرک صلاحیت است.

ماده ۳۲: اصول و قواعدی که رعایت آنها در طراحی، محاسبه، اجرای عملیات اکتشاف و تجهیز و بهره‌برداری معادن و کارخانجات، بهره‌دهی مناسب فنی و صرفه اقتصادی ضروری است به وسیله وزارت صنایع و معادن تدوین می‌شود. . . . مقررات فنی مذکور به طور ادواری و عنداللزوم با رعایت ترتیب مندرج در این ماده قابل تجدید نظر می‌باشد. صاحبان حرفه‌های مهندسی معدن، مکتشفان و بهره‌برداران معادن و کارخانجات مکلفند مقررات موضوع این ماده را رعایت کنند عدم رعایت مقررات یاد شده تخلف از قانون محسوب می‌شود.

جرم‌شناسی ۲۳۸۷

ماده ۳۶- متخلفان از مواد (۳۱) و (۳۲) این قانون توسط مراجع قضایی حسب مورد به پرداخت جزای نقدی از پانصد هزار تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شوند. پرداخت جزای نقدی مانع از پیگیری انتظامی و جبران خسارت وارد شده توسط متخلف نمی‌باشد. جزای نقدی موضوع این ماده هر ۳ سال یک بار براساس شاخص تغییر قیمت‌ها که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود تعدیل می‌گردد و جوه حاصله به ردیف خاصی درخزانه واریز می‌گردد.

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷ آبان ۱۳۷۶

ماده ۴۰ الحاقی: هرکس عالمماً یا عامداً به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، مصرف و عرضه مواد صنعتی و شیمیایی از قبیل انیدرید استیک، اسید انتراتیلیک، اسید فنیل استیک، کلرور استیل و سایر مواد مندرج در جداول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کمیسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن نماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف، نگهداری یا صدور کدئین و متادون اقدام بنماید با رعایت تناسب و باتوجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.

قانون کار مصوب ۲۹ آبان ۱۳۶۹

ماده ۳۸: برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود. تبعیض در تعیین میزان مزد براساس سن، جنس، نژاد و قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.

۲۳۸۸ مباحثی در علوم جنایی

ماده ۴۵: کارفرما فقط در موارد ذیل می‌تواند از مزد کارگر برداشت نماید: الف: موردی که قانون صراحتاً اجازه داده باشد ب: هنگامی که کارفرما به عنوان مساعده وجهی به کارگر داده باشد. ج ... د ...

ماده ۵۹: در شرایط عادی ارجاع کار اضافی به کارگر با شرایط ذیل مجاز است الف: موافقت کارگر ب: پرداخت ۴۰٪ اضافه بر مزد هر ساعت کار عادی.

ماده ۱۷۴: متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۳۸، ۴۵، ۵۹ و ... برای هر مورد تخلف حسب مورد علاوه بر رفع تخلف یا تأدیه حقوق کارگر و یا هر دو در مهلتی که دادگاه با کسب نظر نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تعیین خواهد کرد به ازای هر کارگر به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد ۱- برای ۱۰ تا ۲۰ نفر ۵۰ تا برابر حداقل مزد روزانه یک کارگر ۲- ...

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۷۴

ماده ۱۴: فعالیت کارخانجات و کارگاههای جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننماید و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورد ممنوع است. **ماده ۱۶:** در صورتی که صاحبان مسئولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای آلوده کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط نمایند در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذیربط محل که بلافاصله توسط مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می‌شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد ...

ماده ۱۷: در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌تواند کارخانجات و کارگاههایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در بر داشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت

جرم‌شناسی ۲۳۸۹

استنکاف به حکم رئیس دادگاه محل تا رفع موجبات خط تعطیل نماید. ماده ۲۹: صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴، ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از ۲ تا ۶ ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار تا ۲ میلیون ریال محکوم می‌شوند.

قانون اصلاح ماده دوم قانون مصوب ۱۸ خرداد ۱۳۲۷؛ مصوب ۳۱ تیر ۱۳۲۷

تبصره ۲ ماده واحده: هرکس برای ورود کالا ارزی از دولت دریافت دارد و به مصرفی که دولت برای آن ارز داده است نرساند و یا به قیمت آزاد در بازار سیاه بفروشد و یا از طریق دیگر سوء استفاده کند یا جنسی که با ارز دولتی تهیه می‌کند از قیمت مقرر قانونی گرانتر بفروشد کلاهبردار محسوب و طبق ماه ۲۳۸ ق. مجازات عمومی قابل تعقیب کیفری است.

قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۱۳۶۷

ماده ۴: کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقول که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

۲۳۹۰ مباحثی در علوم جنایی

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۷۸ ماده ۱۸۸ (تبصره ۱): منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد لکن انتشار آن در رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتری محکوم می‌شود.

ماده ۲۰۱: در مواردی که دادگاه از شهود و مطلعین درخواست ادای شهادت و یا اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده‌اند اعم از اینکه به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد.

ماده ۲۲۵: رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود در دادگاه فقط اولیاء و سرپرستان قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.